



صبر، توامی و امید

دکتر محمد علی رضایه اصفهانے



سورة الاحقاف

- : سرشناسه
- : عنوان و نام پدیدآور
- : مشخصات نشر
- : مشخصات ظاهری
- : شابک
- : وضعیت فهرست نویسی
- : یادداشت
- : عنوان دیگر
- : موضوع
- : موضوع
- : رده بندی کنگره
- : رده بندی دیویی
- : شماره کتابشناسی ملی

- ناشر: دارالقرآن
- عنوان: صبر، تواصی و امید
- تألیف: دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی
- تایپ و صفحه آرایی: اکبر جعفری
- نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰ش
- قطع: وزیری
- شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
- قیمت: ?? تومان
- چاپخانه و لیتوگرافی: ???

«با همکاری علمی مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی»

مرکز پخش:

قم: خیابان ارم، کوچه ۱۶ (ارگ)، جنب حسینیه، انتشارات دارالمبلغین (پخش برادران حسینی).
شماره تماس: ۰۹۱۲۸۷۹۴۰۰۵ - ۰۳۷۸۳۸۱۱۸۸ - ۰۲۵

اهداء

تشكر

از همکاران مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدي

فهرست مطالب

فصل اول: امیدواری

اول: مفهوم‌شناسی	۱۹
دوم: واژه‌های همخوان	۲۰
الف: رجاء	۲۰
ب: وَدَّ (یودّون)	۲۰
ج: انتظار	۲۰
د: یأس	۲۰
هـ: قنوط	۲۱
سوم: اهمیت امید در زندگی	۲۱
الف: ممنوعیت ناامیدی در قرآن	۲۱
ب: اهمیت امیدواری در احادیث	۲۳
چهارم: اقسام امید و آرزو	۲۴
الف: امید و آرزوی نیکو	۲۴
۱- امید به خدای متعال	۲۴
۲- امید به رحمت الهی	۲۴
۳- امید به ملاقات الهی در قیامت	۲۵
۴- امید به پاداش‌ها و فضل الهی در قیامت	۲۶
ب: امید و آرزوی ناپسند	۲۷

- ۱- آرزوهای حیوانی ۲۷
- ۲- آرزوهای طولانی حرص آلود ۲۸
- ۳- آرزواندیشی بدون دلیل ۲۹
- ۴- آرزوهای شیطانی ۲۹
- پنجم: آثار امیدواری ۳۰
- الف: امید به رحمت الهی لازمه ایمان، هجرت و جهاد ۳۰
- ب: امید به خدا مانع سستی و کوتاهی در جنگ ۳۱
- ج: امید به ملاقات پروردگار در رستخیز زمینه‌ساز عمل صالح و دوری از شرک ۳۱
- د: امید به پاداش اخروی زمینه‌ساز انس با قرآن و نمازگزاری و بخشش اموال می‌شود ۳۱
- ه: امید به خدا و رستخیز زمینه‌ساز الگوگیری از پیامبر ﷺ ۳۱
- ششم: آثار ناامیدی ۳۳
- الف: ناامیدی زمینه‌ساز عفت، کفرورزی و دوزخی شدن ۳۳
- ب: ناامیدی نسبت به آخرت زمینه‌ساز بهانه‌جویی در برابر رهبران الهی ۳۳
- ج: ناامیدی نسبت به ملاقات الهی در رستخیز (و حسابرسی آن روز) زمینه‌ساز طغیان و سرکشی می‌شود ۳۴
- د: ناامیدی از رستخیز زمینه‌ساز گرفتاری به عذاب‌های دنیوی ۳۴
- هفتم: عوامل امیدآفرین ۳۴
- الف: تقویت خدانشناسی و خدادوستی ۳۴
- ب: تقویت معادشناسی ۳۵
- ج: وعده‌های بهشتی ۳۶
- د: وعده پیروزی ۳۶
- ه: یادآوری تاریخ رهبران و امت‌ها و پیروزی‌ها و کامیابی‌های آنها و شکست دشمنان ۳۷
- و: الگوگیری از پیامبران الهی به ویژه پیامبر اسلام ﷺ ۳۸
- ز: آینده روشن تاریخ (مهدویت امیدآفرین) ۳۸
- هشتم: موانع امیدواری مثبت ۴۰
- الف: کفر ۴۰

ب: جهل و غفلت (عدم بصیرت).....	۴۱
ج: وسوسه‌های شیطانی	۴۲
د: تبلیغات دشمنان کافرکیش	۴۳
هـ: نیرنگ بازی منافقان	۴۴
و: سستی و تبلی	۴۴
ز: فراموشی مرگ و قیامت	۴۴
ح: هنگام امتحانات با شرور و از دست دادن رحمت‌های الهی	۴۴
نهم: راهکارهای رفع موانع امیدواری	۴۵
۱- ایمان به خدا (دوری از کفر و شرک)	۴۵
۲- دعوت به علم و بصیرت	۴۶
۳- دشمن شناسی (شیاطین، کفار و منافقان)	۴۶
۴- دعوت به مجاهدت و تلاش (و دوری از سستی و تبلی).....	۴۷
۵- یادآوری مرگ و معاد (حسابرسی و دوزخ و بهشت)	۴۸

فصل دوم: استقامت‌ورزی (پایداری)

اول: مفهوم‌شناسی صبر	۵۱
دوم: واژه‌های همخوان صبر	۵۲
۱- صبر جمیل	۵۲
۲- استقامت	۵۳
۳- ثبات قدم	۵۴
۴- حلم	۵۴
۵- مجاهدت	۵۵
سوم: اهمیت صبر و استقامت	۵۷
چهارم: آثار و فواید پایداری (صبر و استقامت)	۵۹
الف: خدا با صابران است (معیت الهی)	۵۹
ب: هدایت الهی برای صابران	۶۰

- ج: صلوات و درود الهی بر صابران ۶۰
- د: رحمت الهی بر صابران ۶۰
- هـ: نزول فرشتگان و یاری آنها در دنیا و آخرت ۶۰
- و: سلام و تحیت الهی ۶۲
- ز: صبر زمینه‌ساز رستگاری مؤمنان ۶۲
- ح: دفع ضرر نیرنگ دشمنان منافق صفت ۶۳
- ط: صبر زمینه‌ساز نعمت‌های بهشتی ۶۴
- ی: یاری بیشتر مؤمنان در صورت صبر و تقوا ۶۵
- ط: آرامش و اطمینان دل مؤمنان صابر ۶۵
- ک: در شکیبایی، نیکی و خیر نهفته است ۶۶
- ل: صبر و استقامت زمینه‌ساز پیروزی و وراثت زمین ۶۷
- ن: تعادل در برخورد با نعمت‌ها و ناملایمات ۷۰
- س: آموزش و پاداش بزرگ برای صبر همراه با اعمال نیک ۷۰
- ع: ثواب دنیا و آخرت ۷۰
- ف: جایگاه نیکو در انتظار مهاجران صابر ۷۱
- ص: بهترین پاداش اعمال برای صابران ۷۲
- ق: پاداش دو برابر برای صابران خاص ۷۲
- پنجم: ابعاد و اقسام پایداری (صبر و استقامت) ۷۳
- الف: پایداری بر توحید و لوازم آن ۷۳
- ب: پایداری در جنگ با دشمنان (استقامت در مبارزه) ۷۶
- ج: پایداری در برابر آزارهای دشمنان (فرهنگی، زبانی، جسمانی و...) ۷۷
- د: صبر زیبا در برابر دوستان حیل‌گیر ۷۹
- هـ: صبر با دوستان الهی ۷۹
- و: صبر در علم آموزی ۸۱
- ز: صبر در مشکلات اقتصادی ۸۲
- ۱- پایداری در برابر امتحانات مالی و مشکلات اقتصادی ۸۲

۲- صبر کردن بر تک غذایی و جلوگیری از تنوع طلبی غذایی طبق امیال نفسانی (درک و تحمل)	
مشکلات اقتصادی).....	۸۳
۳- پایداری در راه خدا، زمینه‌ساز رونق اقتصادی.....	۸۴
ح: پایداری در برابر هواهای نفسانی (صبر در برابر گناه).....	۸۴
ط: صبر در هنگام امتحان الهی.....	۸۷
ی: استقامت در راه ایمان داری.....	۸۷
ک: صبر در برابر تفرقه افکنی‌ها.....	۸۹
ل: صبر در آداب اجتماعی به ویژه در برابر رهبر مسلمانان.....	۹۰
م: صبر و استقامت در تبلیغ دین.....	۹۲
ن: پایداری در انجام عبادات.....	۹۲
س: صبر برای عفو هنگام انتقام.....	۹۲
صبرهای منفی در آیات و احادیث.....	۹۳
الف: صبر در پرستش بت‌ها.....	۹۳
ب: صبر بیهوده در برابر آتش دوزخ.....	۹۴
ششم: عوامل و ابزارها و زمینه‌های پایداری (صبر و استقامت).....	۹۵
الف: ایمان به معاد (یقین به ملاقات پروردگار و بازگشت به سوی او).....	۹۵
ب: فروتنی (و تسلیم) در برابر پروردگار.....	۹۵
ج: یاد مبدأ و معاد (ذکر الهی = استرجاع).....	۹۶
د: دعا (درخواست صبر و ثبات قدم از خدای متعال).....	۹۷
هـ: امداد الهی به وسیله فرشتگان.....	۹۸
و: بشارت یاری خدا (تأثیر روانی).....	۹۸
ز: آرامش و اطمینان به وعده امداد الهی.....	۹۸
ح: عقاید و دلایل استوار زمینه‌ساز ثبات قدم.....	۹۹
ط: انس با قرآن زمینه‌ساز ثبات قدم.....	۱۰۰
ی: یاری خدا (و دین او) عامل ثبات قدم.....	۱۰۰
ک: تواضعی به حق و صبر.....	۱۰۱

- هفتم: موانع پایداری (صبر و استقامت) ۱۰۳
- الف: کم همتی (فشل کاری) ۱۰۳
- ب: اختلاف و درگیری درونی مؤمنان ۱۰۴
- هشتم: راهکارهای رفع موانع پایداری (صبر و استقامت) ۱۰۵
- یک: راهکارهای عام رفع موانع پایداری ۱۰۵
- دو: راهکارهای خاص دفع موانع پایداری ۱۰۵
- ج: یادآوری وعده‌های الهی برای یاری بیشتر در صورت استقامت‌ورزی ۱۰۶

فصل سوم: پیروزی

- اول: مفهوم‌شناسی ۱۱۱
- دوم: اهمیت و پیامدهای پیروزی ۱۱۳
- الف: اهمیت و جایگاه پیروزی ۱۱۳
- ۱- پیروزی از ناحیه خداست ۱۱۳
- ۲- پیروزی از حقوق مؤمنان است ۱۱۳
- ۳- فتح و پیروزی محبوب مؤمنان ۱۱۴
- ب: آثار و پیامدهای فتح و پیروزی ۱۱۴
- ۱- گرایش مردم به دین اسلام ۱۱۴
- ۲- تسبیح پروردگار ۱۱۴
- ۳- استغفار ۱۱۴
- ۴- شکرگزاری ۱۱۶
- ۵- شفای دل مؤمنان ستم‌دیده ۱۱۷
- ۶- بخشش پیامدهای (امور جنگی و ...) ۱۱۷
- ۷- کامل شدن نعمت الهی ۱۱۷
- ۸- هدایت به صراط مستقیم ۱۱۷
- ۹- برتری اقلیت صابر بر اکثریت ۱۱۸
- سوم: ابعاد و اقسام پیروزی ۱۲۰

- الف: پیروزی نظامی (سخت‌افزاری) ۱۲۰
- ب: پیروزی صلح‌آمیز ۱۲۰
- ج: پیروزی منطقی (نرم‌افزاری = فرهنگی) ۱۲۱
- د: پیروزی در قیامت ۱۲۳
- چهارم: عوامل و زمینه‌های پیروزی ۱۲۴
- ۱- لطف و اراده الهی ۱۲۴
- ۲- دعا و درخواست پیروزی از خدای متعال ۱۲۵
- ۳- امداد الهی در جنگ به وسیله فرشتگان ۱۲۵
- ۴- امدادهای الهی به وسیله بزرگ‌نمایی رزمندگان اسلام ۱۲۵
- ۵- ترساندن دشمنان (رعب و وحشت انداختن در دل آنها) ۱۲۷
- ۶- تقویت روحیه رزمندگان با مژده‌رسانی و آرامش بخشی ۱۲۸
- ۷- صبر و استقامت کردن و سستی نکردن ۱۲۹
- ۸- ناامید نشدن از یاری خدا ۱۳۱
- ۹- یاری کردن دین خدا، زمینه‌ساز پیروزی ۱۳۳
- ۱۰- حزب الهی شدن ۱۳۴
- ۱۱- لشکر الهی شدن (جند الله) ۱۳۵
- ۱۲- اسلحه، نیرو و قدرت نظامی ۱۳۶
- پنجم: موانع پیروزی ۱۳۸
- ۱- تکیه به غیر خدا (شرک‌ورزی) ۱۳۸
- ۲- ترس از دشمن ۱۳۹
- ۳- سستی و عدم مقاومت ۱۳۹
- ۴- اختلافات درونی ۱۴۰
- ششم: راهکارهای رفع موانع پیروزی ۱۴۱

- ۱- توحید محوری و توکل بر خدا (به جای تکیه به دیگران)..... ۱۴۱
- ۲- ترس از خدا و نترسیدن از مردم ۱۴۲
- ۳- صبر مقاومت در برابر دشمنان..... ۱۴۴
- ۴- حفظ وحدت و دوری از تفرقه ۱۴۵
- جمع بندی و نتیجه گیری ۱۴۶
- فهرست منابع..... ۱۴۷

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

درآمد

اگر تاریخ چند هزار ساله ملت‌ها را مطالعه کنیم به خوبی درمی‌یابیم که ملت‌های سربلند، کسانی بوده‌اند که در برابر مشکلات استقامت کرده و ناامید نشده‌اند و در نهایت طعم شیرین پیروزی را چشیده‌اند.

قرآن به این حقیقت اشاره کرده است و بین مفاهیم؛ صبر، استقامت، امید، گشایش و پیروزی رابطه‌ای وثیق برقرار کرده است که این نوشتار درصدد کشف این مفاهیم و ارتباط آنهاست.

از این رو به کاوش در عوامل و موانع امید و راهکارهای استقامت ورزی و پیروزی می‌پردازد. و در این رابطه آیات قرآن، احادیث اهل بیت علیهم‌السلام و سخنان روشنگر امام خمینی و امام خامنه‌ای را چراغ راه خود قرار می‌دهد، تا رهنمود آینده باشد.

مفهوم‌شناسی

در این نوشتار از کلمات کلیدی زیر استفاده می‌شود: صبر، استقامت، مجاهدت، امید، عدم یأس، نصر، ظفر، فتح و

البته هر کدام از این واژگان بار معنایی خاصی در لغت و اصطلاح دارند که در قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام شبکه معنایی را شکل می‌دهد که در ساختار ذهنی هر مسلمان و سبک زندگی او تأثیر دارد.

از آنجا که این واژگان برای مخاطبان این نوشتار آشناست و هر کدام از آنها در شروع فصول و مباحث بعدی توضیح داده می‌شود. لذا از توضیح آنها در اینجا خودداری می‌شود.

پیشینه

در مورد موضوع این نوشتار دو نوع پیشینه وجود دارد:

الف: پیشینه عام: در تفاسیر قرآن ذیل آیات مربوط به صبر، جهاد، نصر، فتح و نیز در تفسیر ﴿وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ﴾ (یوسف/ ۸۷)؛ «و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید» مطالب مبسوطی بیان شده است همانطور که در کتاب‌های حدیثی و شرح‌های آنها در ابواب مربوط به صبر، نصر و... مطالب قابل استفاده‌ای در باره موضوع این نوشتار آمده است.^۱

ب: پیشینه خاص: در برخی کتاب‌ها و مقالات به صورت ویژه به بخشی از موضوعات این نوشتار پرداخته شده است. از جمله:

- ۱- پیروزی در گرو صبر و استقامت (تفسیر سوره نصر) محمد علی صالح غفاری و ابوالقاسم کردستان، نشر مفید، ۱۳۹۹ ش.
- ۲- صبر و پیروزی، عماد هاشمی بهرمانی، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۹۶ ش.
- ۳- نکته‌های قرآنی درباره صبر و حوصله، عباسعلی کامرانی، نور قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۴ ش.
- ۴- صبر و استقامت، مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، ۱۳۸۹ ش.
- ۵- کیمیای صبر و ثبات؛ سید محمد ضیاء آبادی، مؤسسه تحقیقات نشر معارف اهل بیت (علیهم‌السلام).
- ۶- صبر ستون زندگی، علی محمد عباسیان، انتشارات کتاب شمس، ۱۳۹۰ ش.
- ۷- سیمای صابران در قرآن، یوسف قرضاوی، ترجمه محمد علی لسانی فشارکی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۸- قدرت صبر، اکتات ايعوارانی، ترجمه فریده مهدوی دامغانی، نشر دعا.
- ۹- صبر کیمیای سعادت انسان، آیت الله مظاهری.
- ۱۰- انتظار فرج، امید در اسلام، مرتضی حسینی، ۱۳۸۶، انتشارات فرهنگ قرآن.
- ۱۱- امید در زندگی از منظر قرآن کریم، علی اکبر مؤمنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۷ ش.
- ۱۲- صبر جمیل (مقاومت نیکو)، علاء الدین حجازی، ۱۳۷۵ ش، انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۳- وعده‌های الهی به صابران (باورهای آرام بخش)، سید حسین حسینی قمی، نشر عطش قم، ۱۳۹۲ ش.

۱. ر.ک: معانی الاخبار (باب معنی الصبر و المصابره و المرابطه) و المحاسن (باب الیقین و الصبر فی الدین) و نیز و سائل الشيعة (باب استحباب صبر).

فصل اول:

امیدواری

مقدمه

یکی از مفاهیمی که در قرآن و احادیث بدان اشاره شده «امید» است که نقش زیادی در معناداری زندگی انسان دارد، البته امید با تعبیرهای مختلف و بار معنایی متفاوت به کار رفته است لیکن در قرآن «نامیدی» را به صراحت نفی کرده^۱ و آن را از ثمرات کفر و در نتیجه از گناهان بزرگ شمرده است.

در این بخش از نوشتار به مفهوم امید و واژه‌های همخوان و اقسام آن از منظر آیات و احادیث می‌پردازیم:

اول: مفهوم‌شناسی

واژه «امید» در فارسی به معنای آرزویی است که امکان وقوع آن وجود داشته باشد.

که در عربی معادل آن «أمل» و امانی است:

﴿ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيَلْهَهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (حجر/ ۳)؛ «رهایشان ساز تا

بخورند، و بهره گیرند، و آرزو [ها] سرگرمشان سازد، پس بزودی خواهند دانست».

﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَ

لَا نَصِيرًا﴾ (نساء/ ۱۲۳)؛ «(برتری و پاداش یا کیفر دادن افراد) برطبق آرزوهای شما و آرزوهای

اهل کتاب نیست؛ هرکس (عمل) بدی انجام دهد، برطبق آن کیفر داده می‌شود؛ و جز خدا،

برای خود، هیچ سرپرست و یاورى نمی‌یابد».

۱. ﴿إِنَّهُ لَا يَأْتِيَنَّ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ﴾؛ «[چرا] که جز گروه کافران، (کسی) از رحمت خدا ناامید نمی‌شود». (یوسف/ ۸۷)

دوم: واژه‌های همخوان

الف: رجاء

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۱۸)؛ «در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خدا بسیار آمرزنده مهربور است».

ب: ودّ (یودون)

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ﴾ (بقره/ ۱۶)؛ «آنان کسانی هستند که «گمراهی» را با «راهنمایی» مبادله کردند، پس دادوستدشان سودی نکرد و ره یافته نبودند».

ج: انتظار

﴿فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ﴾ (یونسف/ ۱۰۲)؛ «و آیا (مشرکان) جز همانند روزگاران کسانی که پیش از آنان در گذشتند، انتظار می‌کشند؟! بگو: «پس منتظر باشید که من (هم) با شما از منتظرانم!».

د: یأس

﴿يَا بَنِي إِدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَبَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَبَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمَ الْكَافِرُونَ﴾ (یوسف/ ۸۷)؛ «ای پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، (کسی) از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

﴿لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُؤْسَ قَنُوطٌ﴾ (فصلت/ ۴۹)؛ «انسان از خواستن نیکی ملول نمی‌شود؛ و اگر بدی به او رسد، پس بسیار ناامید [و] مأیوس می‌شود».

﴿وَلَئِنْ أَدْقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤْسَ كُفُورٌ﴾ (هود/ ۹)؛ «و اگر از جانب خویش، رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او برگیریم، قطعاً او بسیار ناامید [و] ناسپاس خواهد شد!».

هـ: قنوط

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (زمر/ ۵۳)؛ «بگو: «ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده‌اید! از رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که خدا تمام آثار (گناهان) را می‌آمرزد؛ که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است».

﴿قَالَ وَمَنْ يَقْنَطْ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ﴾ (حجر/ ۵۶)؛ «(ابراهیم) گفت: و جز گمراهان، چه کسی از رحمت پروردگارش ناامید می‌شود؟!».

سوم: اهمیت امید در زندگی

امیدواری به زندگی انسان معنا می‌بخشد و ناامیدی زندگی را بی‌معنا و بی‌هدف می‌سازد. از این رو برخی افراد ناامید به پایان زندگی فکر می‌کنند و حتی دست به خودکشی می‌زنند. در آیات و احادیث بر اهمیت امیدواری تأکید و از ناامیدی منع شده است از جمله:

الف: ممنوعیت ناامیدی در قرآن

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (زمر/ ۵۳)؛ «بگو: «ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، [چرا] که خدا تمام آثار (گناهان) را می‌آمرزد؛ که تنها او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است».

﴿يَا بَنِي آدَمُ خُذُوا زِينَتَكُمْ مِمَّا فِي آيَاتِنَا وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبُحْلِ وَالْبُحْلُ أَخِي حَتَّىٰ يَكُونُوا فِي رُجُلٍ مِّنَ الْغَافِقِينَ﴾ (سجده/ ۳۱)؛ «ای پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، (کسی) از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

نکات تفسیری

۱. واژه «رُوح» در اصل به معنای جان و تنفس است و به معنای رحمت و گشایش نیز می‌آید (زیرا در هنگام گشایش مشکلات روح و جان تازه‌ای در انسان دمیده می‌شود و نفس او آزاد می‌شود) و در این جا به معنای رحمت، راحت و گشایش کار است.^۱

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۵۸.

۲. یأس از رحمت و لطف خدا در گشایش کارها، نشان دهنده عدم اعتماد به قدرت او است و از این که ناامیدی از رحمت الهی از صفات کافران دانسته شده و نیز از احادیثی که در این زمینه وارد گردیده، استفاده می شود که یأس و ناامیدی از رحمت خدا از گناهان کبیره می باشد^۱.

۳. در احادیث اهل بیت علیهم السلام ناامیدی را مذمت کرده اند، از جمله:

- عن علی علیه السلام: «أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ»^۲؛ «از امیرالمؤمنین علیه السلام حکایت شده که بزرگترین بلاء ناامیدی است».

- عن امام علی علیه السلام: «عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْتُطُّ وَمَعَهُ الْإِسْتِغْفَارُ»^۳؛ «از امام علی علیه السلام حکایت شده است که تعجب می کنم از کسی که راهکار استغفار را دارد ولی ناامید می شود».

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَاؤُهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (یونس / ۸-۷)؛ «در حقیقت کسانی که به ملاقات ما (و روز رستاخیز) امید ندارند، و به زندگی پست (دنیا) خشنود شدند و بدان آرامش یافتند، و کسانی که آنان از آیات (و نشانه های) ما غافلند، آنان به سبب آنچه همواره کسب می کردند، مقصدشان آتش است!».

نکات تفسیری

۱. مقصود از ملاقات پروردگار، ملاقات حسی نیست؛ چون خدا جسم نیست. منظور، علاوه بر ملاقات پاداش و کیفرهای پروردگار، نوعی شهود باطنی است که انسان در قیامت به ذات مقدس خدا پیدا می کند؛ چراکه آیات و نشانه های او را همه جا آشکارتر می بیند و درک تازه ای برای شناخت خدا می یابد.^۴

۲. در حقیقت، نتیجه ایمان نداشتن به معاد و امید نداشتن به نعمت های اخروی، دل بستگی به این دنیای محدود و مادی و اتکا به آن است، که ثمره اش آلودگی عملی و سرانجامش آتش است.

۱. ر.ک: گناهان کبیره، مبحث یأس.

۲. غررالحکم، ص ۱۸۶ و میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۶۰.

۳. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۶۷ و نهج البلاغه، حکمت ۸۷.

۴. ر.ک: بقره/ ۴۶ و انعام/ ۳۱ و ۱۵۴.

۳. امید به آخرت کارساز است و نقش مفیدی در اصلاح فرد و جامعه دارد و اگر این امید به مرحله یقین و ایمان به معاد برسد، تمام زندگی و افکار انسان را دگرگون می‌کند و جهت می‌دهد. تذکر: مشابه مطلب فوق در یونس/ ۱۵ و فرقان/ ۲۱ و ۴۰ و جاثیه/ ۱۴ و نبأ/ ۲۷ آمده است.

ناامیدی جنگ روانی دشمن و سم مهلک؛ در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته):
این روحیه‌ی «فایده‌ای ندارد» - یأس از آینده - سم مهلک همه‌ی فعالیت‌هاست؛ چه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، چه فعالیت‌های علمی و پژوهشی.^۱
بدترین بلائی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی و یأس است.^۲
دشمن آن وقتی که در میدان، در صحنه‌ی عمل نتواند کاری از پیش ببرد، برای مایوس کردن، ناامید کردن و خالی کردن دل ملتها دست به جنگ روانی می‌زند.^۳

ب: اهمیت امیدواری در احادیث

آرزو و امید

آرزو و امید یکی از عوامل حرکت‌آفرین در زندگی بشر است و اگر یک روز مردم آرزو و امید نداشته باشند، دل‌ها می‌میرد و شعله فعالیت و تلاش خاموش می‌شود.
عن النبی ﷺ: «الامل رحمة لامتی و لولا الامل ما رضعت والدة ولدها ولا غرس غارس شجراً».
در حدیثی از پیامبر ﷺ حکایت شده که فرمودند:
عن النبی ﷺ: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْ لَا الْأَمَلُ مَا رَضَعَتْ وَالِدَةُ وَ لَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا»؛^۴ «امید مایه رحمت امت من است. اگر آرزوها نبود، هیچ مادری فرزند خود را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت».

نقش امید در پیروزی‌ها در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته):

امید به پیروزی در همه‌ی شرایط لازم است؛ به شرط آن‌که جهاد فی سبیل الله باشد.^۵

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها ۱۳۸۸/۰۶/۰۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۸/۰۶/۰۸.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴.

۴. سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۰ ماده‌ی «امل»؛ اعلام الدین، ص ۲۹۵ و بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۷۵.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

چهارم: اقسام امید و آرزو

الف: امید و آرزوی نیکو

۱- امید به خدای متعال

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب/ ۲۱)؛ «بیقین برای شما در (روش) فرستاده خدا، (الگوی بی برای) پیروی نیکوست! برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند».

نکات تفسیری

در این آیه بیان شده که الگو بودن پیامبر ﷺ برای کسانی است که سه شرط را دارا باشند و این زمینه‌ها را در خود آماده سازند:

یک) به خدا و رحمت او امیدوار باشند؛

دو) به رستاخیز امید داشته باشند؛

سه) بسیار به یاد خدا باشند.

آری؛ امید به خدا و معاد عوامل انگیزه‌ساز و حرکت‌آفرین هستند و یاد خدا به این حرکت تداوم می‌بخشد.

کسی که به خدا و رستاخیز ایمان نداشته یا آن‌قدر آلوده باشد که از رحمت خدا و نعمت‌های رستاخیز مأیوس باشد، نمی‌تواند در مسیر پیامبر ﷺ حرکت کند و کسی که به یاد خدا نباشد، شیاطین رهن او را منحرف می‌سازند و از ادامه مسیر باز می‌دارند. تذکر: مشابه مطلب فوق در آیه ۶ سوره ممتحنه آمده است.

۲- امید به رحمت الهی

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۱۸)؛ «در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.».

نکات تفسیری

۱. امید به لطف پروردگار مخصوص کسانی است که ایمان دارند و کسانی که مهاجرت^۱ و جهاد^۲ در راه خدا کردند، و گر نه امید بدون ایمان یا عمل، آرزویی بیش نخواهد بود؛ که نابرده رنج گنج میسر نمی شود.

۲. یکی از روش‌های تربیتی قرآن، امیدآفرینی است؛ یعنی تلاشگران را به پاداش الهی و گناهکاران را به بخشش الهی امیدوار می کند تا تلاش بیش تری کنند و از یأس و سستی دور شوند. البته نکته جالب آن است که قرآن در حالی که فضای امید را ایجاد می کند، وعده قطعی نمی دهد، تا مبادا موجب جرئت و خطای بیش تر شود. این یک نکته روان شناختی است که قرآن کریم بارها بدان توجه کرده است.
تذکر: مشابه مطلب فوق در اسراء/ ۵۷ و زمر/ ۹ آمده است.

۳- امید به ملاقات الهی در قیامت

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَىٰ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف/ ۱۱۰)؛ «بگو: «من فقط بشری همانند شما هستم؛ به سوی من وحی می شود که معبودتان معبودی یگانه است؛ و هر کس به ملاقات پروردگارش همواره امید دارد، پس باید کار شایسته‌ای انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند».

نکات تفسیری

۱. تعبیر «لقاء الله» یعنی ملاقات خدا، اما این ملاقات به معنای ملاقات حسّی نیست؛ چراکه محسوس بودن چیزی، مستلزم محدود بودن و نیازمندی و جسم بودن و فناپذیری آن است و خدا از این صفات، پاک و برتر است.

۱. واژه‌ی «هاجروا» در اصل به معنای «جدایی انسان از شخص دیگر (یا از مکانی)» است. این جدایی ممکن است جدایی جسمی یا روحی باشد.

۲. واژه‌ی «جاهدوا» در اصل به معنای «تحمل سختی» است و از آن رو که جنگ با دشمن مستلزم تحمل سختی و مشقت است، به آن جهاد گویند.

پس منظور از ملاقات با خدا، همان شهود باطنی و مشاهده آثار او در قیامت با چشم دل است به طوری که ایمان انسان، ایمانی شهودی شود. البته برخی مفسران نیز ملاقات با خدا را به معنای مشاهده نعمت‌ها و پاداش‌ها و کیفرهای الهی دانسته‌اند.^۱

۲. هر کس به ملاقات پروردگار و روز قیامت امید بسته است، باید خود را با اعمال شایسته، برای رسیدن به آن روز آماده سازد و راه انحرافی شرک را نیپماید. یعنی امید به رستاخیز عامل تحریک انسان برای جلب منفعت و دفع ضرر احتمالی است، البته اگر کسی به قیامت یقین داشته باشد، تأثیرات عمیق‌تری بر او خواهد گذاشت. تذکر: مشابه مطلب فوق در عنکبوت/ ۵ آمده است.

۴- امید به پاداش‌ها و فضل الهی در قیامت

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ لِيُؤْفِقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (فاطر / ۳۰ - ۲۹)؛ «در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند [و پیروی می‌کنند] و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به آنان «روزی» داده‌ایم، پنهانی و آشکارا، (در راه خدا) مصرف می‌کنند، داد و ستدی بی کساد امید دارند. تا (خدا) پاداششان را بطور کامل به آنان بدهد و از بخشش خود برای‌شان بیفزاید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده [و] بسی سپاسگزار است.»

نکات تفسیری

۱. مقصود از تجارت بی‌فساد و بدون کساد آن است^۲ که مؤمنان با خدا معامله می‌کنند؛ یعنی کتاب او را می‌خوانند و به محتوای آن عمل می‌کنند و از مال خود می‌بخشند و خدا نیز پاداش آنان را کامل می‌دهد و چیزی نیز به آنان اضافه می‌دهد که البته این تجارتی پرسود است.

۱. البته تفسیر اول با ظاهر آیه سازگارتر است؛ چراکه نیازی به تقدیر کلمه‌ی «ثواب و جزاء» ندارد (ر.ک: تفسیر نمونه، ج

۱۲، ص ۵۶۶).

۲. «تبور» از ماده‌ی «بوار» به معنای شدت کسادی است که باعث فساد می‌شود (ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۲۵۲).

۲. هنگامی که انسان با انسانی معامله می‌کند، در عوض کالای او قیمتی برابر می‌دهد، اما خدا در تجارت با انسان:

- خودش سرمایه را در اختیار انسان قرار می‌دهد؛

- خودش خریدار است در حالی که نیاز به خرید ندارد؛

- پاداش انسان را به طور کامل می‌دهد؛

- پاداشی اضافه نیز به انسان می‌دهد؛

- خطاها و گناهان انسان را می‌آمرزد؛

- از انسان تشکر می‌کند (و برترین پاداش‌ها را به او می‌دهد).

و این‌ها نهایت لطف الهی را نشان می‌دهد که خدایی که مالک انسان و همه اموال اوست از او تشکر می‌کند و به او مزد می‌دهد (گویی بندگان از او طلبکار هستند).

۳. در این آیه اخلاق مؤمنان راستین بیان شده است که در انجام کارهای نیک امیدشان به معامله با خداست و جز پاداش الهی را نمی‌خواهند و به دنبال ریاکاری و تمجید مردم نیستند.

۴. در حدیثی از امام علی (علیه السلام) روایت شده است:

بدانید که برای شما بهایی غیر از بهشت نیست، پس خود را به غیر آن نفروشید.^۱

ب: امید و آرزوی ناپسند

۱- آرزوهای حیوانی

﴿ذَرُّهُمْ يَا كُلُّوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يَلْهَبُهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ (حجر/ ۳)؛ «رهایشان ساز تا

بخورند، و بهره گیرند، و آرزو[ها] سرگرمشان سازد، پس بزودی خواهند دانست.».

نکات تفسیری

۱. در این آیه کافران را به حیواناتی تشبیه کرده که جز خوردن و لذت بردن هدفی ندارند و در

آرزوهای بلند و خیالات خود غوطه‌ورند. خدا نیز آنان را به حال خود رها می‌سازد، تا به راه خود

ادامه دهند.

۱. نهج البلاغه، کلمه‌ی قصار ۴۵۶؛ غرر الحکم، ح ۴۶۲۳ و ۴۶۲۶؛ مجموعه ورام، ج ۱، ص ۶۸ و بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۱۳۲.

۲. در اسلام برخی آرزوها مورد نکوهش قرار گرفته است؛ هم‌چون آرزوهای دور و دراز، آرزوی بیش از عمل یا بدون عمل و آرزوی سرگرم کننده و یا آرزومندی نسبت به افراد بد و کارهای بد. آری همان طور که آرزوی معقول امیدآفرین است، آرزوهای طولانی و خیال‌بافانه عامل غفلت از حق و سرگرمی انسان می‌شود و او را از زندگی و هدف نهایی به کلی بیگانه می‌سازد؛ هم‌چون باران رحمت که اگر از حد بگذرد، مایه سیل و نابودی بشر می‌شود.

۳. در حدیثی از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمودند:

ای مردم! بیش‌ترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم دو چیز است: پیروی از هوای نفس و آرزوهای دراز؛ چرا که پیروی از هوس‌ها شما را از حق بازمی‌دارد، و آرزوی دراز آخرت را از یادها می‌برد.^۱

۲- آرزوهای طولانی حرص آلود

﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يُوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْضِيهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ (بقره/ ۹۶)؛ «و حتماً آنها را آزمندترین مردم - [حتی آزمندتر] از کسانی که شرک ورزیدند - بر زندگی [دنیا] خواهی یافت. هر یک از ایشان عمر هزار ساله آرزو دارد، در حالی که [چنین] عمر کردنی، او را از عذاب نجات نخواهد داد. و خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست».

نکات تفسیری

۱. یهودیان نسبت به مادیات حرص و ولع شدیدی دارند. آنها در اندوختن مال و ثروت، قبضه کردن دنیا و انحصار طلبی حریص هستند و آن‌چنان به دنیا علاقه‌مندند که هر یک از آنها دوست دارد هزار سال عمر به او داده شود تا ثروت بیش‌تری بیندوزد و یا از مجازات الهی فرار کند.

۲. «هزار سال عمر»، کنایه از عمر طولانی است؛^۲ یعنی یهودیان آرزو دارند عمر بسیار طولانی داشته باشند تا کاملاً از زندگی دنیا بهره‌مند شوند و هیچ‌گاه نمیرند و مجازات اعمال خویش را نبینند.

۳. «عن علی علیه السلام: وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ»؛^۳ «در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شد که: آرزوهای دراز موجب فراموشی آخرت می‌شود».

۱. نهج البلاغه، خطبه‌ی ۴۲ و کافی، ج ۱، ص ۴۴ و ج ۲، ص ۳۳۵.

۲. یعنی عدد تکثیر است نه تعداد (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۵۷).

۳. بحارالانور، ج ۷۰، ص ۸۸.

۳- آرزواندیشی بدون دلیل

﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره/ ۱۱۱)؛ «و(آنها) گفتند: «جز کسی که یهودی یا مسیحی است، داخل بهشت نخواهد شد». این آرزوهای آنهاست. بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل روشتان را بیاورید!».

مشابه مطلب فوق در آیه ۷۸ سوره بقره و... آمده است.

۴- آرزوهای شیطانی

﴿وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِيَّتْهُمْ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَبْتَكَنْ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا يَعْدُهُمْ وَيَمْنِيهِمْ وَمَا يَعْدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا﴾ (نساء/ ۱۲۰-۱۱۹)؛ «و حتماً آنان را گمراه می‌کنم؛ و قطعاً آرزومندشان می‌سازم؛ و البته آنان را (به اعمال خرافی) فرمان می‌دهم، پس حتماً گوشهای دام‌ها را می‌شکافند، و البته به آنان فرمان می‌دهم، پس قطعاً آفرینش خدا را تغییر می‌دهند.» و هر کس جز خدا، شیطان را به سرپرستی برگزیند پس بیقین، با ضرر آشکاری زیان دیده است. [شیطان] به آنان وعده می‌دهد؛ و آرزومندشان می‌سازد؛ در حالی که شیطان جز فریب، به آنان وعده نمی‌دهد».

امید صادق داشتن و دوری از امید کاذب در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته):

توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفلها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر میدارم... سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه‌نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است.^۱

۱. بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۲۲/۱۱/۱۳۹۷

پنجم: آثار امیدواری

- امید در ابعاد مختلف زندگی انسان جریان پیدا می‌کند و تأثیر دارد:
 - امید به محبت الهی در امور معنوی انگیزه عبادت را زیاد می‌کند.
 - امید به پاداش‌های اخروی انگیزه کارهای خیر به نفع مردم می‌شود.
 - امید به سودآوری در امور اقتصادی زمینه ساز کار و تلاش و سرمایه‌گذاری می‌شود.
 - امید به آینده زندگی (طول عمر یا ازدواج و فرزند و...) زمینه‌ساز تلاش برای آینده می‌شود.
- قرآن و احادیث به برخی از مهم‌ترین آثار و ابعاد امید در زندگی اشاره کرده‌اند از جمله:

الف: امید به رحمت الهی لازمه ایمان، هجرت و جهاد

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۱۸)؛ «در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است».

امید عامل پیروزی، شادی و حرکت در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته):

عامل اصلی پیروزی (ما)، در صحنه بودن مردم است؛ عامل در صحنه بودن مردم، امید و اطمینان آنهاست.^۱

امید به انسان شادی میبخشد.^۲ امید به پیروزی، پیشرفت و موفقیت، هر انسانی را به حرکت وادار می‌کند.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۹/۰۶/۲۵

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان و پرسنل سپاه پاسداران استان گیلان، ۱۳۸۰/۰۲/۱۶

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم کرج، ۱۳۷۶/۰۷/۲۴

ب: امید به خدا مانع سستی و کوتاهی در جنگ

﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء / ۱۰۴)؛ «و در جستجوی گروه [دشمن] سستی نورزید؛ (زیرا) اگر شما همواره درد می کشید، پس آنان (نیز) همان گونه که شما درد می کشید، درد می کشند؛ و [لی] شما چیزی از خدا امید دارید که [آنان بدان] امید ندارند؛ و خدا، دانای فرزانه است».

ج: امید به ملاقات پروردگار در رستخیز زمینه ساز عمل صالح و دوری از شرک

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف / ۱۱۰)؛ «بگو: «من فقط بشری همانند شما هستم؛ به سوی من وحی می شود که معبودتان معبودی یگانه است؛ و هر کس به ملاقات پروردگارش همواره امید دارد، پس باید کار شایسته ای انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند».

د: امید به پاداش اخروی زمینه ساز انس با قرآن و نمازگزاری و بخشش اموال می شود

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّنْ تَبُورَ لِيُوقِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيُزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (فاطر / ۳۰ - ۲۹)؛ «در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می خوانند [و پیروی می کنند] و نماز را بر پا می دارند، و از آنچه به آنان «روزی» داده ایم، پنهانی و آشکارا، (در راه خدا) مصرف می کنند، داد و ستدی بی کساد امید دارند. تا (خدا) پاداششان را بطور کامل به آنان بدهد و از بخشش خود برای شان بیفزاید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده [و] بسی سپاسگزار است».

ه: امید به خدا و رستخیز زمینه ساز الگوگیری از پیامبر ﷺ

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب / ۲۱)؛ «بییقین برای شما در (روش) فرستاده خدا، (الگویی برای) پیروی نیکوست! برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می کنند».

تذکر ۱: مشابه این آیه در سوره ممتحنه آیه ۶ آمده است.
تذکر ۲: نکات تفسیری آیات این مبحث (پنجم) در قسمت‌های دیگر نوشتار گذشت.

امید مایه پیشرفت در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته):

آنچه که مایه‌ی پیشرفت است، رسوخ ایمان و امید و اطمینان است.^۱
محیط هرج و مرج و محیطی که در آن امید وجود نداشته باشد، ضد پیشرفت است.^۲
مهمترین مانع پیشرفت یک شخص و یک ملت، ناامیدی و تاریک دیدن افق است؛ نه، افق روشن است و می‌توان جلو رفت.^۳
تلاش، همت و امید که بود، حتماً پیشروندگی هست.^۴
زمینه‌ی وجود امید و خوشبینی باید منجر بشود به یک تحرک وسیع و جدی، برای اینکه این امید ثمر بدهد.^۵
امید به آینده، تزریق امید به دیگران؛ این‌ها خصوصیات است که اگر در یک ملت باشد، آن ملت راه تکامل را خوب می‌پیماید.^۶

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۰/۰۴/۱۳۷۸

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۲۴/۱۲/۱۳۸۳

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان جوان، ۲۵/۰۶/۱۳۸۵

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه، ۰۷/۰۴/۱۳۸۹

۶. بیانات در دیدار شاعران در ماه مبارک رمضان، ۲۵/۰۶/۱۳۸۷

ششم: آثار ناامیدی

ناامیدی در ابعاد مختلف زندگی انسان جریان می‌یابد و تأثیر می‌گذارد:
- ناامیدی در زندگی موجب بی‌معنا شدن زندگی و بی‌هدفی می‌گردد.
- ناامیدی در زندگی، انگیزه کار و تلاش را در انسان کاهش می‌دهد.
- ناامیدی افسردگی و گاهی زمینه‌ساز خودکشی می‌شود.
- ناامیدی از خدا انسان را به کفر و دوزخ می‌کشد.
قرآن و احادیث به برخی از آثار ناامیدی در زندگی بشر اشاره کرده‌اند از جمله:

الف: ناامیدی زمینه‌ساز عفلت، کفرورزی و دوزخی شدن

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (یونس / ۸-۷)؛ «در حقیقت کسانی که به ملاقات ما (و روز رستاخیز) امید ندارند، و به زندگی پست (دنیا) خشنود شدند و بدان آرامش یافتند، و کسانی که آنان از آیات (و نشانه‌های) ما غافلند، آنان به سبب آنچه همواره کسب می‌کردند، مقصدشان آتش است!».

ب: ناامیدی نسبت به آخرت زمینه‌ساز بهانه‌جویی در برابر رهبران الهی

﴿وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا إِنَّا بُرْهَانَ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾ (یونس / ۱۵)؛ «و هنگامی که آیات ما در حالی که روشن است بر آنان تلاوت می‌شود، کسانی که به ملاقات ما (و روز رستاخیز) امید ندارند، می‌گویند: «قرآنی غیر از این بیاور، یا آن را تغییر ده.» (ای پیامبر) بگو: «برای من (ممکن) نیست، که از پیش خودم آن را تغییر دهم، (زیرا) جز آنچه به سوی من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم؛ [چرا] که اگر من پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روز بزرگ (قیامت) می‌ترسم!».

تذکر: مشابه این مطلب در آیه ۲۱ سوره فرقان آمده است.

ج: ناامیدی نسبت به ملاقات الهی در رستاخیز (و حسابرسی آن روز) زمینه‌ساز طغیان و سرکشی می‌شود

﴿وَلَوْ يَعَجَلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتَعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ فَنَدَّرُ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ (یونس / ۱۱)؛ «اگر (بر فرض) خدا برای مردم (در پذیرش نفرین و مجازات) بدی [ها]، شتاب می‌کرد همچون شتاب جویی آنان در نیکی [ها]، حتماً برای آنان سرآمد (عمر) شان فرا می‌رسید؛ و [لی] کسانى را که امید به ملاقات ما ندارند، و امید می‌گذاریم در حالی که در طغیانشان سرگردان می‌شوند.»

تذکر: مشابه این مطلب در آیه ۲۱ سوره فرقان آمده است.

د: ناامیدی از رستاخیز زمینه‌ساز گرفتاری به عذاب‌های دنیوی

﴿وَلَقَدْ آتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوِيًّا أَلَمْ يَكُونُوا يَرُونَهَا بَلًا كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا﴾ (فرقان / ۴۰)؛ «و بیقین (مشرکان) به آبادی (قوم لوط) که باران بد (سنگ‌ها بر آن) باریده شده بود، رسیدند؛ پس آیا هرگز آن را ندیده‌اند؟! (دیدند) لیکن هیچ امیدى به زنده کردن (مردگان) ندارند.»

هفتم: عوامل امیدآفرین

در آیات و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به عوامل امیدآفرین اشاره شده است. یعنی از راهکارهایی برای تقویت روح امید در مردم استفاده شده است که می‌تواند الگویی برای رهبران، مبلغان و معلمان باشد. البته زیربنای همه این عوامل و راهکارهای امیدآفرین دانش‌افزایی و بصیرت‌افزایی است که دارای شاخه‌ها و نمودهای مختلف است.

مهمترین این عوامل و راهکارها عبارتند از:

الف: تقویت خداشناسی و خدا دوستی

محور اساسی آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، معرفی خدا و صفات نیکوی او همچون محبت و رحمت او نسبت به بندگان است که زمینه‌ساز محبت الهی از طرف مردم می‌گردد این مطلب

مهم‌ترین عامل امیدآفرین در دل و روح بشر است. هنگامی که انسان گناهکار ناامید می‌گردد امید به رحمت و عفو و مغفرت الهی است که روح امید را در دل او زنده می‌گرداند و هنگامی که انسان عاشق کمالات، کمال مطلق الهی را بشناسد به سوی او می‌رود و ایمان می‌آورد و با محبت خدا زندگی می‌کند و برای او عبادت و کارهای نیک می‌کند.

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ (بقره/ ۱۶۵)؛ «و[لی]کسانی که ایمان آورده‌اند خدا را بیشتر دوست دارند».

﴿قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (انعام/ ۱۶۲)؛ «بگو: «براستی نمازم و[سایر]عباداتم و زندگی‌ام و مرگم، برای خدایی است، که پروردگار جهانیان است.».

﴿وَيُطْعَمُونَ الْطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾ (انسان/ ۹ - ۸)؛ «و غذا را در حالی که دوستش دارند به بینوا و یتیم و اسیر می‌خورانند. (در حالی که می‌گویند: ما) شما را فقط بخاطر ذات خدا غذا می‌دهیم، [و]هیچ پاداشی و سپاسگزاری از شما نمی‌خواهیم.».

﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾ (زمر/ ۵۳)؛ «بگو: «ای بندگان من که در مورد خودتان زیاده روی کرده‌اید، از رحمت خدا ناامید نشوید، [چرا]که خدا تمام آثار (گناهان) را می‌آمرزد؛ که تنها او بسیار آمرزنده [و]مهرورز است.».

ب: تقویت معادشناسی

یکی از مهم‌ترین محورهای آموزش قرآن، معادشناسی است، تقریباً حدود یک سوم آیات قرآن مستقیم و غیر مستقیم مربوط به معاد است.

شناخت مرگ، حساب‌رسی رستاخیز به اعمال نیک انسان و پاداش‌های آنها زمینه‌ساز امیدواری انسان می‌شود چرا که زندگی را منحصر در حیات مادی نمی‌داند و آینده‌ای روشن و پر از نعمت و پاداش اخروی در برابر خود می‌بیند لذا به کارهای نیک تشویق می‌شود و به مظاهر پرزرق و برق دنیا دل نمی‌بندد.

﴿وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُمُ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾
 (عنکبوت/ ۶۴)؛ «این زندگی پست (دنیا) جز سرگرمی و بازی نیست؛ و قطعاً سرای آخرت فقط زندگی (حقیقی) است، اگر (بر فرض) می دانستند».

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ لِيُوقِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (فاطر / ۳۰ - ۲۹)؛ «در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می خوانند [و پیروی می کنند] و نماز را بر پا می دارند، و از آنچه به آنان «روزی» داده ایم، پنهانی و آشکارا، (در راه خدا) مصرف می کنند، داد و ستدی بی کساد امید دارند. تا (خدا) پاداششان را بطور کامل به آنان بدهد و از بخشش خود برای شان بیفزاید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده [و] بسی سپاسگزار است».

ج: وعده های بهشتی

یکی از محورهای امیدآفرین در قرآن، بیان اوصاف بهشت و دعوت به معامله خدا در این مورد است که مؤمنان را به آینده ای روشن امیدوار می کند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (صف / ۱۲ - ۱۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! آیا شما را به دادوستدی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟! به خدا و فرستاده اش ایمان آورید و با اموال و جان های تان در راه خدا جهاد کنید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید. تا پیامدهای (گناهان) تان را برای شما بیامرزد و شما را در بوستان های (بهشتی) که نهرها از زیر [درختان]ش روان است و در خانه های پاکیزه در بوستان های (ویژه) ماندگار وارد کند؛ این کامیابی بزرگ است».

د: وعده پیروزی

وعده های الهی به پیروزی مؤمنان تأثیر روانی زیادی در امیدوار کردن آنان دارد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد / ۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر (دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند؛ و گام های تان را استوار می دارد».

﴿وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (صف/۱۳):
«و(نعمت) دیگری که آن را دوست دارید(به شما بدهد، که آن) یاری از جانب خدا و پیروزی
نزدیک است؛ و مؤمنان را مژده ده!».

امیدآفرینی وعده‌های الهی در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته):

وعده‌ی تخلف‌ناپذیر خداست که ﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾، ﴿وَمَن أٰصَدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيْلًا﴾؟
چه کسی از خدا راستگوتر است؟ وعده‌ی چه کسی از خدا درست‌تر است؟ خدا می‌گوید: إِن
تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ؛ اگر شما نصرت کردید خدا را، یعنی به سمت تمدن اسلام و جامعه‌ی
اسلامی و تحقق دین خدا پیش رفتید، خدا شما را یاری میکند؛ نقطه‌ی امید. پس عنصر سوّم
هم که وجود نقطه‌ی امید است، وجود دارد.^۱

هـ: یادآوری تاریخ رهبران و امت‌ها و پیروزی‌ها و کامیابی‌های آنها و شکست دشمنان

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأَى
الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (آل عمران/۱۳)؛ «بیتقین در
دو گروهی که(در جنگ بدر) با هم رو به رو شدند، نشانه‌ای(و عبرتی) برای شما بود: گروهی، در
راه خدا جنگ می‌کرد؛ و[گروهی] دیگر کافر بودند، که با چشم خود، آن(مؤمن)ان را دو برابر
آنان می‌دیدند. و خدا، هر کس را(شایسته بداند و)بخواهد، با یاریش، تأیید می‌کند. قطعاً در
این(ماجرا) برای صاحبان بینش عبرتی است.».

﴿أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَىٰ أَن تَزَكَّىٰ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ- فَأَرَاهُ الْآيَةَ
الْكُبْرَىٰ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ
وَالْأُولَىٰ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ﴾ (نازعات/ ۲۶-۱۷)؛ «(که)به سوی فرعون برو که او
طغیان کرده است. و بگو: «آیا برای تو [میلی به پاک شدن و] رشد یافتن هست؟! و(اینکه)تورا
به سوی پروردگارت راهنمایی کنم پس بهراسی؟!» و(موسی) نشانه(معجزه آسای) بزرگ‌تر را

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۰۳/۰۱

به او نمایند. و [لی] تکذیب کرد و نافرمانی نمود. سپس با کوشش پشت کرد. و (مردم را) جمع کرد و ندا داد، و گفت: «من پروردگار والاطر شما هستم.» پس خدا او را به مجازات بازپسین و نخستین گرفتار ساخت. قطعاً در این (امور) عبرتی است برای کسی که بهراسد.».

و: الگوگیری از پیامبران الهی به ویژه پیامبر اسلام ﷺ

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب/ ۲۱)؛ «بیقین برای شما در (روش) فرستاده خدا، (الگویی برای) پیروی نیکوست! برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.» و مشابه آن در سوره ممتحنه/ ۶. تذکر: توجه به پیروزی های پیامبران الهی به ویژه پیامبر اسلام و ناکامی دشمنان راه خدا تأثیر روانی زیادی در امیدواری مؤمنان دارد.

ز: آینده روشن تاریخ (مهودیت امیدآفرین)

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (توبه/ ۳۳)؛ «او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند.».

تذکر: مشابه این مطلب در آیه ۲۸ سوره فتح و آیه ۹ سوره صف آمده است.

نکات تفسیری

- ۱- هر چه دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان تر شود، واقعیت ها چهره خود را از پشت تبلیغات مسموم بهتر نشان می دهد و موانع برطرف می شود و حق همه جا را فرا می گیرد و پیروز می شود، هر چند که دشمنان مایل نباشند. آری، حرکت دشمنان حق بر خلاف مسیر تاریخ و سنت های آفرینش بوده و در نهایت، به شکست محکوم است.
 - ۲- برخی مفسران بر این باورند که مقصود از پیروزی اسلام در این آیه، پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان آشکار شده است.
- برخی دیگر از مفسران با توجه به موارد استعمال ماده «اظهار» در قرآن، عقیده دارند که مقصود، پیروزی عملی، عینی و ظاهری است.

اما به نظر می‌رسد که آیه شامل پیروزی همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر می‌شود که در تمام جهان تحقق خواهد یافت و این، واقعیتی است که با پیشرفت اسلام در جهان به تدریج در حال تحقق است.

۳- در احادیث متعددی آمده است زمانی محتوای آیه فوق تحقق می‌یابد که امام عصر- مهدی آل محمد عجل الله تعالی فی فرجه- ظهور کند.

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «به خدا سوگند! هنوز تأویل محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می‌پذیرد که قائم خروج کند و هنگامی که او قیام کند، کسی کافر و منکر خدا در جهان باقی نخواهد ماند.»^۱

البته روشن است که پیروزی منطقی و عملی اسلام از صدر اسلام آغاز شده و به تدریج در حال پیشرفت و تحقق یافتن است، و مقصود این احادیث آن است که تحقق کامل آیه و پیروزی نهایی اسلام در زمان حضرت مهدی (عج) خواهد بود.

۴- در پی پیروزی نهایی دین حق باشید که فرجام تاریخ روشن است.

همبستگی امید و انتظار در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته):

انتظار یعنی امید، انتظار یعنی اعتقاد به اینکه یک آینده‌ی قطعی‌ای وجود دارد؛ صرف نیاز نیست؛ انتظار، سازنده است، لذا در روایات ما، معارف ما، انتظار فرج جایگاه بسیار مهمی دارد.^۲ [و] امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش می‌برد.^۳

۱. عن الصادق (علیه السلام): «و الله ما نزل تأويلها بعد ولا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم فاذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم»

(نور الثقلين، ج ۲، ص ۲۱۱)؛ هم چنین ر. ک: تفسیر صافی، ج ۲، ص ۳۳۷ و مجمع البیان، ذیل آیه.

۲. سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)، ۲۱/۰۱/۱۳۹۹

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۰۸/۰۶/۱۳۸۸

اعتقاد به مهدویت مایه امید در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته):

اعتقاد به مهدی موعود، دلها را سرشار از نور امید می‌کند.^۱ حضرت بقیه‌الله روحی فداه امید فردای بشریت است.^۲

با یاد ولادت این منجی عظیم تاریخ و بشر، در دلشان امیدی به وجود می‌آید.^۳ نیمه‌ی شعبان، مظهر امید به آینده است.^۴

امید به اصلاح نهایی به وسیله‌ی ولیّ مطلق حضرت حق، حضرت صاحب‌الزّمان (عجل‌الله تعالی فرجه و ارواحنا فداه) امید غیر قابل تخلف است.^۵

یک نفر معتقد به مسئله‌ی مهدویت طبق اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل را خالی از امید نمیداند و شعله‌ی امید همواره وجود دارد.^۶

هشتم: موانع امیدواری مثبت

در آیات و احادیث به موانع امیدواری مردم اشاره شده است از جمله:

الف: کفر

﴿يَا بَنِي آدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَآخِيهِ وَ لَا تَيَآسُوا مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يِيَّاسُ مِنْ رُوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْكٰفِرُوْنَ﴾ (يوسف / ۸۷)؛ «ای پسرانم! بروید، و از یوسف و برادرش جستجو کنید؛ و از [گشایش و] رحمت خدا ناامید نشوید؛ [چرا] که جز گروه کافران، (کسی) از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید نیمه‌شعبان، ۳۰/۰۷/۱۳۸۱

۲. پیام به مناسبت روز تجلیل از شهدا، ۱۷/۱۱/۱۳۷۰

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۷/۱۰/۱۳۷۴

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران، ۱۰/۰۲/۱۳۹۷

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگران، ۱۰/۰۲/۱۳۹۷

۶. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۴/۰۳/۱۳۹۴

نکات تفسیری

۱. واژه «رُوح» در اصل به معنای جان و تنفس است و به معنای رحمت و گشایش نیز می‌آید (زیرا در هنگام گشایش مشکلات روح و جان تازه‌ای در انسان دمیده می‌شود و نفس او آزاد می‌شود) و در این جا به معنای رحمت، راحت و گشایش کار است.^۱

۲. یأس از رحمت و لطف خدا در گشایش کارها، نشان دهنده عدم اعتماد به قدرت او است و از این که ناامیدی از رحمت الهی از صفات کافران دانسته شده و نیز از احادیثی که در این زمینه وارد گردیده، استفاده می‌شود که یأس و ناامیدی از رحمت خدا از گناهان کبیره می‌باشد.^۲

گر برانی و گرم بنده مخلص خوانی روی نومیدیم از حضرت سلطانی نیست
نا امید از در لطف تو کجا شاید رفت تو ببخشای که درگاه تو را ثانی نیست

ب: جهل و غفلت (عدم بصیرت)

﴿إِنَّ الَّذِينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ أُولَئِكَ مَاوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (یونس / ۷-۸)؛ «در حقیقت کسانی که به ملاقات ما (و روز رستاخیز) امید ندارند، و به زندگی پست (دنیا) خشنود شدند و بدان آرامش یافتند، و کسانی که آنان از آیات (و نشانه‌های) ما غافلند، آنان به سبب آنچه همواره کسب می‌کردند، مقصدشان آتش است!».

نکات تفسیری

۱. در حقیقت، نتیجه ایمان نداشتن به معاد و امید نداشتن به نعمت‌های اخروی، دل‌بستگی به این دنیای محدود و مادی و اتکا به آن است، که ثمره‌اش آلودگی عملی و سرانجامش آتش است.

۲. غفلت از آیات و نشانه‌های الهی، سرچشمه بیگانگی از خداست که ثمره‌اش عدم احساس مسئولیت و آلودگی به ظلم و فساد و گناه است و سرانجام این‌ها چیزی جز آتش نیست.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۵۸.

۲. ر. ک: گناهان کبیره، مبحث یأس.

۳. برای اصلاح جامعه و نجات از آتش، دو شرط اساسی وجود دارد:
 تقویت پایه‌های ایمان به خدا و معاد؛ و بدون این دو، احساس مسئولیت و ترس از مجازات از بین می‌رود و اصلاحات اجتماعی غیرممکن می‌شود.
۴. امید به آخرت کارساز است و نقش مفیدی در اصلاح فرد و جامعه دارد و اگر این امید به مرحله یقین و ایمان به معاد برسد، تمام زندگی و افکار انسان را دگرگون می‌کند و جهت می‌دهد.
۵. عوامل دوزخی شدن عبارت‌اند از:
 یک) انکار معاد و امید نداشتن به پاداش‌های آن؛
 دو) راضی شدن به زندگی زودگذر دنیا؛
 سه) غفلت از آیات الهی؛
 چهار) عمل کرد ناپسند انسان.

ج: وسوسه‌های شیطانی

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۶۸)؛ «شیطان، شما را وعده نیازمندی می‌دهد؛ و به [کار] زشت فرمان می‌دهد؛ و [لی] خدا از جانب خود وعده آمرزش و فزونی به شما می‌دهد؛ و خدا گشایشگری داناست.».

نکات تفسیری

۱. واژه «شیطان» به معنای هر موجود شریر و وسوسه‌گر است؛ بنا براین، همان‌طور که شامل شخص «ابلیس» و شیطان‌های جنّی می‌شود، شامل برخی انسان‌های پلید و شیطان‌صفت نیز می‌شود که با سخنان وسوسه‌آمیز خود مانع نیکوکاری دیگران می‌شوند.
 ۲. سرچشمه هر نوع تفکر منفی، بازدارنده و کوتاه‌بینانه، انحراف از فطرت و تسلیم در برابر وسوسه‌های شیطانی است، اما سرچشمه هرگونه فکر مثبت، سازنده، محرک و بلندنظرانه، الهامات الهی و فطرت پاک خدایی است.
- از آن‌جا که وسوسه‌های شیطانی برخلاف قوانین آفرینش و سنت‌های الهی است، اثر آن منفی و زیان‌آور است، اما فرمان‌های پروردگار، هماهنگ با آفرینش و فطرت است و نتیجه‌اش حیات و زندگی سعادت بخش است.

۳. در نگاه ظاهری به نظر می‌آید که انفاق و بخشش موجب کم شدن ثروت می‌شود و این همان نظر کوتاه‌بینانه شیطانی است، ولی با دقت و دید وسیع متوجه می‌شویم که انفاق ضامن بقای اجتماع، تحکیم عدالت اجتماعی و پیشرفت عمومی است؛ و با پیشرفت اجتماع، افراد آن نیز در رفاه و آسایش خواهند بود؛ و این همان نظر واقع‌بینانه الهی است.

قرآن به مسلمانان توجه می‌دهد که انفاق اگر چه به ظاهر چیزی از سرمایه شما کم می‌کند، در واقع، هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی، چیزهایی بر سرمایه‌های شما می‌افزاید.

۴. شیطان در مورد رفع فقر وعده می‌دهد و انسان را از فقر می‌ترساند تا بخشش ننماید، در حالی که او دروغ‌گوست و قدرت انجام دادن وعده‌ها را ندارد؛ اما خدای راست‌گو که قدرت گشایشگری دارد به انسان نیکوکار وعده بخشش و افزونی می‌دهد.

د: تبلیغات دشمنان کافرکیش

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فُتَرَبِّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ﴾ (مؤمنون/ ۲۵ - ۲۳)؛ «و یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ و گفت: ای قوم! خدا را پرستش کنید، که هیچ معبودی جز او برای شما نیست؛ پس آیا خودنگهداری (و پارسایی) نمی‌کنید؟!» و اشراف قومش که کفر ورزیدند، گفتند: «این (نوح) جز بشری مثل شما نیست، که می‌خواهد بر شما برتری جوید؛ اگر (بر فرض) خدا می‌خواست (پیامبری بفرستد)، حتماً فرشتگانی فرود می‌آورد؛ (ما) در نیاکان نخستین خود این را نشنیده‌ایم! او نیست جز مردی که در وی (حالت) جنون است؛ پس تا مدتی برای (مرگ یا بهبودی) او انتظار بکشید».

﴿قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ﴾ (یس/ ۱۵)؛ «(اهل آبادی) گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید، و (خدای) گسترده‌مهر هیچ چیزی فرو نفرستاده است، شما جز دروغ نمی‌گویید!».

هـ: نیرنگ بازی منافقان

﴿وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا﴾ (احزاب/ ۱۲)؛ «و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل هایشان [نوعی] بیماری است، می گفتند: «خدا و فرستاده اش جز فریب به ما وعده نداده اند».

و: سستی و تنبلی

﴿وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا﴾ (نساء/ ۱۰۴)؛ «و در جستجوی گروه [دشمن] سستی نورزید؛ (زیرا) اگر شما همواره درد می کشید، پس آنان (نیز) همان گونه که شما درد می کشید، درد می کشند؛ و [لی] شما چیزی از خدا امید دارید که [آنان بدان] امید ندارند؛ و خدا، دانای فرزانه است».

ز: فراموشی مرگ و قیامت

﴿وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ﴾ (روم/ ۷ - ۶)؛ «(این) وعده خداست؛ خدا از وعده اش تخلف نمی ورزد؛ و لیکن بیشتر مردم نمی دانند. (زیرا آنان) ظاهری از زندگی پست (دنیا) را می دانند، در حالی که آنان خود از آخرت غافلند».

﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾ (یس/ ۹ - ۷۸)؛ «و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرده و گفت: «چه کسی این استخوان را در حالی که آن پوسیده است زنده می سازد؟!» بگو: «کسی آن را زنده می کند، که نخستین بار وی را پدید آورد؛ و او به هر آفرینشی داناست».

ح: هنگام امتحانات با شورو و از دست دادن رحمت های الهی

﴿لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَؤُسُ قَنُوطٌ﴾ (فصلت/ ۴۹)؛ «انسان از خواستن نیکی ملول نمی شود؛ و اگر بدی به او رسد، پس بسیار ناامید [و] مأیوس می شود».

﴿وَلَئِنْ أَدَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيَؤُسُ كَفُورٌ﴾ (هود/ ۹)؛ «و اگر از جانب خویش، رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او بگیریم، قطعاً او بسیار ناامید [و] ناسپاس خواهد شد».

نهم: راهکارهای رفع موانع امیدواری

از آیات و احادیث اهل بیت علیهم السلام می‌توان راهکارهای رفع موانع امیدواری را استفاده کرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱- ایمان به خدا (دوری از کفر و شرک)

محور اساسی قرآن دعوت به توحید و دوری از شرک و کفر است که این مطلب مهم‌ترین مانع امیدواری یعنی کفر را برطرف می‌کند.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا﴾ (کهف/ ۱۱۰)؛ « بگو: من فقط بشری همانند شما هستم؛ به سوی من وحی می‌شود که معبودتان معبودی یگانه است؛ و هر کس به ملاقات پروردگارش همواره امید دارد، پس باید کار شایسته‌ای انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند».

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مثنًى وَفَرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِن هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾ (سبأ/ ۴۶)؛ « بگو: شما را فقط به یک (چیز) پند می‌دهم، اینکه: دو دو و یک یک برای خدا بپاخیزید، سپس تفکر کنید که همنشین شما (پیامبر) هیچ جنونی ندارد؛ او برای شما جز هشدارگری پیش از (فرارسیدن) عذاب شدید نیست!».

یاد خدا و توکل مایه امیدواری در اندیشه امام خامنه‌ای

یاد خدا دل‌های افسرده را فروغ می‌بخشد و نور ایمان و امید در آن می‌دمد.^۱

یکی از مایه‌های مهم امید عبارت است از توکل به خدای متعال.^۲

ما یک لحظه از کمک الهی مایوس نشدیم، و امیدوارم تا آخر هم یک لحظه از این کمک

مایوس نشویم.^۳

۱. پیام به کنگره عظیم حج، ۱۹/۱۰/۱۳۸۴

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر علمی، ۱۷/۰۷/۱۳۹۸

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی (علیه السلام)، ۲۶/۰۴/۱۳۸۷

۲- دعوت به علم و بصیرت

یکی از مهم‌ترین محورهای دعوت قرآن و پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، فراخوان به سوی علم و بصیرت و تشویق دانشمندان است که این مطلب زمینه ساز رفع جهل و غفلت و بی‌بصیرتی می‌شود که یکی از موانع مهم امیدواری شمرده شد.

﴿يُرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (مجادله/ ۱۱)؛ «که خدا کسانی از

شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه‌هایی بالا می‌برد».

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر/ ۹)؛ «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی

که نمی‌دانند یکسانند؟! فقط خردمندان متذکر می‌شوند».

﴿هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ لَا تَتَفَكَّرُونَ﴾ (انعام/ ۵۰)؛ «آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس

چرا تفکر نمی‌کنید؟».

﴿هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾ (جاثیه/ ۲۰)؛ «این (قرآن) دلیل‌های بینش

آور برای مردم است؛ و رهنمود و رحمتی است برای گروهی که یقین آورند».

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلُ أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَدْنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَدْنَا مِنْ

الْمُشْرِكِينَ﴾ (یوسف/ ۱۰۸)؛ «ای پیامبر! بگو: این راه من است! که من و هر کس مرا پیروی

می‌کند، با شناخت، (مردم را) به سوی خدا فرا می‌خوانیم؛ و خدا منزّه است و من از مشرکان

نیستم».

۳- دشمن شناسی (شیاطین، کفار و منافقان)

شیطان و کفار و منافقان با وسوسه‌ها و تبلیغات خود مانع امیدواری مثبت می‌شوند و یا

امیدهای خیالی و انحرافی به انسان القاء می‌کنند و او را منحرف می‌سازند.

خدای متعال خطر شیاطین و کفار و منافقان را در آیات سوره‌های متعدد قرآن یادآوری کرده است.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ

مُبِينٌ﴾ (بقره/ ۱۶۸)؛ «ای مردم! از آنچه در زمین، حلال و پاکیزه است بخورید؛ و از گام‌های

شیطان، پیروی مکنید؛ که او، دشمنی آشکار برای شماست».

تذکر ۱: مشابه این مطلب در آیه ۲۰۸ سوره بقره و آیه ۱۴۲ سوره انعام ... آمده است.
تذکر ۲: برای شناخت خطرات کافران و منافقان به سوره‌های توبه و منافقون و ... مراجعه کنند.

۴- دعوت به مجاهدت و تلاش (و دوری از سستی و تنبلی)

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾
(آل عمران/ ۱۴۲)؛ «آیا پنداشتید که وارد بهشت خواهید شد، و حال آنکه کسانی از شما را که جهاد کرده‌اند، معلوم نداشته، و شکیبایان را معلوم نساخته است».

﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِي عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (عنکبوت/ ۶)؛ «و هر کس کوشش کند، پس تنها برای خودش کوشش کرده است؛ [چرا] که مسلماً خدا از جهانیان بی نیاز است».

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۱۸)؛ «در حقیقت کسانی که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است».

تذکر: آیات زیادی از قرآن که دعوت به عمل صالح می‌کند و پاداش‌های اخروی نیکوکاران (محسنین) و صابران و ... را بر می‌شمارد می‌تواند شاهد این مطلب باشد.

ضرورت نگاه امیدوارانه جوانان به آینده در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

شما جوان هستید، مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه بدبینانه و نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه و بدبینانه شد، نگاه (چه فایده‌ای دارد) شد، به دنبالش بی‌عملی، بی‌تحریک و انزواء است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همان چیزی است که دشمن می‌خواهد.^۱
جوان، مظهر نشاط و امید است.^۲

تقویت امید به آینده در میان مردم، به‌ویژه جوانان یکی از نیازهای اصلی در بخش فرهنگ عمومی است که امامان جمعه در این زمینه می‌توانند تأثیرگذاری بالایی داشته باشند.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی، ۱۳۸۸/۰۶/۰۴.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ حکم دهمین دوره ریاست جمهوری، ۱۳۸۸/۰۵/۱۲.

۳. دیدار انمه جمعه سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۸۷/۰۷/۲۲.

۵- یادآوری مرگ و معاد (حسابرسی و دوزخ و بهشت)

قرآن کریم در آیات زیاد انسان را به یاد مرگ و معاد می‌اندازد تا از خواب غفلت بیدار شود. همانطور که گذشت غفلت از معاد مانع امیدواری انسان به پاداش‌های اخروی (مثل بهشت ...) می‌شود از این رو به کارهای نیک روی نمی‌آورد.

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ لِيُؤْتِيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾ (فاطر / ۳۰ - ۲۹)؛ «در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند [و پیروی می‌کنند] و نماز را بر پا می‌دارند، و از آنچه به آنان «روزی» داده‌ایم، پنهانی و آشکارا، (در راه خدا) مصرف می‌کنند، داد و ستدی بی‌کساد امید دارند. تا (خدا) پاداششان را بطور کامل به آنان بدهد و از بخشش خود برای‌شان بیفزاید؛ [چرا] که او بسیار آمرزنده [و] بسی سپاسگزار است.».

امیدآفرینی انقلاب اسلامی ایران در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

انقلاب بزرگ اسلامی ما، تمام مسلمانان دنیا را امیدوار کرده است. اگر مسلمانان در شرق و غرب عالم و در آسیا و اروپا و آفریقا، برای ارتحال امام علیه السلام عزادار میشوند و مثل ملت ایران عزاداری می‌کنند، به دلیل امیدی است که حرکت ملت ایران به رهبری امام در دل‌های آنها به وجود آورده است. آنها امام بزرگوار ما را مظهر آرزوها و امیدهای خودشان به حساب می‌آوردند... انقلاب ما در دل‌های مسلمانها امید به وجود آورده است. ما باید این امیدواری را حفظ کنیم. در صورتی این امید حفظ خواهد شد که در همان خط و راهی که امام عزیز، ملت و مسؤولان را به سمت اهداف انقلاب حرکت دادند، ادامه‌ی مسیر بدهیم و از هیچ چیز نترسیم.^۱

فصل دوم:

استقامت‌ورزی (پایداری)

مقدمه

صبر و مقاومت از مفاهیمی است که در قرآن کریم به صورت‌های مختلف به کار رفته‌اند و به آن توصیه شده است و آثار و برکات آن بیان شده است. در اینجا بعد از توضیح مفهوم صبر، به مهمترین آیات مربوطه می‌پردازیم:

اول: مفهوم‌شناسی صبر

واژه «صبر» به معنای بردباری و شکیبایی لازم به یادآوری است که: صبر به معنای کوتاهی منفعلانه و گوشه‌نشینی و تنبلی در برابر مشکلات نیست بلکه مقاومت فعال است یعنی در برابر سختی‌ها، قدرت تحمّل داشتن و میدان را خالی نکردن و ایستادگی در مبارزه است.

صبر در اندیشه امام خمینی علیه السلام

نگاهداری نفس از شکایت بر جزع مستور.^۱ ایشان در تبیین معنای شکایت این گونه فرموده است: مقصور از شکایت، شکایت به غیرحق است و اما شکایت به خدا منافات با مقام صبر ندارد؛ چنانچه ایوب^۲ شکایت به خدا کرد.^۳ وی در تعریف دیگری از صبر می‌نویسد: صبر

۱. امام خمینی، سید روح الله، شرح جهل حدیث، ص ۲۶۰.

۲. ﴿وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (انبیاء/ ۸۳)؛ «و (یاد کن) ایوب را هنگامی که پروردگارش را ندا در داد که: «به من زیان (ورنج) رسیده، در حالی که تو مهرورزترین مهرورزانی».

۳. امام خمینی، سید روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۴۱۰.

عبارت از نگاهداری نفس است از بیتابی نزد مکروه.^۱

صبر در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

صبر یعنی در میدان باقی ماندن، از میدان بیرون نرفتن.^۲

صبر یعنی پافشاری، پایداری، مقاومت، ایستادگی، هدف را فراموش نکردن.^۳

صبر در برابر مشکلات و مصایب: معنای این حرف این نیست که وقتی مصایب را در مقابل خودشان دیدند، منفعل شوند و دست‌بسته تسلیم مصایب شوند؛ نه، درست بعکس باید عمل کرد...^۴

دوم: واژه‌های همخوان صبر

۱- صبر جمیل

این واژه چند بار در قرآن به کار رفته است:

﴿وَجَاؤُ عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ﴾ (یوسف/۱۸)؛ «و خونی دروغین با پیراهن او (آغشته کردند و) آوردند؛ (یعقوب) گفت: بلکه نفس شما کاری (بد) را برای شما آراسته است، و (صبر من) شکیبایی نیکوست؛ و در برابر آنچه وصف می‌کنید، تنها خداست که (از او) یاری خواسته می‌شود».

﴿قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (یوسف/۸۳)؛ «(یعقوب) گفت: «بلکه نفس‌های شما کاری (بد) را برای شما آراسته است؛ و (صبر من) شکیبایی نیکوست؛ امید است که خدا همه آنان را برای من (باز) آورد؛ [چرا] که تنها او دانا [و] فرزانه است»».

۱. امام خمینی، سید روح‌الله، شرح جهل حدیث، ص ۲۶۰.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموزی دانشجوین دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، ۰۹/۰۴/۱۳۹۷.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۳۰/۰۴/۱۳۹۲.

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم شهرستان زرنند، ۱۴/۰۲/۱۳۸۴.

نکات تفسیری

۱. یعقوب پیامبر (علیه السلام) با این‌که جانش در فراق یوسف می‌سوخت، بی‌تابی و جزع نکرد، بلکه با صبوری زیبا به خدا پناه برد و از او یاری خواست تا بتواند در برابر این طوفان عظیم پایداری کند.

۲. مقصود از «صَبْرٌ جَمِيلٌ» آن است که حضرت یعقوب هم شکبیا و هم سپاس‌گزار نعمت‌های الهی بود و در هنگام مفقود الاثر شدن یوسف، ناسپاسی و بی‌تابی نکرد و سخنی ناشایست بر زبان جاری نساخت و صبوری زیبا پیشه کرد؛ البته گریه کردن و غصه خوردن یعقوب و هر پدر دیگری در هنگام مصیبت زدگی، واکنشی طبیعی و عاطفی است که با صبر جمیل منافاتی ندارد.

﴿فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا﴾ (معارج / ۵)؛ «پس با شکبیایی نیکو شکبیا باش».

نکات تفسیری

این آیه پیامبر (ص) را به «صبر جمیل» فرا می‌خواند. مقصود شکبیایی و استقامتی است که تداوم داشته باشد و نومی‌دی در آن راه نیابد و همراه شکوه و بیتابی نباشد.^۱

۲- استقامت

صبر و استقامت، مفاهیم نزدیک به همدیگر دارند و در قرآن کریم به استقامت توجه ویژه شده است.

۱-۲. استقامت در راه دین: ﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (هود / ۱۲)؛ «پس همان گونه که فرمان داده شدی پایداری کن! و کسانی که با تو (به سوی خدا) باز گشتند، (نیز پایداری کنند). و طغیان مکنید، [چرا] که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

۲-۲. استقامت در برابر طاغوتیان: ﴿قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَ لَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (یونس / ۸۹)؛ «(خدا) فرمود: «دعای هر دوی شما پذیرفته شد؛ پس پایداری کنید؛ و راه کسانی را که نمی‌دانند، پیروی مکنید».

۲-۳. استقامت بر ایمان پروردگار: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (احقاف/ ۱۴-۱۳)؛ «در واقع کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست.» سپس پایداری کردند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. آنان اهل بهشتند در حالی که در آنجا ماندگارند، به پاداش آنچه همواره انجام می‌دادند».

تذکر: در مورد نکات تفسیری این آیات در ادامه نوشتار مطالب مبسوطی خواهد آمد.

۳- ثبات قدم

یکی از مطالبی که قرآن کریم از آن یاد کرده و با مفهوم صبر و استقامت همخوان است واژه «ثبات قدم» است که به معنای ایستادگی در برابر دشمن است که زمینه پیروزی را فراهم می‌سازد: ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۵۰)؛ «[ای] پروردگار ما! [پیمانۀ] شکیبایی را بر ما فرو ریز، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای».

تذکر: مشابه مطلب فوق در سوره آل عمران/ ۱۴۷، انفال/ ۴۵، ۱۱ و ۱۲ و نیز ابراهیم/ ۲۷ و نحل/ ۱۰۲ و محمد/ ۷ اشاره شده است.

۴- حلم

«حلم» یکی از مفاهیم همخوان صبر که در برخی آیات قرآن بدان اشاره شده «حلم» به معنای بردباری است و برخی پیامبران بردبار را «حلم» خوانده و ستایش کرده است و مکرر یکی از صفات خدای متعال را «حلم» معرفی کرده است.

﴿وَاللَّهُ عَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۲۵)؛ «و خدا بسیار آمرزنده بردبار است.» مشابه آن در بقره/ ۲۳۵ و ۲۶۳ و آل عمران/ ۱۵۵ و نساء/ ۱۲ و مائده/ ۱۰۱ و اسراء/ ۴۴ و حج/ ۵۹ و احزاب/ ۵۱ و فاطر/ ۴۱ و تغابن/ ۱۷ آمده است.

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾ (توبه/ ۱۱۴)؛ «قطعاً ابراهیم بسیار غمخوار (و) بردبار بود.» و مشابه آن در هود/ ۷۵ آمده است و نیز در مورد حضرت شعیب (هود/ ۸۷) و نیز در مورد حضرت اسماعیل (صافات/ ۱۰۱)

۵- مجاهدت

جهاد و مجاهدت به معنای «تلاش و کوشش» است لیکن معمولاً در جهاد نظامی به کار می‌رود؛ اما در قرآن کریم و احادیث از سه نوع جهاد یاد شده است که لازمه همه آنها صبر و استقامت است.

یک: جهاد اصغر (جنگ و مبارزه مسلحانه با دشمنان): در این مورد آیات زیادی در قرآن آمده است:

مثال: ﴿انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (توبه/ ۴۱)؛ «سبکبار و گرانبار (به سوی جهاد) بسیج شوید، و با اموالتان و جان‌هایتان در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید!».

مثال: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال/ ۶۶ - ۶۵)؛ «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ (و جهاد) برانگیز. اگر از شما بیست [نفر] شکیبیا باشند، بر دویست [نفر] پیروز می‌شوند؛ و اگر صد [نفر] از شما باشند، بر هزار [نفر] از کسانی که کفر ورزیدند، پیروز می‌گردند؛ به سبب اینکه، آنان گروهی هستند که به طور عمیق نمی‌فهمند هم اکنون خدا به شما تخفیف داد، و معلوم داشت که در شما ضعفی هست؛ پس اگر از شما صد [نفر] شکیبیا باشند، بر دویست [نفر] پیروز می‌شوند؛ و اگر از شما هزار [نفر] شکیبیا باشند، با رخصت الهی، بر دو هزار [نفر] پیروز خواهند شد؛ و خدا با شکیبایان است.».

نکته: جهاد نظامی نیازمند استقامت و صبر در برابر دشمن است و هرچه صبر و استقامت رزمندگان بیشتر باشد، پیروزی بیشتری به دست می‌آید.

دو: جهاد کبیر (مبارزه فرهنگی با دشمنان)

﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان/ ۵۲)؛ «پس از کافران اطاعت مکن، و بوسیله آن (قرآن) با جهاد بزرگ (فرهنگ)ی با آنان مبارزه کن.».

نکات تفسیری

۱. مقصود از «جهاد کبیر» در این آیه چیست؟ مسلماً، مقصود جهاد مسلحانه نیست؛ زیرا سوره فرقان مکی است و در مکه جهاد مسلحانه بر مسلمانان واجب نشده بود. پس مقصود جهاد فرهنگی، فکری و تبلیغاتی علیه کافران است که با کمک قرآن صورت می‌گیرد و مخالفان اسلام را در صحنه فرهنگی به شکست می‌کشاند.
- آری؛ اسلام از مسلمانان می‌خواهد که در برابر کافران دست به تهاجم فرهنگی بزنند.
۲. در این آیات، قرآن، به عنوان اسلحه جهاد کبیر معرفی شده است؛ زیرا:
 - قرآن اسلحه‌ای فکری است که در صحنه جهاد فرهنگی کاملاً موثر است.
 - قرآن دارای قدرت بیان، استدلال، جاذبه و تأثیر عمیق است.
 - قرآن روشنی بخش، آرام‌بخش و حرکت‌آفرین است.
۳. در مبارزه فرهنگی جنگ روانی و نرم‌افزاری و تبلیغاتی دشمن به صورت شبانه روزی و در همه مکان‌ها و زمان‌هاست. لذا وسیع‌تر از جهاد نظامی است، از این رو صبر و استقامت بیشتری می‌طلبد.

جهاد فرهنگی همراه با امید در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

جهاد فقط در میدان جنگ نیست، در میدان علم هم مثل بقیه‌ی میادین زندگی، جهاد لازم است. جهاد یعنی تلاش بی‌وقفه، همراه با خطرپذیری و پیشرفت و امید به آینده.^۱

سه: جهاد اکبر (مبارزه با هواهای نفس):

در منابع حدیثی متعددی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که به رزمندگانی که از جنگ بر می‌گشتند فرمود:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بَعَثَ سَرِيَّةً فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَصَّوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ فَقَالَ جِهَادُ النَّفْسِ»^۲؛

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نخبگان علمی و اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۷/۰۷/۰۳

۲. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۶۳.

«آفرین به گروهی که جهاد کوچک را انجام دادند و جهاد بزرگتر آنها باقی مانده است. شخصی پرسید: جهاد بزرگ چیست؟ حضرت فرمود: مبارزه با نفس (هواهای نفسانی)». نکته: در جهاد اصغر و کبیر دشمن از محیط بیرونی به مسلمانان حمله می‌کند اما در جهاد اکبر دشمن از درون نیز حمله می‌کند و انسان را با هواهای نفسانی و وسوسه‌های شیطانی می‌فریبد، لذا مبارزه با نفس مشکل‌تر است و نیازمند صبر و مقاومت در همه زمان‌ها و مکان‌هاست.

سوم: اهمیت صبر و استقامت

- ۱- واژه صبر و مشتقات آن در قرآن کریم حدود ۷۰ مورد به کار رفته است که نشانگر اهمیت آن و توجه قرآن و خدای متعال به آن است.
- ۲- در برخی آیات صبر و استقامت را از کارهای مهم شمرده است. ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكُمْ مِنَ الْأُمُورِ﴾ (لقمان / ۱۷)؛ «و در برابر آنچه (از مشکلات) که به تو می‌رسد، شکیبا باش؛ که این [حاکمی] از تصمیم استوار (شما در) کارهاست». ﴿وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكُمْ مِنَ الْأُمُورِ﴾ (آل عمران / ۱۸۶)؛ «و اگر شکیبایی ورزید و [خودتان را] حفظ کنید، پس در حقیقت این [حاکمی] از تصمیم استوار (شما در) کارهاست».
- ۳- در احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام نیز بارها به صبر و آثار آن اشاره شده است و در کتب حدیثی و اخلاقی باب صبر سامان یافته است.^۱ از جمله احادیث ذیل نشان دهنده اهمیت صبر و استقامت است.
عن السجادة علیها السلام: «وَالصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ»؛^۲ «صبر نسبت به ایمان به منزله سر انسان نسبت به بدن اوست».

۱. ر.ک: معانی الاخبار (باب معنی الصبر و المصابرة والمرابطة) و المحاسن (باب البقین و الصبر فی الدین) و نیز و سائل الشيعة (باب استحباب صبر).

۲. کافی، ج ۲، ص ۸۹ و مشابه آن بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹۲.

مشابه این روایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل شده: «الصَّبْرُ فِي الْأُمُورِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ».^۱

عن علی (علیه السلام): «أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّهُ لَا دِينَ لِمَنْ لَا صَبْرَ لَهُ»؛^۲ «ای مردم بر شما باد شکیبایی که هر کس شکیبایی نداشته باشد، دین ندارد».

مقاومت عامل نجات از مشکلات در اندیشه امام خمینی (علیه السلام)

و باید بدانید در میدانی که قدم گذاشته اید مواجه هستید با مشکلات بسیاری که تنها مقاومتتان نجاتتان خواهد داد. به هیچ وجه ترس و بیم در خود راه ندهید، که مبارزات کوبنده تان نشان داده است که نمی دهید.^۳

صبر راه رسیدن به حق و اسلام در اندیشه امام خمینی (علیه السلام)

امام خمینی (علیه السلام) فرموده‌اند: اگر انسان بخواهد حق را به دست بیاورد، اگر انسان بخواهد یک حکومت حقی در کشورش باشد و اگر بخواهد اسلام - که حق مطلق است - در کشور پیاده بشود، باید صبر کند. آن طوری که اولیای خدا - سلام الله علیهم - در همه مراحل، در همه مصیبتها، در همه مشکلات صبر می کردند.^۴

توکل و صبر عامل موفقیت در مدیریت در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

بدون صبر و بدون توکل امکان ندارد انسان بتواند کارهایی را که در زمینه مدیریت کشور برعهده او است، انجام دهد.^۵

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۷۳.

۲. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۹۲.

۳. امام خمینی، روح الله، تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)، ص ۶۱۴-۶۱۵.

۴. امام خمینی، روح الله، تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (علیه السلام)، ص ۶۰۵.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۳۰/۰۴/۱۳۹۲.

چهارم: آثار و فواید پایداری (صبر و استقامت)

در آیات و احادیث آثار و فواید متعددی برای صبر و استقامت بیان شده است که توجه به آنها، تأثیر روانی در افراد و اجتماع دارد. مهمترین این آثار و فواید عبارتند از:

الف: خدا با صابران است (معیت الهی)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/ ۱۵۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بوسیله شکیبایی و نماز، یاری جویند؛ [چرا] که خدا با شکیبایان است».

نکات تفسیری

۱. خدای متعال با هر کس و در هر جا حضور دارد.^۱ لکن همراهی خدا با صابران معنای خاصی دارد و آن لطف و محبت و یاری‌رسانی خدا به صابران است؛ علاوه بر آن‌که، استقامت و بردباری، نوعی مداومت در ارتباط با خدا را ممکن می‌سازد، در حالی که بی‌قراری و بی‌صبری این ارتباط و توجه را می‌گسلد.

۲. آیه فوق به دو اصل مهم اشاره کرده است: نخست اتکای به خدا، که مظهر آن نماز است و دیگری اتکای به نفس، که مظهر آن صبر است. انسان می‌تواند با این دو نیرو، یعنی «استقامت و توجه به خدا» به جنگ مشکلات و حوادث سخت برود و پیروز شود؛ که خداوند با صابران است. تاریخ مردان بزرگ نیز گواهی می‌دهد که یکی از عوامل مهم پیروزی آنان استقامت و شکیبایی بوده است.

تذکر: مشابه این مطلب در انفال/ ۴۶ نیز آمده است.

همراهی خدا با صابران زمینه پیروزی در اندیشه امام خمینی علیه السلام

شما می‌دانید که تاریخ اسلام مشحون بوده است از این مجاهدات، از این شهادتها، از این خون‌دادنها و از این خرابکاریها به دست فُجَّار. ائمه ما - علیهم السلام - مبتلا بودند به همین امور لکن بر همه بوده است و بر ما هم هست استقامت و خودداری و خدا با صابران است. و ما با دست خالی بر این قدرت فوق‌العاده، قدرت شیطانی که همه قدرتها دنبال او بودند، غلبه کردیم و این نبود جز اینکه ملت ما همراه با هم بودند و صبور بودند و بر مشکلات صبر می‌کردند و مشکلات را با صبر و با اتکال به خدای تبارک و تعالی این مشکلات را حل کردند.^۲

۱. ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (حدید/ ۴).

۲. امام خمینی، روح‌الله، تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، ص ۶۱۱

ب: هدایت الهی برای صابران

ج: صلوات و درود الهی بر صابران

د: رحمت الهی بر صابران

﴿وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ بِشْيَاءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرٍ - الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابْتَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَةٌ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ﴾ (بقره/ ۷ - ۱۵۵)؛ «و قطعاً همه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش ثروت‌ها و جان‌ها و محصولات، آزمایش می‌کنیم؛ و به شکیبایان مژده ده. (همان) کسانی که هر گاه مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «در حقیقت ما از آن خداییم؛ و در واقع ما فقط به سوی او باز می‌گردیم.» آنان، درودها و رحمتی از پروردگارشان، بر ایشان باد، و تنها آنان ره یافتگانند».

نکات تفسیری

۱. هر چند لطف و رحمت عمومی خدای متعال شامل همه افراد می‌شود، ولی درود و صلوات و رحمت خاص خدا برای شکیبایان است.
- آری، خدا صابران را غرق در رحمت و ویژه خود می‌کند و تشویق صابران از طرف خدا به ما می‌آموزد که در جامعه اسلامی، احترام خاصی برای افراد صابر و مقاوم قایل شویم.
۲. رحمت و صلوات خدا بر شکیبایان نوعی لطف الهی است که به آنان نیرو می‌بخشد تا در راه پرخطر زندگی گرفتار لغزش نشوند و هدایت یابند.

ه: نزول فرشتگان و یاری آنها در دنیا و آخرت

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَ لَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ نُزُلًا مِّنْ غَمُورٍ رَّحِيمٍ﴾ (فصلت/ ۳۲-۳۰)؛ «در حقیقت کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست.» سپس پایداری کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند) که: «مترسید و اندوهگین مباشید، و مژده باد بر شما، به بهشتی که همواره (بدان) وعده داده می‌شدید ما یاوران (و دوستان) شما در زندگی پست (دنیا) و در آخرت هستیم؛ و در آنجا آنچه خودتان میل دارید برای شما (فراهم) است، و در آنجا آنچه را فرا می‌خوانید برای شما (آماده) است. (این نخستین) پذیرایی از جانب (خدای) بسیار آمرزنده مهرورز است.»

نکات تفسیری

۱. در این آیات هشت ویژگی و پاداش برای مؤمنان با استقامت بیان شده است که عبارت‌اند از:

- فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند؛

- ترسی از آینده نخواهند داشت؛

- اندوهی برگزیده خویش ندارند؛

- به بهشت می‌روند؛

- فرشتگان الهی دوست و یاور آنان در دنیا و آخرت هستند؛

- در بهشت هر چیز لذت‌بخشی برای آنان فراهم است؛

- در بهشت هر چه دستور دهند فراهم می‌شود؛

- پروردگاری آمرزشگر و مهربان، میزبان آنهاست.

۲- فرشتگان الهی در چه موقعی بر مؤمنان نازل می‌شوند؟ مفسران در پاسخ گفته‌اند که نزول

ملائکه در هنگام مرگ و یا به هنگام ورود به قبر و یا به هنگام زنده شدن در رستاخیز است.

و یا این که مژده‌رسانی فرشتگان دایمی است و الهامات معنوی آنان در جان مؤمنان

طنین‌انداز است، ولی به هنگام مرگ و رستاخیز این صدا روشن‌تر و رساتر است؛^۱ البته معنای

اخیر با ظاهر آیه سازگارتر است.

یاری الهی پاداش مقاومت در برابر دشمنان دین در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

جوانان عزیز! این راه را با قدرت ادامه بدهید، پیش بروید؛ ... [اگر] در راه ایستادگی و

مقاومت، در مقابل دشمنان دین و بشریت بایستند، قطعاً خدای متعال آنها را حمایت خواهد

کرد؛ وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ. همچنان که ما در این چهل سال به توفیق الهی پیروز شدیم، در

آینده، در گام دوم، در گامهای بعد به توفیق الهی بر همه‌ی موانع غلبه خواهیم کرد و بر دشمنان

پیروز خواهیم شد.^۲

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۲۷۳.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام)، ۲۱/۰۷/۱۳۹۸.

و: سلام و تحیت الهی

﴿أُولَئِكَ يَجْزُونَ الْعُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيَلْقَوْنَ فِيهَا حَيَّةً وَ سَلَاماً خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مُقَاماً﴾ (فرقان/ ۶- ۷۵)؛ «آنان بخاطر شکیبایی شان، جایگاه‌های (بلند بهشتی) پاداش داده می‌شوند؛ و در آنجا، با زنده باد، و سلام رو به رو شوند؛ در حالی که در آنجا ماندگارند، (و آنجا) نیکو قرارگاه و منزلگاهی است!».

ز: صبر زمینه‌ساز رستگاری مؤمنان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيراً لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (انفال/ ۴۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی رو به رو می‌شوید، پس ثابت قدم باشید؛ و خدا را فراوان یاد کنید؛ باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید.».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/ ۲۰۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبا باشید؛ و [در برابر دشمنان] شکیبایی ورزید و نگهبان مرزها باشید، و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید.».

نکات تفسیری

۱. قرآن کریم در آخرین آیه سوره آل عمران، یک برنامه جامع چهار ماده‌ای برای عموم مسلمانان ارائه می‌کند، که عبارت‌اند از:
 - یک) صبر و استقامت در برابر حوادث و مشکلات شخصی؛
 - دو) پایداری در برابر استقامت دشمنان؛
 - سه) مراقبت از مرزها؛
 - چهار) حفظ خود از عذاب الهی، یعنی رعایت پارسایی و تقوا.
 در پایان آیه فوق اشاره شده است شما در سایه به کار بستن این چهار دستور، می‌توانید رستگار شوید؛ یعنی این امور زمینه‌ساز کامیابی شما را فراهم می‌سازد^۱، ولی با تخلف از آنها راهی به سوی رستگاری نخواهید داشت.

۱. واژه «لعل» در قرآن کریم هنگامی به کار می‌رود که شرایطی در انجام کار و به دست آوردن نتیجه وجود دارد؛ یعنی انجام این برنامه‌ی چهار ماده‌ای زمینه‌ساز رستگاری شماست به شرط آن که از شرایط دیگر و برنامه‌های سازنده‌ی اسلامی غفلت نشود (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۳۶).

فصل دوم: استقامت‌ورزی (پایداری) ۶۳-۸۵

۲. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام، صبر در آیه، به معنای: «صبر بر دین و استقامت در مصیبت‌ها و صبر در مقابل گناهان آمده است»؛^۱ البته این روایات مصادیق و موارد صبر را بیان می‌کنند.

۳. واژه «صابرُوا» به معنای صبر و استقامت در برابر صبر و استقامت دیگران است؛^۲ پس هر چه دشمن بر استقامت خود افزود، ما نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزاییم تا پیروز شویم.

۴. قرآن نخست به مؤمنان دستور می‌دهد که در برابر مشکلات زندگی خود استقامت کنند و در مرحله دوم دستور به استقامت در برابر دشمن می‌دهد؛ بنابراین، تا ملتی در جهاد با نفس و اصلاح نقاط ضعف درونی خود موفق نشود، نمی‌تواند بر دشمن پیروز شود.

صبر و تحمل عامل پیشرفت در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

ما افتخار میکنیم که در این دنیای مادی، پرچم حاکمیت قرآن و اسلام را اول ما بلند کردیم. پای این داعیه‌ی بزرگ هم ایستاده‌ایم، زحماتش را هم تحمل کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که اگر ملتی صبر کند، تحمل کند، استقامت کند، نه فقط دشمن را ناکام خواهد کرد، بلکه پیشرفت خواهد کرد؛ این اتفاقی است که در کشور ما افتاده است.^۳

ح: دفع ضرر نیرنگ دشمنان منافق صفت

﴿إِنْ تَمَسَسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾ (آل عمران / ۱۲۰)؛ «اگر نیکی به شما برسد، آنان را ناراحت می‌کند، و اگر (حادثه) بدی برای شما رخ دهد، بدان شاد می‌شوند. و اگر شکیبایی نمایید و [خودتان را] حفظ کنید، نیرنگشان، هیچ چیزی به شما زیان نمی‌رساند؛ حتماً خدا به آنچه انجام می‌دهند احاطه دارد.».

۱. الارشاد، ج ۱، ص ۳۰۲؛ بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۲۲ و ج ۷۹، ص ۱۳۶ و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۱۱-۴۱۲.

۲. «صابرُوا» از باب مفاعله و صبر دو طرفی است.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۱/۰۴/۰۴.

نکات تفسیری

۱. امنیت مسلمانان در برابر نقشه‌های شوم دشمنان، مشروط به استقامت و داشتن تقواست. صبر و پایداری در برابر دشمنان بیرونی و درونی از عوامل مهم پیروزی است.^۱
۲. خدای متعال در آیات قبل از آیه فوق (آل عمران/ ۱۲۰) به مسلمانان هشدار داد و اعلام خطر عمومی کرد که دوستان و محرمان اسرار خویش را از منافقان انتخاب نکنند و نشانه‌های آنان را نیز بیان کرد، اما متأسفانه بسیاری از مسلمانان از این هشدار غفلت ورزیدند و در نتیجه، گرفتار نابسامانی‌های فراوان شدند. ده‌ها سال است که مسلمانان با خطر اسرائیل روبه‌رو شده‌اند اما هنوز عده‌ای فریب لبخندهای دروغین سران صهیونیسم و حامیان آنها را می‌خورند و به وعده‌های آنان دل خوش می‌دارند و آنها را دوست و محرم اسرار خویش می‌پندارند، در حالی که نشانه‌هایی که قرآن بیان کرده در آنها مشاهده می‌شود. آری، آنها مسلمانان را دوست ندارند و جز پریشانی و رنج برای آنان نمی‌خواهند و آثار خشم و دشمنی در گفتار و کردار آنها هویدا است. سپس در آیه فوق (آل عمران/ ۱۲۰) راه نجات از توطئه‌های دشمنان را صبر و تقوی معرفی کرد.
۳. دشمن از خوبی ما ناراحت و از ناراحتی ما خوشحال می‌شود؛ پس هرگاه دیدیم دشمن از کرده ما خوشحال است، بدانیم که اعمال ما به ضرر مسلمانان بوده است و ضربه‌ای خورده‌ایم و هرگاه دشمن از کرده ما ناراحت شد، باید بدانیم که اعمال ما به نفع مسلمانان بوده است و موفقیتی به دست آورده‌ایم

ط: صبر زمینه‌ساز نعمت‌های بهشتی

﴿وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾

۱. ظاهراً واژه‌ی «صبر» در آیه‌ی فوق به معنای استقامت و پایداری در مقابل دشمن است، همان‌گونه که واژه‌ی «تقوا» به معنای حفظ خود از ضرر (و هوشیاری در مقابل دشمن) است.

(رعد/ ۲۴-۲۲)؛ «و کسانی که در طلب (رضایت) ذات پروردگارشان شکیبایی می‌کنند؛ و نماز را برپا می‌دارند؛ و از آنچه به آنان «روزی» داده‌ایم، پنهانی و آشکارا، (در راه خدا) مصرف می‌کنند؛ و با نیکی، بدی را دور می‌سازند؛ آنان، برایشان فرجام [نیک] سرای [دیگر] است (همان) بوستان‌های (ویژه) ماندگار که وارد آن می‌شوند، و هر کس از پدرانشان و همسرانشان و فرزندانشان شایسته باشد، (نیز وارد می‌شود)؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند (و می‌گویند): سلام بر شما بخاطر شکیبایی‌تان! و چه نیکوست فرجام سرای [دیگر]».

تذکر: مشابه این مطلب در مورد پاداش اخروی صابران مهاجر در آیه ۴۲ - ۴۱ سوره نحل آمده است و نیز در مورد پاداش بهشتی صابران آیات ۹-۵۸ عنکبوت و آیه ۱۱۱ مؤمنون و نیز ۷۵ - ۷۶ فرقان و انسان/ ۱۲ و فصلت/ ۳۲ - ۳۰ و احقاف / ۱۴ - ۱۳ مطالبی آمده است.

ی: یاری بیشتر مؤمنان در صورت صبر و تقوا

ط: آرامش و اطمینان دل مؤمنان صابر

﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنَّ تَصَبُّرًا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَ لِيُظْمِئَ قُلُوبَكُمْ بِهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران/ ۶ - ۱۲۴)؛ «آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا [برای] شما کافی نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار (نفر) از فرشتگان فرود آمده، یاری‌تان کند؟!»، آری، اگر شکیبایی (و استقامت) کنید و [خودتان را] حفظ کنید، و [دشمنان] با همین سرعتشان به (سراغ) شما آیند، پروردگارتان شما را با پنج هزار (نفر) از فرشتگان، نشانه‌گذار، مدد خواهد کرد. و خدا آن (وعده امداد غیبی) را جز مژده‌ای برای شما و برای آرامش دل‌های شما بدان، قرار نداده است. و پیروزی جز از جانبِ خدای شکست‌ناپذیر فرزانه، نیست.».

نکات تفسیری

۱. یکی از کارهای فرماندهان سپاه، امیدوار کردن رزمندگان و مقاومت بخشیدن به آنها، با توجه دادنشان به امدادهای غیبی است. این مطلب نور امید را در دل سپاهیان برمی‌افروزد، و روح توکل به خدا را در آنها می‌دمد و استقامتشان را چند برابر می‌کند. پیامبر اسلام ﷺ نیز فرماندهی جنگ بدر را به عهده داشتند و روحیه سپاهیان را تقویت می‌کردند.

۲. در برخی آیه قبل (آل عمران/ ۱۲۳) سخن از امداد سه هزار فرشته گفته شده است و در این آیه سخن از پنج هزار فرشته است؛ چرا که تعداد دشمن در جنگ احد حدود پنج هزار نفر بود و نیازها و شرایط نظامی و روحی رزمندگان، کمک بیش تری را می طلبد. سپاهیان ابوسفیان برای غارت مدینه از نیمه راه بازگشته بودند و این در حالی بود که سپاه اسلام شکست خورده و زخمی و خسته بودند و از این رو نیاز به تقویت روحی و رزمی داشتند.

۳. آیه فوق در مورد جنگ احد است، اما یاری مؤمنان و امدادهای غیبی یکی از سنت‌های پروردگار است که با تغییر زمان، مکان و افراد، عوض نمی‌شود.

۴. شکست و پیروزی تنها به دست خداست و یاری فرشتگان برای بشارت و تقویت روحیه شماس‌ت تا بهتر دفاع کنید و در امتحان الهی پیروز شوید.

۵. فرماندهان سپاه باید به نیازهای معنوی و روحی رزمندگان توجه کنند و به امدادهای غیبی مژده دهند و روح امید را در دل رزمندگان زنده نمایند تا به آمادگی دفاعی آنها لطمه وارد نشود.

تذکر: مشابه این مطلب ﴿أَلَا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾ در سوره فصلت/ ۳۰ و احقاف/ ۱۳ نیز آمده است.

ک: در شکیبایی، نیکی و خیر نهفته است

﴿وَ أَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نساء/ ۲۵)؛ «و[لی] شکیبایی کردن برای شما بهتر است؛ و خدا بسیار آمرزنده[و] مهرورز است.»

نکته تفسیری

در آیه فوق به مردان سفارش شده که (در امور جنسی) صبر کنند چون ازدواج با کنیزان محدود شد و جز در شرایط اضطراری اجازه داده نشد. فلسفه این حکم ممکن است آن باشد که کنیزان، به ویژه در آن عصر، در شرایط نامطلوب تربیتی بودند و کمبودهای علمی، اخلاقی و عاطفی داشتند که بر فرزندان آنان اثر می‌گذاشت.

(هر چند در این مورد استثناهایی وجود داشته است؛ مثل کنیزانی که مادر برخی بزرگان اسلام بودند). بنابراین در دستور به صبر چیزی نهفته بود.

۱. ﴿وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم/ ۴۷).

﴿وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (نحل / ۱۲۶)؛ «و اگر شکیبایی کنید، البته آن برای شکیبایان بهتر است.».

نکته تفسیری

در احادیث اسلامی حکایت شده که این آیه در مورد جنگ احد و شهادت دردناک حمزه است. وقتی پیامبر ﷺ دید عمویش را پس از کشتن قطعه قطعه کردند، بسیار ناراحت شد و گروهی از مسلمانان گفتند: اگر بر دشمن پیروز شویم، با هفتاد نفر آنان چنین می‌کنیم.^۱ در این هنگام این آیه فرود آمد که «دشمنان را طبق عمل آنها کیفر دهید و اگر صبر کنید بهتر است.» و حضرت فرمود: خدایا صبر می‌کنم و از این رو ایشان پس از فتح مکه دستور عفو عمومی صادر کردند.

ل: صبر و استقامت زمینه ساز پیروزی و وراثت زمین

حضرت موسی علیه السلام کمک‌خواهی از خدا و صبر را زمینه‌ساز پیروزی و تسلط بر زمین می‌شمارد و می‌فرماید:

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾ (اعراف / ۱۲۸)؛ «موسی به قومش گفت: «از خدا یاری جوید، و شکیبایی کنید، که زمین از آن خداست، در حالی که آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می‌دهد؛ و فرجام (نیک) برای پارسایان (خود نگهدار) است.»».

سپس خدای متعال به خاطر صبر و استقامت بنی اسرائیل پاداش آنها را می‌دهد.

﴿وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يَسْتَضَعُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ﴾ (اعراف / ۱۳۷)؛ «و به گروهی که همواره تضعیف می‌شدند، خاوران زمین (فلسطین) و باخترانش را، که آن را پربرکت کرده بودیم، به ارث دادیم؛ و بخاطر شکیبایی‌شان، سخن نیک پروردگارت (در مورد وعده) به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب، تحقق) تمام یافت؛ و آنچه (از کاخ‌ها، فرعون و قومش پیوسته با زیرکی می‌ساختند، و آنچه را (از باغ‌های داربست‌دار) همواره برافراشته بودند، درهم کوبیدیم.».

۱. نمونه بینات، ص ۴۹۲ و تبیان، ج ۶، ص ۴۴۰.

صبر و استقامت عامل خیرات و برکات در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

اگر استقامت بود، صبر بود، تداوم در راه بود، استمرار عمل بود، آن وقت همه‌ی خیرات و همه‌ی برکات بر آن مترتب می‌شود.^۱

خدای متعال فرموده است: «ان مع العسر یسرا»: هر سختی - اگر صبر کنید - یک آسانی به دنبال خود دارد.^۲

م: صبر و استقامت از شرایط رهبری

خدای متعال برخی افراد را بعد از امتحان و موفقیت آنها که همراه با صبر و پایداری است به امامت بر می‌گزیند؛ همانطور که حضرت ابراهیم علیه السلام را بعد از امتحانات سخت به امامت نصب کرد.

﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنْالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره/ ۱۲۴)؛ «و (یاد کنید) هنگامی که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی آزمایش کرد، و (او به خوبی کار) آزمایش‌ها را تمام کرد، [خدا به او] فرمود: «در واقع من تو را امام [و پیشوای] مردم قرار دادم.» [ابراهیم] گفت: «و از نسل من (نیز) امامانی قرار بده.»» [خدا] فرمود: «پیمان من، به ستمکاران نمی‌رسد.»».

﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾ (سجده/ ۲۴)؛ «و از آنان پیشوایی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) راهنمایی می‌کردند؛ چون که شکیبایی نمودند و همواره به آیات ما یقین داشتند.».

نکات تفسیری

۱. در این آیات به دو شرط اساسی پیشوایان الهی اشاره شده است؛ شرط نخست، شکیبایی و استقامت در برابر مشکلات، حوادث و مخالفت‌ها و شرط دوم ایمان و یقین به آیات و نشانه‌های الهی است که باید در طول زندگی آنان استمرار داشته باشد.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم به مناسبت سالروز ۱۹ دی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از آزادگان، ۱۳۶۹/۰۵/۲۹

۳. فعل مضارع «یوقنون» با «کان» دلیل بر استمرار آن است.

این شرایط برای پیشوایان بنی اسرائیل بیان شده است اما در حقیقت شرایط پیشوایان همه امت هاست.

۲. در این آیات برنامه پیشوایان الهی «هدایت براساس امر الهی» بیان شده است که شامل تمام شئون زندگی و ابعاد اعتقادی و عملی و اخلاقی بشر می‌شود.

۳. مقصود از «ائمه» در ظاهر آیه همان پیشوایان و پیامبران بنی اسرائیل هستند؛ چراکه تعبیر به «جعل» یعنی قراردادن، در مورد مقام کسانی به کار می‌رود که خدا آنان را نصب می‌کند. ولی مانعی ندارد که این برنامه و شرایط شامل همه پیامبران و امامان الهی و حتی در مراتب پایین تر شامل همه پیشوایان حق باشد.

آیه ﴿وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ﴾ در اندیشه امام خمینی علیه السلام

این دو خاصیت در پیشبرد مقاصد بزرگ پیغمبر اسلام دخالت داشت: قیام و استقامت. این استقامت موجب شد که با اینکه هیچ در دست نداشت و تمام قوای قدرتمندان برخلاف او بود ... لکن مأیوس نمی شد از اینکه نمی تواند علناً مردم را دعوت کند.^۱ خود ایشان که استقامت داشت، برای اینکه «وَمَنْ تَابَ مَعَكَ» پهلوش است؛ یعنی پیامبر مأمور شده است که اشخاصی هم که همراه او هستند، اشخاصی هم که ایمان به او آوردند، آنها هم استقامت کنند و آن شما هستید.^۲

رسیدن به ثواب الهی نتیجه صبر و مقاومت در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

اگر مقاومت و صبر کنید، هم ثواب الهی و هم پیروزی را به دست خواهید آورد.^۳

۱. امام خمینی، سید روح الله، سیمای معصومین علیهم السلام در اندیشه امام خمینی علیه السلام، ص ۱۴۵

۲. امام خمینی، سید روح الله، سیمای معصومین علیهم السلام در اندیشه امام خمینی علیه السلام، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۲۵/۰۹/۱۳۷۹

ن: تعادل در برخورد با نعمت‌ها و ناملايمات

س: آموزش و پاداش بزرگ برای صبر همراه با اعمال نیک

﴿وَلَيْنَ أَدَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ لَيُؤْسُ كُفُورٌ وَلَيْنَ أَدَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتَهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحَ فَخُورٌ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ﴾ (هود/ ۹-۱۱)؛ «و اگر از جانب خویش، رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از او برگیریم، قطعاً او بسیار نا امید [و] ناسپاس خواهد شد! و اگر بعد از زیان (و ناراحتی) که به او رسیده، نعمت‌هایی به او بچشانیم، قطعاً می‌گوید: «بدی‌ها از من (کنار) رفت!» در حالی که او حتماً شادمان [و] فخر فروش است؛ مگر کسانی که شکیبایی کردند و [کارهای] شایسته انجام دادند؛ آنان برایشان آموزش و پاداشی بزرگ است.»

نکات تفسیری

۱. در این آیات صفات انسان‌های کم‌ظرفیت بیان شد، ولی عنوان «انسان» به صورت کلی آمد و در آیه اخیر موارد استثنای آن بیان شده است.
انسان‌های شایسته‌کردار و شکیبا، پرظرفیت هستند و هنگام از دست دادن نعمت‌ها مأیوس و ناسپاس نمی‌شوند و وقتی از نعمتی برخوردار می‌گردند مغرور نمی‌شوند.
۲. اعمال نیک و صبر دو اثر دارد: یکی شست و شوی گناهان و دیگری پاداش بزرگ الهی که نصیب انسان می‌شود.

ع: ثواب دنیا و آخرت

﴿وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (آل عمران/ ۸-۱۴۷)؛ «و سخنشان جز این نبود که گفتند: «[ای] پروردگار ما! [پیامد] گناهان ما و زیاده‌روی‌های ما را در کارمان، برای ما، بیامرز، و گام‌های ما را استوار دار؛ و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.» پس خدا پاداش دنیا، و پاداش نیک آخرت را به آنان داد؛ و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.»

نکات تفسیری

۱. «ثَوَابٌ» در اصطلاح همان پاداش عمل است که به انسان بر می‌گردد، و از آن جهت به پاداش عمل، ثواب گفته می‌شود که انسان تصور می‌کند این پاداش همان عمل است که بازگشته است.^۱
۲. در این آیه از پاداش دنیا به «ثَوَابِ الدُّنْيَا»، و از پاداش آخرت به «حُسْنِ ثَوَابِ الْآخِرَةِ»، (نیکویی پاداش آخرت) تعبیر شده است. این اختلاف تعبیر می‌رساند که پاداش دنیا با پاداش آخرت تفاوت بسیار دارد؛ پاداش دنیا همراه با ناملازمات و فناست، اما پاداش آخرت خالص و دور از ناراحتی‌هاست.^۲

همراهی استقامت با مشکلات و پاداش الهی از دیدگاه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)
علاج دشمنی یک چیز بیشتر نیست و آن «فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ؛ استقامت، ایستادن. البته ایستادگی سختی‌هایی هم دارد، نه اینکه کار آسانی است؛ لکن تسلیم شدن، سختی‌های بیشتری دارد؛ فرقی هم این است که شما در راه استقامت و مقاومت هر سختی‌ای که متحمل بشوید، خدای متعال به شما اجر خواهد داد.»^۳

ف: جایگاه نیکو در انتظار مهاجران صابر

﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنَبُوْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَآ أُجْرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ * الَّذِينَ صَبَرُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿نحل/ ۴۱-۴۲﴾؛ «و کسانی که پس از ستم‌دیدگی، در (راه) خدا هجرت کردند، حتماً در این دنیا جایگاه نیکویی به آنان می‌دهیم؛ و البته پاداش آخرت، بزرگ‌تر است اگر (بر فرض) می‌دانستند. * (مهاجران) کسانی هستند که شکیبایی کردند، و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند.».

۱. واژه‌ی «ثَوَابٌ» در اصل به معنای برگشت چیزی است به حالت اول، یا به حالتی که برای آن اندیشیده شده است. ر. ک: المفردات فی غریب القرآن، ماده‌ی «ثوب».

۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۲۲

۳. ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كَيْبَ لَهُمْ بِهِ؛ عَمَلٌ صَالِحٌ.

تذکر: در مورد مهاجران صابر پاداش‌های دیگری همچون مغفرت و رحمت نیز وعده داده شده است.

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثَمَّ جَاهِدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَعَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نحل / ۱۱۰)؛ «سپس در حقیقت پروردگارت برای کسانی که بعد از آزمایش شدنشان (و کفرگویی) هجرت نمودند، سپس جهاد کردند و شکیبایی نمودند (یاری‌گر است)؛ البته پروردگارت، بعد از این (کارها)، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.».

ص: بهترین پاداش اعمال برای صابران

﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (نحل / ۹۶)؛ «آنچه نزد شماست پایان می‌گیرد؛ ولی [آنچه نزد خداست باقی است؛ و قطعاً کسانی که شکیبایی کردند، مزدشان را بر طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.».

تذکر: مشابه این مطلب در سوره آل‌عمران آیه ۱۴۸ نیز آمده است.

ق: پاداش دو برابر برای صابران خاص

﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الْكِتَابِ إِِنَّهُمْ لَأَنْصَارُ وَالْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرُؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ﴾ (قصص / ۴-۵۲)؛ «کسانی که پیش از آن، به آنان کتاب (آسمانی) دادیم، ایشان بدان (قرآن) ایمان می‌آوردند. و هنگامی که (قرآن) بر آنان خوانده شود، می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم؛ [چرا] که آن حق [و] از جانب پروردگار ماست؛ در حقیقت ما پیش از این تسلیم شده بودیم.» آنان بخاطر شکیبایی‌شان، دو بار به ایشان پاداش داده می‌شود؛ و با نیکی، بدی را دور می‌سازند؛ و از آنچه که روزی آنان کرده‌ایم (در راه خدا) مصرف می‌کنند.».

نکات تفسیری

۱. کسانی که از اهل کتاب (یعنی یهودیان و مسیحیان) با شنیدن آیات قرآن ایمان می‌آورند، دو پاداش خواهند داشت: پاداشی برای وفاداری به کتاب آسمانی خودشان و ایمان قبلی و پاداشی برای ایمان آوردن به قرآن و اسلام.

و یا دو پاداش برای ایمان به پیامبر اسلام ﷺ قبل و بعد از ظهورش.

۲. صبر در راه ایمان پاداش دارد و مؤمنان اهل کتاب که خلاف جریان عمومی و مذهبی خود حرکت کردند و از منحرفان و نیاکان خود تقلید نکردند و به پیامبر اسلام ﷺ و قرآن ایمان آوردند و در این راه استقامت کردند و با نفس خویش و جوّ عمومی جامعه مبارزه کردند، پاداشی دو برابر دارند.

پنجم: ابعاد و اقسام پایداری (صبر و استقامت)

از آیات و احادیث استفاده می‌شود که صبر و استقامت دارای ابعاد متعددی است از این‌رو در احادیث صبر را به صورت‌های متفاوت مثبت و منفی تقسیم‌بندی کرده‌اند. صبر را به سه شاخه تقسیم کرده‌اند:

(الف) صبر در اطاعت، یعنی مقاومت در برابر مشکلات راه اطاعت.

(ب) صبر بر معصیت، یعنی ایستادگی در برابر انگیزه‌های گناه و شهوات سرکش.

(ج) صبر بر مصیبت، به معنای پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم قبول شکست روحی و خودداری از جزع و فزع^۱.

از جمله مهم‌ترین اقسام و مصادیق صبر در قرآن عبارتند از:

الف: پایداری بر توحید و لوازم آن

﴿إِنَّ الدِّينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ نَزَّلْنَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ﴾ (فصلت/ ۳۲-۳۰)؛ «در حقیقت کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست.» سپس پایداری کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند) که: «مترسید و اندوهگین مباشید، و مژده باد بر شما، به بهشتی که همواره (بدان) وعده داده می‌شدید. ما یاوران (و دوستان) شما در زندگی پست (دنیا) و در آخرت هستیم؛ و در آنجا آنچه خودتان میل دارید برای شما (فراهم) است، و در آنجا آنچه را فرا می‌خوانید برای شما (آماده) است. (این نخستین) پذیرایی از جانب (خدای) بسیار آمرزنده مهرورز است.»».

۱. ر. ک: تفسیر فرات، ص ۳۸۲، کافی، ج ۱، ص ۲۲۰.

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (احقاف / ۱۴-۱۳)؛ «در واقع کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست.» سپس پایداری کردند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. آنان اهل بهشتند در حالی که در آنجا ماندگارند، به پاداش آنچه همواره انجام می‌دادند.»

نکات تفسیری

۱. در این آیات به دو مرحله اساسی اشاره شده است:
 - الف) ایمان به توحید که زیربنای همه عقاید صحیح است.
 - ب) شکیبایی و استقامت که ریشه همه اعمال صالح است.
۲. مؤمنان پراستقامت می‌گویند پروردگار ما خداست؛ یعنی بر صفت پروردگاری و پرورشگری و صاحب و مدبّر بودن خدا تکیه کرده‌اند؛ بدین معنا که خدا آنان را برای خود پرورش می‌دهد و زندگی آنان را تدبیر می‌کند و از این روست که آنها استقامت می‌ورزند.
۳. مؤمنان پراستقامت ترسی از آینده ندارند؛ چون بهشتی هستند و اندوهی از گذشته ندارند، چون زیان نکرده و سرمایه خود را در راهی نیک‌فرجام مصرف کرده‌اند.
۴. در این آیات سخن از مؤمنان مقاوم است کسانی که عاشق خدا هستند و در برابر شهوات، دشمنان و انحرافات ایستادگی و مقاومت می‌کنند و هنگامی که منافعشان به خطر می‌افتد صحنه را ترک نمی‌کنند این مطالب در برابر آیات گذشته است که سخن از کافران لجوج بود. مقایسه انسان‌های نیک و بد یکی از روش‌های تربیتی قرآن است، تا مردم راه صحیح را تشخیص دهند.
۵. در حدیثی از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمودند: مردم این سخن (که پروردگار ما خداست) را گفتند ولی سپس اکثر آنان کافر شدند، پس هر کس آن را تا هنگام مرگ بگوید، از کسانی است که بر آن استقامت می‌ورزد.^۱

۶. در حدیث دیگری از امام رضا علیه السلام روایت شده که در مورد تفسیر استقامت (در آیه فوق) فرمودند:

به خدا سوگند آن همان چیزی است که شما بر آن هستید (یعنی روش ولایت اهل بیت علیهم السلام).^۱ البته این‌گونه احادیث مصادیقی از معنای آیه را بیان می‌کنند و مفهوم آن را محدود نمی‌سازند.

۷- در این آیات هشت ویژگی و پاداش برای مؤمنان با استقامت بیان شده است که عبارت‌اند از:

-فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند؛

-ترسی از آینده نخواهند داشت؛

-اندوهی برگزیده خویش ندارند؛

-به بهشت می‌روند؛

-فرشتگان الهی دوست و یاور آنان در دنیا و آخرت هستند؛

-در بهشت هر چیز لذت‌بخشی برای آنان فراهم است؛

-در بهشت هر چه دستور دهند فراهم می‌شود؛

- پروردگاری آمرزشگر و مهربان، میزبان آنهاست.

نقش استقامت در موازنه قدرت جهانی از منظر امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

موازنه‌ی قدرت در دنیا، هم‌ا‌ش به یال و کوپال ظاهری و به چهره‌ی ابرقدرتی نیست؛ ایستادگی لازم است. ملت ما هم ایستادگی کرد و پیروز شد... امروز هم ایستادگی می‌کند و پیروز می‌شود. این فشارهایی که شما مشاهده می‌کنید... به خاطر این است که ملت ایران طبق آیه‌ی شریفه‌ی ﴿قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾، سخن حق و خواسته‌ی مشروع و منطقی خود را... با صدای رسا اعلام کرده و پای آن محکم ایستاده است.^۲

۱. همان و بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۴۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پرستاران ۰۳/۰۵/۱۳۸۰

ب: پایداری در جنگ با دشمنان (استقامت در مبارزه)

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (انفال/ ۴۵)؛

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که (در میدان نبرد) با گروهی روبه‌رو می‌شوید، پس ثابت قدم باشید؛ و خدا را فراوان یاد کنید؛ باشد که شما رستگار (و پیروز) شوید.».

﴿وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران/ ۷-۱۴۶)؛ «و چه فراوان پیامبری، که

همراه او، مردان الهی بسیاری پیکار کردند. و در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سستی نوزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم نگردیدند، و خدا شکیبایان را دوست دارد و سخنشان جز این نبود که گفتند: «[ای] پروردگار ما! [پیامد] گناهان ما و زیاده‌روی‌های ما را در کارمان، برای ما، بیامرز، و گام‌های ما را استوار دار؛ و ما را بر گروه کافران پیروز گردان.».

﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۵۰)؛ «و هنگامی که با «جالوت» و لشکریانش روبرو شدند، گفتند:

«[ای] پروردگار ما! [پیمانۀ] شکیبایی را بر ما فرو ریز، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.».

نکات تفسیری

۱. وقتی طالوت و سپاهیان او لشکر نیرومند جالوت را مشاهده کردند،^۱ و در برابر آن قدرت عظیم صف کشیدند، دست به دعا برداشتند و خود را به قدرت بی‌پایان پروردگار سپردند و از او تقاضای استقامت کردند. آنها می‌گفتند: خداوندا، پیمانۀ صبر و استقامت را بر روی ما فرو ریز و قدم‌های ما را ثابت بدار تا زود از جای کنده نشود و هرگز فرار نکنیم و ما را در پرتو استقامت و ثبات قدم، بر کافران پیروز بگردان.

۱. واژه‌ی «بَرَزُوا» به معنای «ظهور» است و از همین جاست که اگر شخصی برای جنگ آماده شود و به میدان آید، عمل او را «بِراز» گویند و نیز هنگامی که کس دیگری را به جنگ تن به تن دعوت می‌کند، به این کار «مبارزه» گویند (ر. ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۷۸).

۲. از جمله «خداوندا پیمانۀ صبر را بر ما فرو ریز.»^۱ استفاده می‌شود که همراهان طالوت آخرین درجه صبر و استقامت را از خدا می‌خواستند؛ همانند پیمانۀ ای که تمام آب آن را بر روی کسی بپاشند و خالی شود.

۳. همراهان طالوت در دعایشان یک چیز باطنی و درونی، یعنی روح استقامت و صبر طلبیدند و یک چیز ظاهری و بیرونی که همان ثبات قدم است و در پایان، پیروزی بر کافران را خواستند.

ثبات قدم از نتایج استقامت و صبر است و پیروزی بر کافران هم از نتایج استقامت و ثبات قدم است.

صبر عامل پیروزی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

قرآن به ما آموخته است که اگر شما صبر کنید، ایستادگی کنید، جای خودتان را تغییر ندهید، جهت خودتان را تغییر ندهید، شما پیروزید؛ این درس قرآن است.^۲

ج: پایداری در برابر آزارهای دشمنان (فرهنگی، زبانی، جسمانی و...)

﴿وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَآوَدُوا حَتَّىٰ آتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مَبَدَّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ﴾ (انعام/ ۳۴)؛ «و یقین فرستادگانی پیش از تو (نیز) تکذیب شدند؛ و بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند، شکیبایی کردند، تا هنگامی که یاری ما به آنان رسید. و هیچ تغییر دهنده‌ای برای سخنان (سنت گونه) خدا نیست؛ و یقین برخی خبر [های] بزرگ فرستادگان [خدا] به تو رسیده است.»

﴿وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَىٰ مَا آدَيْتُمُونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ﴾ (ابراهیم/ ۱۲)؛ «و چرا ما بر خدا توکل نکنیم، در حالی که ما را به راه‌هایمان رهبری کرده است؟! و قطعاً بر آزارهایتان بر ما، شکیبایی خواهیم کرد؛ و توکل کنندگان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند.»

۱. واژه‌ی «افراغ» در اصل به معنای «ریختن ماده‌ی سیال از ظرف» است، به طوری که ظرف از آن مایع خالی شود.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۱/۰۴/۰۴

﴿فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَأْتِيكَ﴾ (طه/ ۱۳۰)؛ «پس بر آنچه می‌گویند، شکیباش».

و نیز مشابه آن مزمل/ ۱۰، ق/ ۴۱ و نیز طور/ ۴۸ و روم/ ۶۰ و نیز ص/ ۱۷ و نیز غافر/ ۵۵ و ۷۷.
 ﴿وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (آل عمران/ ۱۸۶)؛ «و قطعاً از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب (الهی) داده شده، و از کسانی که شرک ورزیدند، [سخنان] آزار دهنده فراوانی خواهید شنید. و اگر شکیبایی ورزید و [خودتان را] حفظ کنید، پس در حقیقت این [حاکمی] از تصمیم استوار (شما در) کارهاست.».

نکات تفسیری

۱. حکایت شده که پس از مهاجرت مسلمانان از مکه به مدینه و دور شدن آنان از خانه و زندگی، مشرکان به اموالشان تجاوز کردند و هرکس را می‌یافتند اذیت می‌کردند و از آزار زبانی مسلمانان نیز کوتاهی نمی‌کردند.

در این میان یهودیان مدینه نیز به آزار و بدگویی مسلمانان می‌پرداختند و یکی از شاعران آنها به نام «کعب بن اشرف» که شاعری بدزبان و کینه‌توز بود، پیوسته پیامبر و مسلمانان را با اشعار خود ناراحت می‌کرد و مشرکان را بر ضد مسلمانان تشویق می‌نمود و حتی به ناموس مسلمانان توهین می‌کرد و در نهایت، پیامبر اسلام ﷺ دستور اعدام او را صادر کرد و او به دست مسلمانان کشته شد. مفسران قرآن بر آن اند که آیه مذکور به این جریان اشاره می‌کند.^۱

۲. آزمایش‌های الهی و زخم زبان زدن دشمنان اسلام در طول اعصار ادامه می‌یابد و به صورت قوانین تاریخی جلوه‌گر می‌شود؛ یعنی مسلمانان باید خود را برای تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی گسترده دشمن آماده کنند و گمان نکنند که روزی از دست کافران و مشرکان راحت خواهند شد. آنان باید مقاوم باشند و استقامت خود را حفظ کنند و تقوا پیشه سازند.

۳. در این آیه دو راه‌کار اساسی برای پیروزی در آزمایش‌ها و مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام ارائه شده است:

اول، صبر و استقامت در برابر مشکلات و دشمنان.

۱. ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۰۳ و اسباب النزول، ص ۱۳۸.

دوم، تقوا؛ یعنی محافظت از خود و جامعه در برابر دشمن و خود نگه‌داری و پرهیز از سخنان و کارهای ناشایست.

آری، این دو راه‌کار نیاز به تصمیم استوار دارد^۱ تا انسان را به کام‌یابی و پیروزی رهنمون شود.

د: صبر زیبا در برابر دوستان حيله‌گیر

همچون صبر زیبای حضرت یعقوب در برابر نیرنگ بازی فرزندان‌ش در مورد یوسف علیه السلام:
﴿وَجَاؤُ عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾ (یوسف/۱۸)؛ «و خونی دروغین با پیراهن او (آغشته کردند و) آوردند؛ (یعقوب) گفت: «بلکه نفس شما کاری (بد) را برای شما آراسته است، و (صبر من) شکیبایی نیکوست؛ و در برابر آنچه وصف می‌کنید، تنها خداست که (از او) یاری خواسته می‌شود.»»
﴿قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾ (یوسف/۸۳)؛ «(یعقوب) گفت: «بلکه نفس‌های شما کاری (بد) را برای شما آراسته است؛ و (صبر من) شکیبایی نیکوست؛ امید است که خدا همه آنان را برای من (باز) آورد؛ [چرا] که تنها او دانا [و] فرزانه است.»»

﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ﴾ (نحل/۱۲۷)؛ «و شکیبایی کن، و شکیبایی تو جز به (توفیق) خدا نیست؛ و بر (بی‌ایمانی) آنان غم مخور؛ و از آنچه فریبکاری می‌کنند (دل) تنگ مباش.»

ه: صبر با دوستان الهی

﴿وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ- يَرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاکَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا﴾ (کهف/۲۸)؛ «و خودت را با کسانی شکیبیا ساز که بامدادان و عصرگاهان پروردگارش را می‌خوانند، در حالی که ذات او را اراده می‌کنند؛ و دیدگانت را از آنان بر مگیر، در حالی که زیور زندگی پست (دنیا) را خواهانی؛ و از کسی پیروی مکن که قلبش را از یادمان غافل ساختیم و از هوسش پیروی کرده، و کارش زیاده‌روی است.»

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۴۱؛ امالی، ص ۶۳۲ و تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۰۶.

نکات تفسیری

۱. روایت شده که گروهی از ثروتمندان و اشراف عرب نزد پیامبر ﷺ آمدند و با اشاره به مؤمنان فقیری همچون ابو ذر و سلمان گفتند: اگر این افراد را از خود دور سازی و مجلس مناسب باشد، ما می‌آییم و از سخنان استفاده می‌کنیم.
به دنبال این مطالب بود که آیه فوق و دو آیه بعد فرود آمد و به پیامبر ﷺ دستور داد که همراه مؤمنان پاک‌دل باش.^۱
۲. از تعبیر «خود را شکیبیا دار» استفاده می‌شود که پیامبر ﷺ از ناحیه ثروتمندان مستکبر در فشار بود که مؤمنان فقیر را از خود براند؛ از این رو خدا دستور می‌دهد که در برابر فشار آنان شکیبیا باشد.
۳. روایت شده که پیامبر ﷺ بعد از نزول این آیه به جست‌وجوی مؤمنان فقیر رفت و آنان را در گوشه مسجد مشغول عبادت یافت و خدا را بر این همراهان و دستور الهی سپاس گفت.^۲
۴. در این آیه صفات دو گروه در برابر هم بیان شده است:
الف) مؤمنان فقیر کسانی هستند که:
اولاً، قلبی مالا مال از عشق خدا دارند و همیشه به یاد او هستند؛
ثانیاً، با اخلاص هستند و فقط خدا را می‌خواهند.
ب) ثروتمندان مستکبر کسانی هستند که:
اولاً، از یاد خدا غافل‌اند؛
ثانیاً، پیرو هوای نفس خویش‌اند؛
و ثالثاً، افراطکار هستند و از مسیر اعتدال بیرون می‌روند.
۵. هر چند این آیه خطاب به پیامبر ﷺ است، اما وظیفه همه رهبران الهی و مبلغان دینی را روشن می‌سازد که به خاطر طبقه ثروتمند، از طبقه فقیر و مؤمن چشم‌پوشی نکنند.

۱. اسباب النزول، ص ۳۰۵-۳۰۶؛ نمونه بینات، ص ۵۱۹ و شأن نزول آیات، ص ۳۷۷.
برخی مفسران بر آن‌اند که همه‌ی آیات سوره‌ی کهف مکی است، جز آیه‌ی ۲۸ (تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۳۳۵) و شأن نزول هم آن را تأیید می‌کند، اما اگر محور شأن نزول باشد، آیات ۲۸-۳۰ مدنی است.
۲. همان، ص ۴۱۵

و: صبر در علم آموزی

﴿قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَٰ رُشْدًا قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا قَالَ سَتَجِدُنِي إِنِ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا﴾ (كهف/ ۶۹ - ۶۶)؛ «موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو آموزش داده شده، هدایت را [به من] بیاموزی؟» (معلم او) گفت: «در واقع تو نمی‌توانی با من شکیبایی کنی! و چگونه بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری شکیبایی کنی؟!» (موسی) گفت: اگر خدا بخواهد بزودی مرا شکیبا خواهی یافت؛ و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد».

نکات تفسیری

۱. در این آیات شرایط معلم و شاگرد و آداب دانشجویی و طلبگی بیان شده است؛ یعنی این آیات آموزه‌هایی اخلاقی، علمی برای همه معلمان و شاگردان در بردارد که عمل به آنها از لغزش‌های بسیاری جلوگیری می‌کند.
۲. در این آیات بیان شده که معلم باید: اولاً، خود آموزش دیده و متخصص باشد، تا بتواند مطالب صحیح به شاگرد بیاموزد. ثانیاً، در مورد هر دانشجو دقت کند که چه چیزی به صلاح اوست و سبب رشد و هدایت او می‌شود، پس همان مطالب را به او بگوید.
- ثالثاً، قبلاً با شاگردان شرط کند که صبور باشند و روند آموزش را قطع نکنند.
- رابعاً، شکیبا باشد و هرگاه شاگردان لغزش داشتند آنها را بیخشد.
۳. در این آیات آداب علم‌آموزی و بیان شده است و آن این که شاگرد باید: الف) از استاد اجازه بگیرد و در درس او حاضر شود. ب) تواضع کند و اقرار نماید که نیاز به گوشه‌ای از علم فراوان استاد دارد. پ) علاوه بر آموزش نظری، به صورت عملی نیز از معلم خود پیروی کند تا نتیجه مطلوب بگیرد.
- ت) در علم‌آموزی، به دنبال معلم برود، نه این که معلم به دنبال شاگرد برود.

ث) به دنبال معلمی باشد که هدایتگر است و مطالبی می‌گوید که به صلاح او و عامل رشد اوست.

ح) قول دهد که شکیبیا باشد و روند آموزش را قطع نکند.

خ) همه چیز را به خواست خدا بداند و خود را مستقل نداند.

چ) قول دهد که از دستورات معلم نافرمانی نکند.

ج) علم را برای عمل بیاموزد؛ یعنی علمی بیاموزد که سبب رشد و هدایت باشد و بتواند آن را به کار گیرد.

و در مجموع هر دانشجو و طالب علمی باید در برابر استاد کاملاً مؤدب باشد.

ز: صبر در مشکلات اقتصادی

۱- پایداری در برابر امتحانات مالی و مشکلات اقتصادی

﴿وَلَيُبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/ ۱۵۵)؛ «و قطعاً همه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاهش ثروت‌ها و جان‌ها و محصولات، آزمایش می‌کنیم؛ و به شکیبایان مژده ده.».

تذکر: نکات تفسیری آیه قبلاً بیان شد و همین مضمون در آیه ۱۸۶ سوره آل‌عمران آمده است.

نقش تلاش و صبر و تحمل مشکلات در پیروزی از دیدگاه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

پیروزی، بدون مجاهدت، بدون حرکت، بدون خطرپذیری، امکان ندارد. خدای متعال وعده‌ی پیروزی بدون حرکت به هیچ کس نداده است. صرف مؤمن بودن هم کافی نیست؛ مجاهدت لازم است، صبر لازم است؛ ﴿وَلَتَصْبِرَنَّ عَلٰی مَا أَدٰیْتُمُونَا﴾ (ابراهیم/ ۱۲) - این حرف پیغمبران است به مخالفانشان - ما ایستادگی می‌کنیم. پیغمبران ایستادگی کردند.^۱

۲- صبر کردن بر تک غذایی و جلوگیری از تنوع طلبی غذایی طبق امیال نفسانی (درک و تحمل

مشکلات اقتصادی)

﴿وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَا سَأَلْتُمْ﴾ (بقره/ ۶۱)؛ «و(یاد کنید) هنگامی را که گفتید: «ای موسی! بر یک غذا شکیبایی نمی‌کنیم، پس برای ما از پروردگارت بخواه تا از آنچه زمین می‌رویانند، از سبزی‌اش و خیارش و سیرش و عدسش و پیازش، برای ما بیرون آورد.» (موسی) گفت: «آیا چیزی را که آن پست‌تر است جایگزین چیزی می‌کنید که آن بهتر است. در شهری فرود آید؛ چرا که آنچه خواستید (در آنجا) برای شما هست.»».

نکات تفسیری

۱. تنوع طلبی یکی از صفات انسان است که می‌تواند سازنده و کمال‌آفرین باشد، ولی انسان نباید اهداف اساسی خود را فدای لذت طلبی و تنوع طلبی خویش سازد. تنوع طلبی دام شیطانی است که در جهان امروز نیز استعمارگران و شرکت‌های بزرگ تجاری از آن سوءاستفاده می‌کنند و مردم را به سوی محصولات رنگارنگ خویش می‌کشند و ثروت‌های آنان را به غارت می‌برند.

۲. «مَنْ وَ سَلْوَى» دو غذا، مانند عسل و بلدرچین بودند و انرژی و پروتئین داشتند، ولی بنی اسرائیل آنها را رها کردند و به سراغ غذاهای متنوع عادی و پست رفتند.^۱

البته تنوع طلبی انسان امری طبیعی است، اما مشکل اصلی بنی اسرائیل بهانه‌جویی آنها بود، که می‌خواستند در برابر موسی (علیه السلام) و برنامه‌های او مشکل‌آفرینی کنند.

۳. مقصود از «مصر» در این آیه مفهوم کلی شهر است؛ یعنی بنی اسرائیل در بیابان در مرحله آزمایش و خودسازی و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی بودند، هر چند غذاهای متنوع نداشتند. در شهرها غذاهای متنوع وجود داشت، اما برنامه خودسازی آنان قطع می‌شد؛^۲ از این رو، در این آیه از شهرنشینی با لحنی سرزنش‌آمیز سخن گفته شده است.

۱. البته سبزیجات و عدس و پیاز و ... ممکن است غذاهای خوبی باشد، اما در برابر مَنْ و سلوی، پست‌تر به شمار می‌آید.

۲. برخی مفسران احتمال داده‌اند منظور از مصر، همان کشور مصر باشد (فی ظلال القرآن، ذیل آیه).

۳- پایداری در راه خدا، زمینه‌ساز رونق اقتصادی

«وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن / ۱۶)؛ «و این‌که اگر (بر فرض) بر راه (راست) پایداری کنند، حتماً با آب فراوان سیرایشان می‌کنیم.»

نکات تفسیری

۱. در این آیات به رابطه امور معنوی با فزونی رزق و نعمت اشاره شده است؛ یعنی استقامت بر راه ایمان، نه تنها موجب برکات معنوی می‌گردد و انسان را به سعادت و کمال می‌رساند، بلکه موجب نزول باران رحمت و آب فراوان و در نتیجه فزونی نعمت و آبادانی زمین و رفاه افراد می‌گردد.^۱
۲. در این آیات بر «استقامت بر ایمان و راه راست» تأکید شده است؛ یعنی گام نهادن به راه راست ایمان، اگر زودگذر باشد، چنین نعمت‌هایی را به دنبال ندارد، بلکه استقامت و ایستادگی در راه راست و ایمان است که موجب نزول برکات می‌شود.

ح: پایداری در برابر هواهای نفسانی (صبر در برابر گناه)

صبر در برابر غریزه جنسی هنگام آماده نبودن وسایل ازدواج:

«وَمَنْ لَّمْ يَسْتِطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّهُنَّ يَفَاحِشَةٌ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ حَثَىٰ أَلْعَنَتْ مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نساء / ۲۵)؛ «و هر کس از شما که از نظر مالی توانایی ندارد که با زنان پاکدامن [آزاد] مؤمن ازدواج کند، پس از دختران جوانسال مؤمنان که مالک شده‌اید، (به ازدواج خویش در آورد). - و خدا به ایمان شما آگاه‌تر است - برخی از شما از برخی [دیگر] آید، پس آنان را با رخصت خانواده‌شان به همسری در آورید، و مهرشان را به طور پسندیده (طبق عرف، به خود) ایشان بدهید؛ (به شرط آنکه) پاکدامنان غیر زشتکار (غیر زناکار) باشند، و دوستان پنهانی نگیرند. و هنگامی که شوهردار شدند، پس اگر مرتکب [کار] زشت (زنا) شدند، پس بر آنان نیمی از عذاب (و مجازاتی) است که بر زنان پاکدامن (آزاد) است. این (ازدواج با کنیزان)، برای کسی از شماست که از به زحمت افتادن (و گناه کردن خویش) هراسناک باشد. و [لی] شکیبایی کردن برای شما بهتر است؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.»

۱. مشابهی این آیه در سوره‌ی نوح، آیه‌ی ۱۲ می‌باشد.

نکات تفسیری

۱. قبل از اسلام در جنگ‌ها عده زیادی اسیر می‌شدند که امکانات نگه‌داری آنان برای دولت‌ها فراهم نبود و آزادی آنان نیز به نفع دشمن بود؛ بنابراین، می‌بایست این افراد تحت سرپرستی دیگران قرار گیرند و مدتی به عنوان برده و کنیز کنترل شوند و خدمت کنند، تا غذای خویش را به دست آورند.

اسلام در شرایطی به جهانیان عرضه شد که به خاطر ضرورت‌های جنگی، نظام برده‌داری پذیرفته شده بود و عملاً نمی‌شد این نظام غلط را یک باره برانداخت.

پس، اسلام در یک برنامه منظم و حساب شده، طی چند قرن، این نظام را به آرامی و به‌صورت قانونی در جوامع اسلامی ریشه کن کرد؛ یعنی، از طرفی قوانینی در حمایت از بردگان وضع کرد، و سپس مردم را تشویق به آزاد کردن بردگان نمود و از طرف دیگر، تاوان و کفاره برخی گناهان را آزاد کردن بردگان قرار داد.

بدین صورت، اکنون مثلاً در کشور ایران (بدون این‌که احتیاج به قانون منع برده‌داری باشد) این امر ریشه کن شده است.

اما در کشورهای غربی، بردگان، پس از قرن‌ها مبارزه خونین، موفق شدند قانون منع برده‌داری را به تصویب برسانند و آزاد شوند.

۲. برخی افراد از ازدواج با کنیزان کراهت داشتند؛ از این رو قرآن می‌گوید: همه شما از یک پدر و مادر به وجود آمده‌اید و برخی از برخی دیگر هستید؛ یعنی شما در انسانیت مساوی هستید و ارزش معنوی افراد بستگی به تقوا و علم و جهاد دارد، پس نباید از ازدواج با کنیزانی که مثل شما انسان هستند، کراهت داشته باشید.

۳. کسانی که از نظر غریزه جنسی به شدت تحت فشارند و قادر به ازدواج با زنان آزاد نیستند و می‌ترسند که به زحمت و گناه گرفتار شوند^۱ بهتر است با کنیزان ازدواج کنند. آری، ازدواج افراد از نظر اسلام به بن‌بست نمی‌رسد؛ یعنی مسلمان می‌تواند از راه ازدواج دایم و موقت و ازدواج با کنیزان، غریزه جنسی خویش را ارضا کند و نسل بشر را تداوم بخشد.

۱. واژه «عَنْت» به معنای دوباره شکستن استخوانی است که قبلاً شکسته است، که بسیار دردناک است؛ از این رو به مشکلات طاقت‌فرسا و رنج‌آور عَنْت می‌گویند (تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۴۲).

۴. ازدواج با کنیزان محدود شد و جز در شرایط اضطراری اجازه داده نشد. از این رو فلسفه این حکم ممکن است آن باشد که کنیزان، به ویژه در آن عصر، در شرایط نامطلوب تربیتی بودند و کمبودهای علمی، اخلاقی و عاطفی داشتند که بر فرزندان آنان اثر می‌گذاشت. پس صبر و عفت‌ورزی در این موارد بهتر است.

هر چند در این مورد استثناهایی وجود داشته است؛ مثل کنیزانی که مادر برخی بزرگان اسلام بودند.

اقسام صبر در اندیشه امام خمینی علیه السلام

امام خمینی علیه السلام در یک تقسیم بندی، صبر را به سه مرحله تقسیم کرده و این گونه بیان می‌کند: برای صبر درجات دیگری است که راجع به اهل سلوک و کامل و اولیاست؛ صبر لله از مقامات نازله سالکین و مهاجرت الی الله است و صبر بالله که دو مقام دارد، یکی برای سالک ثابت است و یکی برای اهل صحو بعد المحو و صبر علی الله و آن پس از تمکین این مقام است.^۱

آثار اقسام صبر در اندیشه امام خمینی علیه السلام

صبر در معاصی منشأ تقوای نفس شود و صبر در طاعات منشأ انس به حق گردد و صبر در بلیات منشأ رضا به قضای الهی شود. اینها از مقامات بزرگ اهل ایمان، بلکه اهل عرفان است.^۲

صبر بر معصیت در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

مظهر صبر در مقابل گناه و غلبه‌ی مشتهیات، روزه است. لذا در روایات، ذیل آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ (بقره/ ۴۵) صبر را به روزه تعبیر کرده‌اند. روزه، مظهر گذشت از خواسته‌هاست. اگرچه زمان روزه محدود است، لیکن به صورت نمادین، یک حرکت اساسی برای انسان است. چرا؟ چون هوای نفسانی و هوسها و مشتهیات و خواسته‌های نفس، همان مسیری است که انسان را به گناه می‌رساند.

۱. امام خمینی، سید روح الله، شرح جهل حدیث، ص ۴۱۸-۴۱۹

۲. امام خمینی، روح الله، تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (س)، ص ۵۹۷

ط: صبر در هنگام امتحان الهی

﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ (لقمان / ۱۷)؛ «و در برابر آنچه (از مشکلات) که به تو می‌رسد، شکیبا باش؛ که این [حاکمی] از تصمیم استوار (شما در) کارهاست.»

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا﴾ (فرقان / ۲۰)؛ «و پیش از تو (کسی) از فرستادگان را نفرستادیم، مگر اینکه قطعاً آنان غذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند؛ و برخی شما را [وسیله] آزمایشی برای برخی [دیگر] قرار دادیم، آیا شکیبایی می‌کنید؟ در حالی که پروردگار تو بیناست.»

تذکر: مشابه این مطلب در آیه ۱۵۵ از سوره بقره و آیه ۱۸۶ از سوره آل عمران آمده است.

صبر در مقابل بلاها در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

این بیماری [کرونا] مصداق این آیه‌ی شریفه است: وَ لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ؛ هم با خودش خوف می‌آورد و یک عده‌ای واقعاً می‌ترسند، هم مسئله‌ی مشکل اقتصادی را به وجود می‌آورد، هم نقص اموال و انفس و ثمرات را همراه دارد؛ لکن بعدش خداوند می‌فرماید: وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ اینجا هم صبر لازم است. صبر در اینجا یعنی کار درست انجام دادن، کار عاقلانه انجام دادن...^۱

ی: استقامت در راه ایمان داری

ساحران وقتی به حقانیت حضرت موسی (علیه السلام) پی بردند و فرعون خواست از آنها انتقامی سخت بگیرد صبر و مقاومت را پیشه ساختند.

﴿وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَ هَارُونَ قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ أَدْنَىٰ لَكُمْ إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ

۱. سخنرانی نوروزی مقام معظم رهبری خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳

أَيَّدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ قَالُوا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ وَمَا نُنْقِمُ مِنْهَا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿اعراف/ ۱۲۶-۱۲۰﴾؛ «و ساحران سجده‌کنان (به زمین) در افتاده، گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم؛ (همان) پروردگار موسی و هارون.» فرعون گفت: «[آیا] پیش از آنکه به شما رخصت دهم، به او ایمان آوردید؟! حتماً این فریبی است که در این شهر (نقشه) آن را (کشیده‌اید و) فریبکاری کردید، تا مردمش را از آن بیرون کنید؛ پس در آینده خواهید دانست! قطعاً دست‌هایتان و پاهای شما را بر خلاف (یکدیگر یعنی یکی از راست و یکی از چپ) قطع می‌کنم، سپس حتماً همگی شما را به دار می‌آویزم!» [ساحران] گفتند: «در حقیقت ما فقط به سوی پروردگارمان باز می‌گردیم. و(تو) از ما انتقام نمی‌گیری، جز بخاطر اینکه وقتی نشانه‌های پروردگارمان برای ما آمد، ایمان آوردیم. [ای] پروردگار ما! [پیمان]ه شکیبایی را بر ما فروریز، و ما را مسلمان بمیران!»».

نمونه دیگر: همسر فرعون به نام آسیه هنگامی که به حضرت موسی علیه السلام ایمان آورد با شکنجه فرعونیان روبرو شد و مقاومت کرد.

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿تحريم/ ۱۱﴾؛ «و خدا برای کسانی که ایمان آورده‌اند مثلی زده است: زن فرعون، هنگامی که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کردارش نجات بخش و مرا از گروه ستمکاران نجات ده!»».

نکات تفسیری

۱. در مورد همسر فرعون نوشته‌اند که نام او «آسیه» بود و هنگامی که معجزات موسی علیه السلام را در برابر ساحران دید، ایمان آورد، ولی ایمانش را پنهان می‌کرد تا کم‌کم فرعون متوجه شد و به او اصرار کرد که دست از آیین موسی بردارد، ولی آسیه تسلیم نشد و سرانجام فرعون دستور داد که دست‌ها و پاهایش را با میخ بسته و سنگی بر سینه‌اش بیفکنند و در آفتاب سوزان رهاش کنند.

او در آخرین لحظات زندگی، با خدا مناجات کرد، که آیه فوق مناجات و دعاهایش را بازگو کرده است.

۲- آسیه در مناجات خود چند چیز از خدا خواست:

یک) خدا خانه‌ای در بهشت برای او فراهم سازد؛

دو) این خانه در جوار قرب الهی باشد، یعنی بهشتی را می‌خواهد که نزد خدا باشد؛

سه) خدا او را از فرعون و کردار شرک‌آلودش نجات دهد؛

چهار) خدا او را از دست قوم ستمکار رهایی بخشد.

۳- آسیه که در کاخ فرعون زندگی می‌کرد و تحت سرپرستی مردی کفرپیشه و مستکبر بود

تحت تأثیر شرایط محیط قرار نگرفت و ملکه مصر بودن را رها کرد و با استواری در راه ایمان گام

نهاد و با سخنان خود و تقاضای بهشت، کاخ فرعون را تحقیر کرد و از ستمکاری آنان بی‌زاری

جست و در این راه شربت شهادت نوشید.

۴- از پیامبر ﷺ روایت شده که

برترین زنان اهل بهشت چهار نفرند: خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه.^۱

۵- همسر فرعون با آن که یک زن بود، قرآن او را الگوی همه مردان و زنان مؤمن معرفی

می‌کند. آری؛ در فرهنگ اسلامی یک زن می‌تواند به مقامی برسد که الگوی همه زنان و مردان

با ایمان جهان شود.

۶- الگو بودن همسر فرعون از جهات مختلف است؛ از جمله این که تحت تأثیر شرایط

محیط کاخ فرعون قرار نگرفت و در برابر ستم و طاغوت مقاومت کرد و نیز در این که رو به

سوی خدا آورد و آخرت طلب شد.

ک: صبر در برابر تفرقه افکنی‌ها

قرآن کریم بر وحدت امت اسلام تأکید دارد و تفرقه را ممنوع اعلام کرده است.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)؛ «و همگی به ریسمان خدا،

تمسک جویند، و پراکنده نشوید».

حضرت شعیب پیامبر ﷺ مردم را در برابر تفرقه‌افکنی‌ها به صبر دعوت می‌کند.

۱. الدرّ المنثور، ج ۶، ص ۲۴۶؛ خصال، ج ۱، ص ۲۰۵؛ اعلام الوری، ص ۱۵۰ و بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۳۴۵.

﴿وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾ (اعراف / ۸۷)؛ «و اگر دسته‌ای از شما، به آنچه (من) بدان رسالت یافته‌ام، ایمان آورده‌اند، و دسته‌ای (دیگر) ایمان نیاورده‌اند، پس شکیبایی کنید تا خدا میان ما داوری کند، و او بهترین داوران است.»

ل: صبر در آداب اجتماعی به ویژه در برابر رهبر مسلمانان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ فَلَتَشْعُرْنَ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرٌ عَظِيمٌ إِنَّ الَّذِينَ ينادُونَكَ مِنَ الْخِجْرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (حجرات / ۱-۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! فرا پیش خدا و فرستاده‌اش (چیزی را) مقدم ندارید، (و بر آنان پیشی مگیرید.) و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید؛ که خدا شنوای داناست. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صداهایتان را فراتر از صدای پیامبر بلند نکنید، و در سخن گفتن بر او بانگ نزنید، همچون بانگ زدن برخی از شما بر برخی [دیگر]؛ مبدا اعمال شما تباه شود در حالی که شما (با درک حسی) متوجه نمی‌شوید. در حقیقت کسانی که صداهایشان را نزد فرستاده خدا فرو می‌کشند، آنان کسانی هستند که خدا دل‌هایشان را برای پارسایی (و خود نگهداری آزموده) خالص نموده است؛ [و] برای آنان آموزش و پاداش بزرگی است. در واقع کسانی که تو را از پشت اتاق‌ها فرامی‌خوانند، اکثر آنان خردورزی نمی‌کنند. و اگر (بر فرض) آنان شکیبایی می‌کردند تا به سوی آنان در آیی، حتماً برای آنان بهتر بود؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهورز است.»

نکات تفسیری

۱. این آیه به ادب در حضور پیامبر ﷺ و پاداش‌های آن اشاره دارد.

برخی از مفسران این آیات را توسعه داده و گفته‌اند: شامل مراحل پایین‌تر، یعنی سایر رهبران

فکری و اخلاقی و دانشمندان نیز می‌شود.

سعی نبرده در این راه به جایی نرسی مزد اگر می‌طلبی طاعت استاد ببر

۲. این آیه انسان‌های بی‌ادب را غیر خردمند نامیده است؛ زیرا هرچه خرد انسان بالاتر رود، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را بهتر درک می‌کند و بر ادب او افزوده می‌شود و هرچه عقل او کم‌تر شود ادبش کم‌تر می‌شود.

و اصولاً بی‌ادبی از صفات حیوانات است که تفکر نمی‌کنند و ادب نشانه انسان متفکر است.

۳. دین مجموعه‌ای از آداب است: ادب در برابر خدا، ادب در برابر پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، ادب در برابر پدر و مادر، معلم، دانشمندان و مردم؛ از این رو بخش مهمی از آیات قرآن و احادیث اسلامی، آموزش آداب و دستورات دینی مؤدبانه است.

از ادب پرنور گشته است این فلک و از ادب معصوم و پاک آمد ملک

۴. در آیه دوم بیان شده است که اگر این گروه (بنی تمیم) صبر می‌کردند تا پیامبر ﷺ از اتاق بیرون آید، برای آنان بهتر بود؛ چون این کار هم نشان دهنده ادب آنان بود و هم مایه رحمت و پاداش آنان می‌شد.

به هر حال در انجام آداب اجتماعی به ویژه در برابر رهبر مسلمانان صبر ضروری است.

اقسام صبر فردی و اجتماعی در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

یک وقت یک مسأله شخصی محض است و به عنوان اخلاق اسلامی و یک دستور اخلاقی و روحی صرفاً فردی، یک ارزش مطرح می‌شود: در مقابل مصائب صبر کنیم. این، یک طور است. یک وقت هم صبر در سطح جامعه‌ای که با انواع مشکلات و فشارها و موانع و عوائق در کار و راه خود مواجه است، مطرح می‌شود: باید افراد در قبال این موانع و این شداید، صبر بورزند. در این جا، صبر یک طور دیگر مطرح می‌شود. حقیقت صبر یک چیز است؛ چگونگی طرح قضیه مهم است.^۱

م: صبر و استقامت در تبلیغ دین

﴿فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطَّعُوا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (هود/ ۱۱۲)؛ «پس همان گونه که فرمان داده شدی پایداری کن! و کسانی که با تو (به سوی خدا) باز گشتند، (نیز پایداری کنند.) و طغیان مکنید، [چرا] که او به آنچه انجام می دهید بیناست.»

﴿فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (احقاف/ ۳۵)؛ «پس شکیبا باش همانگونه که پیامبران (اولو العزم) صاحبان تصمیم استوار) از فرستادگان شکیبایی کردند، و برای (عذاب) آنان شتاب مورز، (زیرا) روزی که آنچه را وعده داده شده اند می بینند، که گویی جز ساعتی از روز، (در دنیا) درنگ نکرده اند؛ (این) رساندن [پیام است] و آیا جز گروه نافرمانبردار هلاک می شوند؟!»

﴿وَ اتَّبِعْ مَا يوحىٰ إِلَيْكَ وَ اصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ﴾ (یونس/ ۱۰۹)؛ «و از آنچه به سوی تو وحی می شود پیروی کن، و شکیبایی کن! تا (اینکه) خدا داوری کند، و او بهترین داوران است.»

تذکر: مشابه این مطلب در آیه ۱۲۷ سوره نحل و مدثر/ ۷ و انسان/ ۲۴ و قلم/ ۴۸ و معارج/ ۵ آمده است.

ن: پایداری در انجام عبادات

﴿وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَ زُلْفَاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَىٰ لِلَّذِينَ كَانُوا يَصْبِرُونَ إِنْ كَانُوا مُحْسِنِينَ﴾ (هود/ ۱۱۵-۱۱۴)؛ «در دو طرف روز، و اوایل شب، نماز را برپا دار؛ [چرا] که نیکی ها، بدی ها را (از میان) می برند؛ این یادآوری، برای یادآوران است. و شکیبایی کن! [چرا] که در حقیقت خدا پاداش نیکوکاران را تبه نخواهد کرد.»

س: صبر برای عفو هنگام انتقام

﴿وَ إِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَ لَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ﴾ (نحل/ ۱۲۶)؛ «و اگر (خواستید) کیفر کنید، پس همانند چیزی که بدان مجازات شدید، کیفر دهید؛ و اگر شکیبایی کنید، البته آن برای شکیبایان بهتر است.»

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ وَمَا يُلَقَّاها إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاها إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ﴾ (فصلت/ ۵-۳۴)؛ «و نیکی و بدی مساوی نیست؛ (بدی را) بدان (شیوه‌ای) که آن نیکوتر است دفع کن؛ پس ناگهان، کسی که بین تو و بین او دشمنی است، چنان که گویی او یابوری (و دوستی) گرم است. و جز کسانی که شکیبایی کردند، آن (مقام) را دریافت نمی‌کنند؛ و جز (کسی که) دارای بهره بزرگ است آن را دریافت نمی‌کند.»

﴿وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكُمْ لَمِنَ الْأُمُورِ﴾ (شوری/ ۴۳)؛ «و هر کس شکیبایی کند و بیامرزد (دارای اراده استوار است، چرا) که این [حاکمی] از تصمیم استوار (او در) کارهاست.»

صبرهای منفی در آیات و احادیث

الف: صبر در پرستش بت‌ها

﴿وَ أَنْظِقْ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنْ امْشُوا وَ اضْبُرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ﴾ (ص/ ۶)؛ «و اشراف آنان باشتاب به راه افتادند (و گفتند): بروید و بر (پرستش) معبودانتان شکبیا باشید، قطعاً این چیزی است که خواسته شده است.»

﴿وَ إِذَا رَأَوْكَ مِنْكُمْ يَنْخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْزَاءً هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرُونَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (فرقان/ ۴۲-۴۱)؛ «و هنگامی که تو را می‌بینند، جز به ریشخندت نمی‌گیرند؛ (و می‌گویند): آیا این کسی است که خدا (او را بعنوان) فرستاده برانگیخته است؟! قطعاً نزدیک بود ما را از معبودانمان گمراه سازد، اگر بر (پرستش) آن (معبودان) شکیبایی نمی‌کردیم (حتماً ما را بر می‌گردانند). و [لی] در آینده هنگامی که عذاب را ببینند، خواهند دانست که چه کسی از نظر راه (یابی) گمراه‌تر است.»

نکات تفسیری

۱. مشرکان در برابر دعوت پیامبر ﷺ منطق و دلیلی نداشتند و فقط آن حضرت را ریشخند می‌کردند تا از تأثیر سخنان او بکاهند.
۲. مشرکان در برابر دعوت پیامبر ﷺ به تناقض‌گویی افتاده بودند؛ یعنی از طرفی ادعای نبوت

و سخنان پیامبر ﷺ را بی اساس معرفی می کردند و آن را به ریشخند می گرفتند.
و از طرف دیگر، سخنان پیامبر ﷺ را جدی تلقی می کردند و می گفتند:
اگر ما در برابر او صبر و استقامت نکنیم، ممکن است سخنانش مؤثر واقع شود و ما را از
عقایدمان برگرداند.

۳. صبر و استقامت بر پرستش بت‌ها کاری بدون دلیل و غیرمنطقی است لذا این گونه صبر و
استقامت منفی و مضر است.

مشابه این مطلب در مورد تقلید از پدران و مقاومت بر پیروی از افکار غیر عقلانی آنها آمده
است.

﴿وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَ لَوْ كَانُوا آبَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (مائده/ ۱۰۴)؛ «آنچه
پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، ما را بس است. و آیا اگر (بر فرض) پدرانشان هیچ چیزی نمی دانستند،
و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می کنند)؟!».

ب: صبر بیهوده در برابر آتش دوزخ

﴿هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ أَ فِسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ أَصَلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا
تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (طور/ ۱۶ - ۱۴)؛ «(به آنان گفته
می شود:) این آتشی است که همواره آن را دروغ می انگاشتید! و آیا این سحر است یا شما
نمی بینید؟! بدان (دوزخ) وارد شوید (و بسوزید)! و شکبیا باشید یا شکبیا نباشید، برای شما
یکسان است؛ که فقط به آنچه همواره انجام می دادید مجازات خواهید شد!».

ششم: عوامل و ابزارها و زمینه‌های پایداری (صبر و استقامت)

در آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) زمینه‌ها و عوامل مؤثر در پایداری اشاره شده است که شناخت آنها می‌تواند در صبر و استقامت افراد و جامعه مؤثر باشد. برخی از مهم‌ترین موارد آنها عبارتند از:

الف: ایمان به معاد (یقین به ملاقات پروردگار و بازگشت به سوی او)

ب: فروتنی (و تسلیم) در برابر پروردگار

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاغِبُونَ﴾ (بقره/ ۴۶-۴۵)؛ «و بوسیله شکیبایی و نماز یاری جویند؛ در حالی که مسلماً این (کار) جز بر فروتنان، گران است. (همان) کسانی که می‌دانند که آنان پروردگارشان را ملاقات می‌کنند، و اینکه آنان فقط به سوی او باز می‌گردند.».

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/ ۱۵۳)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بوسیله شکیبایی و نماز، یاری جویند؛ [چرا] که خدا با شکیبایان است.».

نکات تفسیری

۱. هر انسانی دوست دارد امدادگری داشته باشد که با کمک او بر سختی‌ها پیروز شود. در این آیات، صبر و نماز، امدادگران زندگی بشر معرفی شدند.
۲. صبر، حالت استقامت و ایستادگی در برابر مشکلات درونی و برونی است؛ یعنی انسان باید در برابر میل به گناه و هوس‌های نفسانی و شیطانی، دشمنان خارجی و مصیبت‌ها و سختی‌های زندگی استقامت ورزد تا پیروزی از راه برسد.
۳. آیه فوق به دو اصل مهم اشاره کرده است: نخست اتکای به خدا، که مظهر آن نماز است و دیگری اتکای به نفس، که مظهر آن صبر است. انسان می‌تواند با این دو نیرو، یعنی «استقامت و توجه به خدا» به جنگ مشکلات و حوادث سخت برود و پیروز شود؛ که خداوند با صابران است. تاریخ مردان بزرگ نیز گواهی می‌دهد که یکی از عوامل مهم پیروزی آنان استقامت و شکیبایی بوده است.

۴. انسان که در میان مشکلات متعدد و حوادث ناگوار محدود و محاصره می‌شود، اگر به قدرت نامحدود الهی متصل نباشد، سرکوب می‌شود، ولی انسان مرتبط با خدا در حوادث و سختی‌ها خود را نمی‌بازد و مشکلات در نظرش کوچک جلوه می‌کند.

حکایت شده است که حضرت علی علیه السلام هنگامی که با مشکلی روبه‌رو می‌شد، به نماز برمی‌خاست (و پس از نماز به دنبال حل مشکل می‌رفت) و آیه فوق را می‌خواند.^۱

۵. حکایت شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هر گاه با مشکلی روبه‌رو می‌شد که او را ناراحت می‌کرد، از نماز و روزه مدد می‌گرفت.^۲

و از امام صادق علیه السلام نیز حکایت شده که فرمودند:

هر گاه با اندوهی از غم‌های دنیوی روبه‌رو می‌شوید، وضو بگیرید، به مسجد بروید، نماز بخوانید و دعا کنید؛ چرا که خدا فرموده است: از صبر و نماز کمک بجویید.^۳

نقش غرور (و سرکشی و تکبر) در به شکست کشیدن پیروزی‌ها از دیدگاه امام خامنه‌ای (دامت برکاته) اگر خدای نکرده غرور به سراغ ما بیاید، آن وقت انحرافها و انحطاطهای گوناگونی را در پیش پای خودمان خواهیم دید. مراقب باشید؛ این از دامهای بزرگ شیطان است. معمولاً بعد از پیروزی‌های بزرگ، خطرهای بزرگ وجود دارد.^۴

ج: یاد مبدأ و معاد (ذکر الهی = استرجاع)

﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره/ ۱۵۶)؛ «(همان) کسانی که هر گاه مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: در حقیقت ما از آن خداییم؛ و در واقع ما فقط به سوی او باز می‌گردیم».

۱. ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۵۴ و تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۲۰، به نقل از: کافی.

۲. مجمع البیان، ذیل آیه

۳. مجمع البیان، ذیل آیه.

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۶/۰۶/۱۳۸۸

نکات تفسیری

۱. توجه به این واقعیت که «همه از او هستیم» به ما می‌آموزد که هرگز از زوال نعمت‌ها ناراحت نشویم و جزع نکنیم؛ زیرا همه این مواهب و حتی خود ما، به خدا تعلق داریم و اگر روزی می‌بخشد و روز دیگر بازمی‌گیرد، هر دو به صلاح ماست.
۲. توجه به این واقعیت که «همه ما به سوی او باز می‌گردیم»، به ما اعلام می‌کند که این جا سرای جاویدان نیست و کمبود یا کثرت نعمت‌ها همه زودگذر است.
۳. مقصود از گفتن «اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» تنها ذکر زبانی آن نیست، بلکه توجه به حقیقت و روح آن است که همان توجه به مبدأ و معاد است. این جمله که به «کلمه استرجاع» مشهور است، عصاره‌ای از عالی‌ترین درس‌های توحید و تکیه بر ذات پاک خدا در همه چیز و در هر زمان است و از این روست که می‌بینیم بزرگان اسلام به هنگام بروز مصیبت‌های سخت این جمله را تکرار می‌کردند. در احادیث حکایت شده که هر گاه با مصیبتی مواجه شدید جمله «اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» را بگویید!^۱
۴. مردم در برابر مشکلات سه گروه هستند:
برخی کم‌صبرند و جزع می‌کنند^۲، برخی بردبار و شکیبا هستند و گروه دیگری علاوه بر صبر، شکرگزاری نیز می‌کنند.^۳
پس بهتر است که ما از صابران سپاس‌گزار باشیم.

د: دعا (درخواست صبر و ثبات قدم از خدای متعال)

﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَبَّتْ اَقْدَامُنَا وَ اَنْصُرْنَا عَلَي الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۵۰)؛ «و هنگامی که با «جالوت» و لشکریانش روبرو شدند، گفتند: «[ای] پروردگار ما! [پیمانه] شکیبایی را بر ما فرو ریز، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.»».

۱. ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۳۱.

۲. ﴿اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا﴾ (سوره‌ی معارج، آیه‌ی ۲۰).

۳. «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدُ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَي مَصَابِهِمْ» (زیارت عاشورا)

تذکر: نکات تفسیری این آیه در مباحث قبل بیان شد.

نمونه دیگر: دعا و تقاضای صبر توسط ساحرانی که به حضرت موسی علیه السلام ایمان آورده بودند و با انتقام سخت فرعون روبرو شدند.

﴿وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَقَّنَا مُسْلِمِينَ﴾ (اعراف/ ۱۲۶)؛ «و (تو) از ما انتقام نمی‌گیری، جز بخاطر اینکه وقتی نشانه‌های پروردگارمان برای ما آمد، ایمان آوردیم. [ای] پروردگار ما! [پیمانه] شکیبایی را بر ما فروریز، و ما را مسلمان بمیران!»،

درخواست ثبات قدم از خدا، در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته):

برای تأمین آینده احتیاج داریم به صبر و ثبات؛ بایستی گاممان را محکم کنیم؛ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا؛ یکی از چیزهایی که در دعا خواسته شده، همین است که قدم‌هایمان ثابت باشد؛ صبر و ثبات قدم لازم است.^۱

ه: امداد الهی به وسیله فرشتگان

و: بشارت یاری خدا (تأثیر روانی)

ز: آرامش و اطمینان به وعده امداد الهی

﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْلِينَ بَلَىٰ إِنَّ تَصَبِيرًا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران/ ۶-۱۲۴)؛ «آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا [برای] شما کافی نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار (نفر) از فرشتگان فرود آمده، یاری‌تان کند؟!»، آری، اگر شکیبایی (و استقامت) کنید و [خودتان را] حفظ کنید، و [دشمنان] با همین سرعتشان به (سراغ) شما آیند، پروردگارتان شما را با پنج هزار (نفر) از فرشتگان، نشانه‌گذار، مدد خواهد کرد. و خدا آن (وعده امداد غیبی) را جز مژده‌ای برای شما و برای آرامش دل‌های شما بدان، قرار نداده است. و پیروزی جز از جانب خدای شکست‌ناپذیر فرزانه، نیست.».

۱. بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید قربان، ۱۰/۰۵/۱۳۹۹

تذکر ۱: نکات تفسیری این آیات گذشت.

تذکر ۲: مشابه این مطلب (امداد الهی به وسیله فرشتگان برای ثبات قدم رزمندگان) در سوره انفال/ ۱۲-۱۱ آمده است.

نکته: در برخی احادیث به تأثیر ارتباط با خدا و یقین به وعده‌های الهی اشاره شده است و آن را اصل و ریشه صبر شمرده‌اند.

عن علی علیه السلام: «أَصْلُ الصَّبْرِ حُسْنُ الْيَقِينِ بِاللَّهِ»^۱.

ح: عقاید و دلایل استوار زمینه‌ساز ثبات قدم

﴿وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ يَتَّبِعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ﴾ (ابراهیم/ ۷-۲۶)؛ «و مثال سخنی پلید همچون درخت پلیدی است، که از روی زمین کنده شده، در حالی که برایش هیچ ثباتی نیست. خدا کسانی را که ایمان آوردند، بوسیله گفتار (و دلایل و عقاید) استوار، در زندگی پست (دنیا) و در آخرت، پایدار می‌دارد؛ و خدا ستمکاران را در گمراهی وا می‌نهد؛ و خدا آنچه را بخواهد (و مصلحت بداند) انجام می‌دهد».

نکات تفسیری

۱. ناپاکان هم چون درختی هستند که ثبات ندارد و در این آیه بیان شده که مؤمنان پاک نهاد، ثبات قدم دارند؛ یعنی شخصیت آنان متزلزل و بی‌قرار نیست و هر روز به رنگی در نمی‌آیند.
۲. انسان در زندگی همواره در معرض لغزش‌ها قرار دارد؛ لغزش‌هایی که بر اثر هوای نفس یا وسوسه‌های شیطانی پدید می‌آیند و یا قدرت‌های ستمگر بر او تحمیل می‌کنند. اما خدا مؤمنان را در کوران این حوادث ثابت‌قدم می‌دارد و به وسیله دلیل و برهان و عقاید صحیح، در دنیا و آخرت از لغزش‌های آنان جلوگیری می‌کند.
۳. در این آیات بر نقش «ثبات و عدم ثبات» تأکید شده است که یکی از عوامل پیروزی مردان بزرگ است و اصولاً مؤمنان راستین را از ثبات و استقامتشان در برابر حوادث سخت می‌شناسند. آری؛ پیشرفت هر برنامه فردی یا اجتماعی، در سایه ثبات و استمرار و استقامت ممکن است.

۱. غررالحکم و میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۷۳.

ط: انس با قرآن زمینه‌ساز ثبات قدم

﴿قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِمُسْلِمِينَ﴾ (نحل/ ۱۰۲)؛ «(ای پیامبر) بگو: (روح پاک، آن (قرآن) را از طرف پروردگارت به حق فرو آورد، تا کسانی را که ایمان آورده‌اند، استوار گرداند؛ و رهنمود و مژده‌ای برای مسلمانان باشد.»».

نکات تفسیری

۱. فرشته وحی همان جبرئیل امین یا «روح مقدس» است که به خاطر پاکی از خطا بدین نام نامیده شده است و به فرمان پروردگار، آیات حق قرآن را بر پیامبر ﷺ فرود می‌آورد.
۲. آیات قرآن از طرف پروردگار می‌آید؛ یعنی نزول وحی با تربیت انسان‌ها مرتبط است و این آیات همه بر حق است و واقعیات و حقایق را بیان می‌کند و هر قانون موقت یا دایم آن در شرایط خاص خود حق است.
۳. قرآن برای دو گروه، دو هدف مختلف را دنبال می‌کند:
الف) گروه مؤمنان را - که قبلاً هدایت شده‌اند - در مسیر خود ثابت قدم می‌دارد و بر نیروی آنان می‌افزاید.
ب) عموم مسلمانان را - که در ظاهر مسلمان شده، ولی هنوز ایمان در قلب آنها نفوذ نکرده - بشارت می‌دهند و به مراتب بالاتر هدایت می‌رساند.

ی: یاری خدا (و دین او) عامل ثبات قدم

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد/ ۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند؛ و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.».

عامل شکست کید دشمنان، صبر و تقوا در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

صبر و تقوا موجب می‌شود که همین دشمن عنود، این کپسول زشت کینه و بغضاء، با همه‌ی توانایی‌هایی که برای خودش فراهم کرده، هیچ غلطی در مقابل شما نتواند بکند؛ ﴿لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾ (آل عمران/ ۱۲۰)؛ یعنی هیچ‌زبانی به شما نمیتواند برسانند؛ به شرط چه؟ به شرط صبر و تقوا... این درس فقط برای شما هم نیست؛ برای همه‌ی ملت است، برای همه‌ی سپاه است، برای همه‌ی نیروهای مسلح است، برای همه‌ی آحاد جامعه است، بخصوص برای مسئولان و مدیران جامعه‌ی اسلامی است؛ صبر و تقوا!

ک: توأسی به حق و صبر

یکی از مواردی که قرآن کریم بر آن تأکید کرده است توصیه همدیگر به صبر و استقامت در راه حق است که موجب نجات انسان از زیانکاری و زمینه‌ساز رستگاری می‌شود:

﴿ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾ (بلد/ ۱۷-۱۸)؛ «سپس از کسانی باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کرده و همدیگر را به مهرورزی سفارش نمودند. آنان یاران خجسته (دست راست) اند.».

نکات تفسیری

۱. در این آیات برای عبور از گردنه نیکوکاری شرایطی بر شمرده است:^۱

یک) ایمان؛

دو) سفارش هم‌دیگر به صبر در مشکلات؛

سه) سفارش به یک‌دیگر در مورد مهرورزی و عواطف انسانی.

آری؛ کسانی می‌توانند از گردنه‌های صعب‌العبور زندگی بگذرند که در سه میدان: ایمان،

اخلاق و عمل گام نهند و پیروز شوند.

۲. مسائلی هم‌چون شکیبایی و مهرورزی، نباید فردی باشد؛ لازم است که همه مؤمنان

یک‌دیگر را به صبر و عواطف انسانی سفارش کنند تا فضای جامعه اسلامی پراستقامت و

مهرآگین شود و این کار به صورت جریانی درآید و پیوندهای جامعه را استوارتر گرداند.

بیا تا مونس هم، یار هم، غم‌خوار هم باشیم انیس جان غم‌فرسوده بیمار هم باشیم

یکی گردیم در گفتار و در کردار و در رفتار زبان و دست و پا یک کرده، خدمتکار هم باشیم

۳- «صبر» دارای اقسامی است؛ هم‌چون صبر در راه اطاعت از دستورات الهی و شکیبایی

در برابر گناه و پرهیز از آن و صبر در مشکلات و سختی‌های زندگی، که آیه فوق می‌تواند به همه

این‌ها اشاره داشته باشد.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (سوره عصر)؛ «به نام خدای گسترده مهرِ مهرورز، سوگند به عصر! قطعاً [هر] انسان در زیانکاری است. مگر کسانی که ایمان آورده و (کارهای) شایسته انجام داده‌اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده و همدیگر را به شکیبایی سفارش نموده‌اند.»

نکات تفسیری

۱. بر اساس سوره «والعصر» چهار عامل سعادت و نجات انسان از زیانکاری عبارت‌اند از: یک) ایمان، که زیر بنای فعالیت‌های فکری و اعتقادی انسان است؛ مانند ایمان به خدا، معاد، نبوت و امامت؛

دو) کارهای شایسته، که نوعی خدمت به خویش و مردم است؛ مانند عبادت، علم‌آموزی، پرورش اخلاقی، کمک مادی و معنوی به مردم و انجام خدمات عمومی و خصوصی؛

سود دنیا و دین اگر خواهی مایه هر دو شان نکوکار است
گر در خلد را کلیدی هست بیش بخشیدن و کم آزاری است

(ابن‌یمین)

سه) فراخوان عمومی به حق (یعنی مطالبی که مطابق واقع باشد هم‌چون توحید، قرآن، عدالت، راستی و ...) و فراخوانی به وسیله ارشاد، تشویق، تعلیم، آگاهی بخشی و امر به معروف و نهی از منکر؛

چهار) فراخوان عمومی به صبر و شکیبایی، یعنی دعوت به مقاومت در برابر مشکلات، صبر در برابر گناهان و شکیبایی در انجام وظایف و عبادات.

ای دل صبور باش و غم مخور که عاقبت این شام صبح گردد و این شب سحر شود
(حافظ)

۲. در روایات تاریخی آمده است: یاران پیامبر ﷺ هنگامی که با یکدیگر ملاقات می‌کردند پیش از آن که از هم جدا شوند، سوره «عصر» را می‌خواندند و محتوای عالی آن را یاد آوری می‌کردند.^۱

۱. الدرّ المشثور، ج ۶، ص ۳۹۲؛ تفسیر ابن‌کنیر، ج ۴، ص ۵۸۵ و الاصابة، ج ۴، ص ۵۴.

۳. حق‌گرایی و صبر پیشگی باید دو طرفه باشد؛ یعنی نباید فقط به فکر نجات خویش بود بلکه باید افراد جامعه را نیز به حق‌گرایی و استقامت در این راه فراخواند.

توصیه به صبر و حق در اندیشه امام خامنه‌ای

مصدق («و تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصُوا بِالصَّبْرِ») بشوید؛ همدیگر را حفظ کنید و نگه دارید؛ ... هم به پیمودن راه حق یکدیگر را توصیه کنید، هم به صبر؛ صبر یعنی استقامت، ایستادگی، ثبات قدم، در مقابل حوادث تلخ نلغزیدن، نلرزیدن، مردّد نشدن؛ این عرض ما با شما است.^۱

هفتم: موانع پایداری (صبر و استقامت)

در آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به موانع صبر و استقامت اشاره شده است که گاهی افراد جامعه را به تزلزل و ناپایداری می‌کشاند. از این رو شناخت این موانع و جلوگیری از آنها می‌تواند در صبر و استقامت افراد و جامعه مؤثر باشد. مهمترین این موانع عبارتند از:

الف: کم‌همتی (فشل کاری)

﴿إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۲۲)؛ «[و نیز به یاد آر] هنگامی را که دو دسته از شما آهنگ کردند که سستی ورزند؛ و خدا [سرپرست و] یاور آن دو (دسته) بود؛ و (اگر دسته‌ای سستی کردند) پس مؤمنان باید، تنها بر خدا توکل کنند.»

نکات تفسیری

۱. در جنگ احد سپاه هزار نفری مسلمانان به فرماندهی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مدینه خارج شد و به طرف اردوگاه خود در دامنه کوه احد به راه افتاد. این حرکت نظامی به صورت پیاده انجام می‌شد و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مسیر از سپاه سان می‌دیدند و صفوف آنها را منظم می‌کردند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

اما دو طایفه از مسلمانان به نام «بنو سلمه و بنو حارثه» سستی به خرج دادند و از وسط راه به مدینه بازگشتند. شاید علت تصمیم آنها این بود که طرفدار دفاع در شهر بودند. و در همین حال گروه دیگری که سیصد نفر بودند، از سپاهیان اسلام جدا شدند و به مدینه بازگشتند. این گروه یا پیروان «عبد الله بن ابی» بودند، که طرفداران دفاع در شهر بودند، و یا گروهی از یهودیان هم‌پیمان عبد الله بن ابی بودند که پیامبر حضور آنها را در سپاه نپذیرفت، مگر آن‌که مسلمان شوند.

اما پس از مدتی این گروه سیصد نفری از تصمیم خود بازگشتند و به همکاری با مسلمانان ادامه دادند. آیه فوق به همین قطعه از ماجرای احد اشاره کرده که دو طایفه از مسلمانان ابتدا سست شدند.

۲. افراد سست عنصر، اهل صبر و استقامت نیستند و هم خود در جنگ سستی می‌کنند، و هم دیگران را به سستی می‌کشاند، پس سپاه اسلام و فرماندهان آنها نباید بر این گونه افراد تکیه کنند.

ب: اختلاف و درگیری درونی مؤمنان

﴿وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (انفال/ ۴۶)؛ «و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید؛ و با همدیگر کشمکش مکنید که سست می‌شوید، و مهابت شما از بین می‌رود! و شکیبایی کنید [چرا] که خدا با شکیبایان است.»

نکات تفسیری

۱. اختلافات درونی مسلمانان سبب سستی آنان در انجام کارهای مهم و از بین رفتن عظمت و شوکت آنان می‌شود^۱ و این امر، به ویژه در جنگ‌ها مؤثر است و سپاهیان را به شکست و هزیمت می‌کشاند.

۱. «ریح» در اصل به معنای باد و در این جا کنایه از قدرت، هیبت و عظمت است؛ یعنی همان طور که وزش بادهای موافق سبب حرکت کشتی‌ها به سوی مقصود می‌شود، و وزش باد به پرچم، نشانه‌ی برپایی آن و رمز قدرت و حکومت است، هرگاه شما به اختلافات پردازید، قوت و جریان امور که بر وفق مراد شماست از میان خواهد رفت (تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۹۶).

فصل دوم: استقامت‌ورزی (پایداری) ۱۰۵

البته اختلاف نظر و سلیقه افراد در امور اجتماعی و سیاسی و مذهبی امری طبیعی است ولی چنانچه به صورت جناح‌بندی‌های حادّ اجتماعی و سیاسی درآید و همراه با تعصّب و لجاجت و رقابت منفی گردد، خطرناک می‌شود.

۲. این آیه مسلمانان را به اطاعت از خدا و پیامبر ﷺ و صبر فرا می‌خواند. تفاوت ثبات قدم با صبر این است که ثبات قدم بیش‌تر جنبه جسمانی و ظاهری دارد، اما صبر و استقامت بیش‌تر جنبه‌های روانی و درونی دارد.^۱

هشتم: راهکارهای رفع موانع پایداری (صبر و استقامت)

در قرآن کریم و احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام راهکارهایی برای دفع و رفع موانع پایداری اشاره شده است هنگامی که گروهی از مردم صبر و استقامت خود را از دست می‌دهند راهکارهای عام و خاص می‌تواند روح تازه‌ای به آنها بدمد و آنان را به حالت پایداری بازگرداند که مهم‌ترین این موارد عبارتند از:

یک: راهکارهای عام رفع موانع پایداری

تقویت عواملی که به عنوان ابزارهای پایداری از آنها (در بخش قبلی این نوشتار) یاد شد می‌تواند راهکاری برای رفع موانع نیز به شمار آید. مثلاً تقویت ایمان به خدا و معاد با بیان عقاید مستدل و نیز پرورش روحیه دعا و ارتباط معنوی و نیز تقویت روحیه تسلیم و تعبد در برابر خدای متعال و نیز گسترش فرهنگ انس با قرآن و فرهنگ توصیه به صبر که همگی زمینه‌ساز افزایش روحیه استقامت و صبر و ثبات قدم مؤمنان است.

دو: راهکارهای خاص دفع موانع پایداری

الف: یادآوری پیروزی‌های قبلی:

ب: یادآوری امدادهای الهی قبلی در جنگ‌ها

۱. همان.

ج: یادآوری وعده‌های الهی برای یاری بیشتر در صورت استقامت‌ورزی

﴿إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران/ ۱۲۶-۱۲۲)؛ «[و نیز به یاد آر] هنگامی را که دو دسته از شما آهنگ کردند که سستی ورزند؛ و خدا [سرپرست و] یاور آن دو (دسته) بود؛ و (اگر دسته‌ای سستی کردند) پس مؤمنان باید، تنها بر خدا توکل کنند. و یقین خدا شما را در (جنگ) «بدر» یاری کرد؛ در حالی که شما، خوار بودید. پس [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما سپاسگزاری کنید. آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا [برای] شما کافی نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار (نفر) از فرشتگان فرود آمده، یاری‌تان کند؟!»، آری، اگر شکیبایی (و استقامت) کنید و [خودتان را] حفظ کنید، و [دشمنان] با همین سرعتشان به (سراغ) شما آیند، پروردگارتان شما را با پنج هزار (نفر) از فرشتگان، نشانه‌گذار، مدد خواهد کرد. و خدا آن (وعده امداد غیبی) را جز مژده‌ای برای شما و برای آرامش دل‌های شما بدان، قرار نداده است. و پیروزی جز از جانب خدای شکست‌ناپذیر فرزانه، نیست.».

نکات تفسیری

۱. آیه فوق پس از شکست مسلمانان در جنگ احد، و در حقیقت، برای تقویت روحیه و دلگرمی آنان نسبت به آینده نازل گردید و به پیروزی چشم‌گیر مسلمانان در میدان بدر^۱ اشاره کرد و فرمود: خدا شما را در بدر پیروزی داد، در حالی که نسبت به دشمن ضعیف بودید و از نظر عدّه و تجهیزات قابل مقایسه با آنها نبودید. تعداد شما در جنگ بدر ۳۱۳ نفر و تعداد مشرکان بیش از هزار نفر بود، ولی در نهایت آنان را به سختی شکست دادید؛ پس اکنون نیز ناامید نباشید که با یاری خدا می‌توانید شکست احد را جبران کرده، بر دشمن پیروز شوید.

۱. ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (سوره‌ی روم، آیه‌ی ۴۷).

فصل دوم: استقامت‌ورزی (پایداری) ۱۰۷۴۵

۲. یادآوری پیروزی‌های گذشته و امدادهای غیبی در میدان‌های نبرد سبب تجدید خاطره پیروزی و دل‌گرمی سپاهیان نسبت به آینده و تقویت روحیه آنان می‌شود.
۳. فرماندهان سپاه باید به نیازهای معنوی و روحی رزمندگان توجه کنند و به امدادهای غیبی مژده دهند و روح امید را در دل رزمندگان زنده نمایند تا به آمادگی دفاعی آنها لطمه وارد نشود.

مقاومت و صبر راه رسیدن به تمدن اسلامی در اندیشه امام خاتمه‌ای (دامت برکاته)

در دوران صدر اسلام، در آن دهه‌های اول که سختی زیاد بود - به‌خصوص در دوران پیامبر اعظم - صبر کردند، ایستادگی کردند، مقاومت کردند؛ نتیجه این شد که با وجود نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌هایی که برخلاف دستور حقیقی اسلام انجام گرفته بود، اما اوج تمدن بشر در قرن سوم و چهارم هجری متعلق به ملت مسلمان و کشورهای اسلامی است.^۱

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، ۱۳۹۷/۰۴/۰۹

فصل سوم

پیروزی

مقدمه

«پیروزی» میوه شیرین امید و مقاومت است، که همه انسان‌ها مشتاق رسیدن به آن هستند. البته پیروزی دارای ابعاد و اقسام متعددی است و عوامل و موانعی دارد که در آیات و احادیث به آنها اشاره شده است. در این بخش از نوشتار بعد از مفهوم‌شناسی به این مطالب می‌پردازیم.

اول: مفهوم‌شناسی

واژه پیروزی به معنای غلبه بر دیگران است که معادل «نصر» در عربی می‌باشد و معمولاً در امور نظامی معادل «فتح» به کار می‌رود.

البته گاهی واژه «نصر» به معنای یاری کردن نیز در قرآن آمده است، مثل آیه ۷۲ سوره انفال.^۱

واژه «فتح نیز» معمولاً به معنای پیروزی نظامی بر دشمن است، لیکن گاهی به معنای پیروزی صلح‌آمیز (مثل معاهده صلح حدیبیه) به کار رفته است.

۱. ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ آوُوا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا وَ إِنْ اسْتَنْصَرْتُمْ وَ كُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَ اللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (انفال/ ۷۲).

واژه‌های همخوان

۱- «ظفر»

﴿ وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴾ (فتح/ ۲۴)؛ «و او کسی است که دستان (تجاوزگر) آنان را از شما و دستان شما را از آنان در دل مکه کوتاه کرد، بعد از آن‌که شما را بر آنان پیروز ساخت؛ و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست».

۲- نجات

﴿ وَ لَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَ هَارُونَ * وَ نَجَّيْنَاهُمَا وَ قَوْمَهُمَا مِنَ الْكُرْبِ الْعَظِيمِ * وَ نَصَرْنَاهُمْ فَاكُنُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴾ (صافات/ ۱۱۴-۱۱۶)؛ «و به یقین، به موسی و هارون منت نهادیم [و نعمت بزرگی بخشیدیم]؛ * و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم؛ * و آنان را یاری کردیم؛ پس فقط (آنان) بر دشمنان پیروز شدند».

۳- فتح

﴿ إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ﴾ (فتح/ ۱)؛ «در حقیقت، ما با پیروزی آشکاری تو را پیروز کردیم».

۴- غلبه (غالب)

﴿ وَ نَصَرْنَاهُمْ فَاكُنُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴾ (صافات/ ۱۱۶)؛ «و آنان را یاری کردیم؛ پس فقط (آنان) بر دشمنان پیروز شدند».

﴿ كُمْ مِنْ فِتْيَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئْتَهُ كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴾ (بقره/ ۲۴۹)؛ «چهارساز گروهی اندک، به رخصت خدا، بر گروهی انبوه پیروز شدند.» و خدا با شکیبایان است».

دوم: اهمیت و پیامدهای پیروزی

در آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام به جایگاه فتح و پیروزی و پیامدهای آن اشاره شده است:

الف: اهمیت و جایگاه پیروزی

۱- پیروزی از ناحیه خداست

﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ﴾ (انفال/ ۱۰)؛ «و پیروزی جز از نزد خدا نیست».

۲- پیروزی از حقوق مؤمنان است

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاذْتَمَنَّا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (روم/ ۴۷)؛ «و به یقین، پیش از تو فرستادگانی را به سوی قومشان فرستادیم و با دلیل‌های روشن به سراغ آنان آمدند و از کسانی که خلافکاری کردند انتقام گرفتیم؛ و یاری مؤمنان، حقی بر عهده ماست».

نکات تفسیری

۱. در این آیه یک سنت و قانون الهی در مورد یاری مؤمنان بیان شده است. این قانون با چند تأکید بیان می‌دارد^۱ که به طور مسلم یاری کردن مؤمنان بر عهده خداست و او بدون نیاز به دیگران این وعده را عملی می‌سازد.
 ۲. یاری مؤمنان گاهی دیر یا زود انجام می‌گیرد، ولی صورت‌های آن متفاوت است. گرفتاری‌ها و آلودگی‌های کافران که موجب نابودی آنان می‌شود، یکی از عوامل یاری مؤمنان است؛ همان‌طور که پیروزی‌های مؤمنان در صحنه‌های فرهنگی، نظامی و سیاسی از مظاهر امداد الهی است.
- البته گاهی نیز مؤمنان در اثر غفلت یا امتحان گرفتار شکست‌های موضعی می‌شوند که این شکست‌ها نیز خود مقدمه پیروزی‌های بزرگ‌تر است.

۱. تعبیر به «کان حق علینا» و مقدم شدن «حقاً علینا» بر «نصر المؤمنین»، که دلیل حصر است، همگی نوعی تأکید را می‌رساند

۳- فتح و پیروزی محبوب مؤمنان

﴿وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (صف/ ۱۳)؛ «و (نعمت) دیگری که آن را دوست دارید (به شما بدهد، که آن) یاری از جانب خدا و پیروزی نزدیک است؛ و مؤمنان را مژده بده!».»

نکات تفسیری

پادشاه‌های دنیوی مؤمنان مجاهد، امدادسانی الهی و پیروزی نزدیک آنان بر دشمنان است. مقصود از این پیروزی، همان پیروزی مسلمانان در فتح مکه یا فتح ایران و روم یا پیروزی‌های نزدیک مسلمانان است.

ولی بهتر است که گفته شود مخاطب این آیه همه مؤمنان در طول تاریخ هستند؛ بنابراین آیه معنای وسیعی دارد که شامل همه پیروزی‌های عصر پیامبر ﷺ و بعد از او و پیروزی‌های آینده مؤمنان مجاهد می‌شود، که فتح مکه یکی از مصادیق روشن آن است.

ب: آثار و پیامدهای فتح و پیروزی

۱- گرایش مردم به دین اسلام

۲- تسبیح پروردگار

۳- استغفار

﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ* وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا* فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ (سوره نصر)؛ « هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرامی‌رسد، * و مردم را می‌بینی، در حالی که گروه گروه در دین خدا وارد می‌شوند، * پس با ستایش پروردگارت تسبیح بگویی و از او طلب آمرزش کن؛ [چرا] که او بسیار توبه‌پذیر است».

نکات تفسیری

۱. این سوره به فتح و پیروزی بزرگی برای اسلام اشاره می‌کند، پیروزی که بعد از آن مردم گروه گروه به سوی اسلام می‌شتابند.

برخی مفسران برآن اند که منظور از این پیروزی، همان فتح مکه در سال هشتم هجری است که موجب تثبیت اسلام و گسترش آن در جزیره العرب، برجیده شدن بساطت پرستی از مکه، ناامید شدن بت پرستان و مشرکان، گشوده شدن فصل نوینی در تاریخ اسلام و بر طرف شدن موانع گسترش اسلام و گرویدن گروه گروه کافران به اسلام شد.

البته برخی مفسران نیز این فتح را اشاره به «صلح حُدیبیه» در سال ششم هجری می دانند؛ و برخی نیز گفته اند: سوره «فتح» در حج آخر پیامبر ﷺ در سال دهم هجری نازل شد؛ ولی با توجه به این که این سوره خبر از پیروزی مسلمانان در آینده می دهد، این احتمال بعید است.^۱
۲. «نصرُ اللّٰه» (یاری خدا) در قرآن با مضامین مختلف تکرار شده است؛^۲ و اشاره به آن است که یاری و پیروزی با اراده خداست، یعنی مقدمات و تأمین نیرو و امکانات جنگی، وظیفه مجاهدان است؛ اما پیروزی از ناحیه خداست و او را باید سپاسگزاری کرد.

۳. در این سوره به پنج مرحله اساسی اشاره شده است:

یک) مرحله یاری و امداد الهی نسبت به رزمندگان اسلام؛

دو) مرحله پیروزی بر دشمن، که نتیجه یاری الهی است؛

سه) گسترش اسلام و ورود مردم به اسلام، که نتیجه پیروزی رزمندگان و بر طرف شدن موانع است؛

چهار) مرحله سپاس گزاری نعمت یاری، پیروزی و گسترش اسلام که آن با تسبیح و ستایش

پروردگار حاصل می شود؛

پنج) جلوگیری از غرور و رفع نقایص، که با توبه و طلب آمرزش محقق می شود.

۴. مقصود از «تسبیح»، منزّه شمردن خدا از هرگونه عیب و نقص و منظور از «حمد»،

ستایش پروردگار برای صفات کمال اوست، که هرچه عیب و نقص است از انسان و

محدودیت های اوست، و هرچه نعمت و نیکی است از خداست.

۵. بعد از هر پیروزی ممکن است رزمندگان دچار غفلت و غرور شوند یا حس انتقام جویی

بر آنان غلبه کند؛ از این رو پس از پیروزی، باید طلب آمرزش و استغفار کنند، یعنی حرکت و

پیروزی خود را آسیب شناسی و اشکالات خود را یادآوری و توبه و استغفار کنند تا خدا آنها را

بیامرزد و گرفتار غفلت و غرور و انتقام جویی نشوند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۹۴.

۲. ر.ک: سوره بقره، آیه ۲۱۴؛ سوره آل عمران، آیه ۱۲۶ و سوره انفال، آیه ۱۰.

۴- شکرگزاری

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۲۳)؛ «و بیقین خدا شما را در (جنگِ) «بدر» یاری کرد؛ در حالی که شما، خوار بودید. پس [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما سپاسگزاری کنید».

نکات تفسیری

۱. آیه فوق پس از شکست مسلمانان در جنگ احد، و در حقیقت، برای تقویت روحیه و دلگرمی آنان نسبت به آینده نازل گردید و به پیروزی چشم‌گیر مسلمانان در میدان بدر^۱ اشاره کرد و فرمود: خدا شما را در بدر پیروزی داد، در حالی که نسبت به دشمن ضعیف بودید و از نظر عدّه و تجهیزات قابل مقایسه با آنها نبودید. تعداد شما در جنگ بدر ۳۱۳ نفر و تعداد مشرکان بیش از هزار نفر بود، ولی در نهایت آنان را به سختی شکست دادید؛ پس اکنون نیز ناامید نباشید که با یاری خدا می‌توانید شکست احد را جبران کرده، بر دشمن پیروز شوید.
۲. یادآوری پیروزی‌های گذشته و امدادهای غیبی در میدان‌های نبرد سبب تجدید خاطره پیروزی و دلگرمی سپاهیان نسبت به آینده و تقویت روحیه آنان می‌شود.
۳. تقوا، پارسایی و خودنگهداری، زمینه‌ساز سپاسگزاری است؛ چرا که، از طرفی، حفظ خود از ضررهای روحی و جسمی و عذاب الهی، با توفیق الهی ممکن است و این توفیق مستلزم سپاسگزاری به درگاه خداست، و از طرف دیگر، پرهیز از گناهان و انجام دادن واجبات، یعنی رعایت تقوا، سبب می‌شود که پرده‌های جهل و غرور کنار برود و انسان حقایق هستی را درک کند و همه نعمت‌ها را از خدا بداند و در نتیجه، سپاسگزار خدا گردد و در این صورت است که متوجه می‌شود پیروزی‌ها از خداست و از او تشکر می‌کند.

۱. «بدر» در لغت به معنای «پُر و کامل» است؛ از این رو به ماه شب چهاردهم نیز بدر گفته می‌شود؛ همچنین این واژه نام مردی بوده که در سرزمین میان مکه و مدینه می‌زیسته و چاه آبی داشته است و به همین مناسبت نام آن سرزمین را بدر نامیدند. (تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۷۹)

۵- شفای دل مؤمنان ستمدیده

﴿قَاتِلُوهُمْ يَعَذَّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَجْزِيهِمْ وَيُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ * وَ يَذْهَبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه/ ۱۴-۱۵)؛ «با آن (مشرك) ان پیکار کنید، تا خدا آنان را با دستان شما مجازات کند؛ و رسوایشان سازد و شما را بر آنان یاری گرداند و سینه‌های گروه مؤمنان را شفا بخشد* و خشم شدید دل‌های آنان را [از میان] ببرد؛ و خدا توبه هرکس را بخواهد (و شایسته بداند)، می‌پذیرد؛ و خدا دانای فرزانه است.».

۶- بخشش پیامدهای (امور جنگی و ...)

۷- کامل شدن نعمت الهی

۸- هدایت به صراط مستقیم

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا* لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا* وَ يَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا﴾ (فتح/ ۱-۳)؛ «در حقیقت، ما با پیروزی آشکاری تو را پیروز کردیم؛* تا خدا آنچه از پیامد (کار) تو مقدم شده و آنچه مؤخر شده را برایت پیامزد و نعمتش را بر تو تمام کند و تو را به راهی راست رهنمون شود؛* و خدا با پیروزی شکست‌ناپذیری تو را یاری می‌کند.».

نکات تفسیری

۱. مفسران قرآن در مورد این آیات چند دیدگاه دارند:

یک) اکثر مفسران این آیات را اشاره به صلح حدیبیه می‌دانند که پیروزی بزرگی برای مسلمانان به شمار می‌آمد و زمینه‌ساز فتح مکه و تسلط بر جزیره العرب و پیشرفت اسلام شد.
دو) برخی مفسران این آیات را ناظر به فتح مکه^۱ یا فتح خیبر و یا پیروزی بر تمام دشمنان اسلام با دلایل و معجزات و برخی نیز اشاره به گشوده شدن اسرار علوم برای پیامبر ﷺ می‌دانند.^۲

۱. ر. ک: تفسیر مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۶۷؛ تفسیر تبیان، ج ۹، ص ۳۱۵؛ تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۳۳۲ و تفسیر کبیر

فخر رازی، ج ۲۸، ص ۶۵-۶۷

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۰

البته مانعی ندارد که همه این معانی مقصود آیه باشد. اما قرائن موجود در آیات بعد، با تفسیر اول، یعنی صلح حدیبیه سازگارتر است^۱ که این صلح زمینه‌ساز فتح خیبر و مکه و پیروزی اسلام شد.

۲. در این آیات چهار پیامد و نتیجه مهم فتح المبین اسلام بیان شده است:

الف) آموزش گناهان قبل و بعد پیامبر ﷺ؛

ب) تمام شدن نعمت الهی بر پیامبر ﷺ (به وسیله فتح مکه و گسترش اسلام)؛

ج) هدایت پیامبر ﷺ به راه مستقیم (یعنی ادامه راه مستقیم الهی و افزایش هدایت)؛

د) پیروزی شکست‌ناپذیر اسلام (با تسلط بر جزیره العرب و شکست نهایی مشرکان و یهود در این سرزمین).

۳. هر چند خطاب این آیات به پیامبر ﷺ است ولی مقصود همه امت اسلام هستند و از آنجا که

پیروزی مسلمانان و اسلام در حقیقت پیروزی رهبر اسلام نیز هست، به او نسبت داده شده است.

۹- برتری اقلیت صابر بر اکثریت

﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ كُمْ مِنْ قِبَلِيَّةٍ عََلَيْتُمْ فِتْنَةً كَثِيرَةً يَا ذُنَّ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۴۹)؛ «و هنگامی که طالوت با لشکریان رهسپار شد، گفت: «در حقیقت خدا شما را به وسیله رودخانه‌ای آزمایش می‌کند؛ و هرکس از آن بنوشد، پس از [پیروان] من نیست؛ و کسی که از آن نخورد جز کسی که یک پیمان‌ه را با دستش بر گیرد؛ پس به درستی که او از [پیروان] من است و جز اندکی از آنان، [همگی] از آن آب نوشیدند. و هنگامی که او و کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [رودخانه] گذشتند، گفتند: «امروز ما هیچ توانایی [مقابله] با «جالوت» و لشکریانش را نداریم.» [اما] کسانی که می‌دانستند که آنان خدا را ملاقات می‌کنند، گفتند: «چه بسا گروهی اندک، به رخصت خدا، بر گروهی انبوه پیروز شدند.» و خدا با شکیبایان است».

۱. از جمله ماضی بودن «فتحنا»، آیات مذمت مشرکان و منافقان، مسأله‌ی بیعت رضوان در آیه ۱۰ و روایای صادقه‌ی

پیامبر ﷺ در مورد فتح مکه که در آیه‌ی ۲۷ بعد از ماجرای صلح آمده است

نکات تفسیری

۱. طالوت که فرماندهی سپاه را به عهده گرفته بود، یهودیان را برای مبارزه با دشمن دعوت کرد. جمعیت فراوانی گرد او جمع شدند و به طرف دشمن حرکت کردند و بر اثر راه‌پیمایی و گرمای آفتاب همگی تشنه شدند.

طالوت برای آن‌که آن گروه را به فرمان خدا آزمایش کند و افراد سست عنصر را جدا نماید، گفت: به زودی در مسیر خود به رودخانه‌ای می‌رسید، خدا به وسیله آب شما را آزمایش می‌کند. کسانی که از آن آب بنوشند و سیراب شوند، از سپاه من نیستند و آنها که مقدار کمی آب بنوشند از سپاه من هستند.

همین‌که چشم مردم به نهر آب افتاد، خوشحال شدند و زود خود را به آن رساندند و سیراب شدند و تنها عدّه معدودی بر سر پیمان خود استوار ماندند.

طالوت بیشتر کسانی را که بی انضباط و نافرمان بودند، رها کرد و با همان تعداد اندکی که با ایمان و وفادار به پیمان بودند، به سوی میدان جهاد پیش رفت.

سپاه کوچک طالوت از کمی نفرات وحشت کردند و به او گفتند، ما توانایی ایستادن در برابر سپاه قدرتمند جالوت را نداریم.

اما کسانی که ایمان راسخ به رستاخیز داشتند و دل‌هایشان لبریز از محبت خدا بود، از کثرت و نیرومندی دشمن و کمی نفرات خود نهراسیدند و با کمال شجاعت به طالوت گفتند: تو آنچه را صلاح می‌دانی فرمان ده؛ ما نیز همه جا با تو همراه خواهیم بود و به خواست خدا با همین تعداد اندک با آنها جهاد خواهیم کرد. چه بسا جمعیت‌های کم که به اراده پروردگار بر جمعیت‌های زیاد پیروز شدند و خدا با استقامت‌کنندگان است.^۱

۲. در هنگامه نبرد، کیفیت رزمندگان اصل است، نه کمیت آنان.

یعنی بسیار شده که یک جمعیت اندک اما با ایمان و مصمم، به فرمان خدا، بر جمعیت‌های انبوه و فاقد ایمان پیروز شدند؛^۲ چرا که ایمان و صبر و مقاومت، از عوامل پیروزی در همه صحنه‌هاست.

۱. ر. ک: همان، ص ۱۶۹

۲. واژه «فِئَة» در اصل به معنای «بازگشت» است و به «گروه و جمعیت متشکل» نیز گفته می‌شود؛ چرا که آنها به سوی یکدیگر بازمی‌گردند و به هم کمک می‌کنند

۳. واژه «بِإِذْنِ اللَّهِ» (به رخصت خدا)، اشاره دارد که هرچند پیروزی افراد مصمم و باایمان بر جمعیت‌های زیاد، مربوط به یک سلسله عوامل روحی و روانی است اما آثار و نتایج همه از برکات پروردگار و از ناحیه خداست.

سوم: ابعاد و اقسام پیروزی

در آیات قرآن و احادیث اهل بیت، اقسام و ابعاد «پیروزی» اشاره شده است از جمله:

الف: پیروزی نظامی (سخت‌افزاری)

﴿قَاتِلُوهُمْ يَعِدْبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ يَجْزِيهِمْ وَ يُنْصِرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَ يَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ﴾ (توبه/ ۱۴)؛ «با آن (مشرک) ان پیکار کنید، تا خدا آنان را با دستان شما مجازات کند؛ و رسوایشان سازد و شما را بر آنان یاری گرداند و سینه‌های گروه مؤمنان را شفا بخشد».

﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ﴾ (حج/ ۳۹)؛ «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر این که آنان مورد ستم واقع شده‌اند؛ و قطعاً خدا بر یاری آنان تواناست».

﴿غُلِبَتِ الرُّومُ* فِي أَذَى الْأَرْضِ وَ هُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ* فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَ مِنْ بَعْدِ وَ يُومِئِدِ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ* بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ (روم/ ۲-۵)؛ «(سپاه) روم در نزدیک‌ترین سرزمین شکست خورد؛ * و [لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال به زودی پیروز خواهند شد. * کار [ها] قبل از [آن شکست] و بعد از [این پیروزی]، فقط از آن خداست؛ و در آن روز، مؤمنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می‌شوند * (خدا) هرکس را بخواهد (و شایسته بداند)، یاری می‌رساند؛ و او شکست‌ناپذیر [و] مهرورز است».

ب: پیروزی صلح‌آمیز

﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا* لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ يَتِمَّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكَ وَ يَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا* وَ يُنْصِرْكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا﴾ (فتح/ ۱-۳)؛ «در حقیقت، ما با پیروزی آشکاری تو را پیروز کردیم؛ * تا خدا آنچه از پیامد (کار) تو مقدم شده و آنچه مؤخر شده را برایت بیامرزد و نعمتش را بر تو تمام کند و تو را به راهی راست رهنمون شود؛ * و خدا با پیروزی شکست‌ناپذیری تو را یاری می‌کند».

نکات تفسیری

حکایت کرده‌اند که در سال ششم هجری پیامبر اسلام ﷺ به قصد سفر عمره به طرف مکه حرکت کرد و حدود هزار و چهارصد مسلمان احرام پوشیده بدون تجهیزات جنگی با او همراه شدند؛ مشرکان از ورود آنان به شهر مکه جلوگیری کردند و در روستای حُدیبیه قرارداد صلحی بین پیامبر ﷺ و مشرکان مکه منعقد گردید و مقرر شد در سال بعد مسلمانان آزادانه به شهر مکه بروند و اعمال عمره و حج را به جا آورند و تا ده سال، جنگی بین مسلمانان و مشرکان نباشد. براساس نظر مشهور مفسران، آیات فوق در این مورد نازل شد و آن صلح را فتح المبین اسلام خواند؛ چرا که راه پیروزی اسلام را در جزیره العرب هموار ساخت.^۱

ج: پیروزی منطقی (نرم‌افزاری = فرهنگی)

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾ (صف/ ۹)؛ «او کسی است که فرستاده‌اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها] پیروز گرداند، و گرچه مشرکان ناخشنود باشند».

نکات تفسیری

۱. مضمون آیه نهم سوره صف، در آیه ۳۳ سوره توبه و آیه ۲۸ سوره فتح تکرار شده است. برخی نکات ریز این آیات با هم تفاوت دارد، ولی پیام اصلی آیات همگون است و آن پیروزی نهایی اسلام بر جهان و شکست نهایی کافران و مشرکان است. تکرار این مطلب نشان‌دهنده اهمیت آن است.

آری همه توطئه‌های کافران، همچون تهمت‌های آنان بر پیامبر ﷺ، محاصره اقتصادی، تحمیل جنگ‌ها، نفاق، ایجاد اختلاف بین مسلمانان و تقسیم کشور اسلام به بیش از پنجاه کشور، نقشه‌های ایجاد انحراف در جوانان، تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی، استعمار سیاسی و نظامی و استثمار و تحمیل استبداد بر مسلمانان با شکست روبه‌رو خواهد شد و سرانجام دین حق اسلام بر جهان سایه خواهد افکند.

۱. ر. ک: اسباب النزول، ص ۳۹۷؛ نمونه بیانات، ص ۷۲۳ و شأن نزول، ص ۴۸۵

۲. تعبیر «دین حق» برای اسلام و تذکر این که سرانجام این دین بر همه ادیان پیروز می‌شود اشاره به آن است که دین حق یکی است و پس از ظهور اسلام ادیان دیگر باطل اند و پیروان آنها سرانجام شکست خواهند خورد؛ بنابراین یک راه مستقیم بیشتر وجود ندارد و همه ادیان در یک زمان حق نیستند.^۱

البته ادیان الهی هرکدام در مقطع زمانی خاص خود حق اند و واجب است که از آن ادیان پیروی کنند اما وقتی پیامبر بعدی با دین کامل تر می‌آید، دین قبلی نسخ می‌شود و پیروی از دین جدید واجب و تنها راه نجات خواهد بود و اسلام که کامل ترین دین حق نهایی است و بر همه ادیان پیروز خواهد شد.

۳. مقصود از هدایت، همان دلایل روشنی است که در آیین اسلام وجود دارد و مقصود از دین حق، اسلام است که اصول و فروعش حق و تاریخ و مدارکش نیز حق و روشن است.

۴. همراهی پیامبر اسلام ﷺ با هدایت و دین حق، دلیل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر است؛ زیرا چنانچه محتوای دعوت پیامبر ﷺ هدایت باشد و عقل بشر بر آن گواهی دهد و اصول و فروعش موافق حق و طرف دار آن باشد، طبعاً بر همه ادیان جهان پیروز می‌گردد.

۵. هرچه دانش بشر پیشرفت کند و ارتباطات آسان تر شود، واقعیت‌ها بیشتر چهره می‌نماید و موانع حق برطرف می‌شود و حق همه جا را فرامی‌گیرد و پیروز می‌شود، هر چند دشمنان مایل نباشند.

آری؛ حرکت دشمنان حق برخلاف مسیر تاریخ و سنت‌های آفرینش بوده و در نهایت محکوم به شکست است.

۶. برخی مفسران بر آن اند که مقصود از پیروزی اسلام در این آیه، پیروزی منطقی و استدلالی است که اکنون در جهان هویدا شده است و برخی دیگر از مفسران با استفاده از موارد استعمال ماده «اظهار» در قرآن، بر آن اند که مقصود پیروزی عملی و عینی و ظاهری است.

اما به نظر می‌رسد که مقصود آیه پیروزی همه همه جانبه اسلام بر ادیان دیگر در تمام جهان است و این واقعیت به تدریج در حال تحقق است.

۱. المفردات فی غریب القرآن

د: پیروزی در قیامت

﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ﴾ (غافر/ ۵۱)؛ «قطعاً، ما فرستادگانمان و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روز (رستاخیزی) که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم».

نکات تفسیری

۱. قانون کلی الهی بر آن است که خدا از پیامبران و مؤمنان حمایت کند؛ حمایتی کامل که موجب پیروزی آنان بر دشمنان می‌شود؛ پیروزی در مکتب، پیروزی در جنگ‌ها و پیروزی در استدلال و منطق و امدادهای غیبی را در بردارد.
 ۲. هر چند پیامبران و مؤمنان گاهی به طور مقطعی و ظاهری در برخی صحنه‌ها شکست می‌خورند، اما در طول تاریخ و در مجموع پیروزی نهایی از آن پیامبران و مؤمنان بوده و مهم‌تر از آن پیروزی مکتبی و فکری از آن‌ان است. همان‌طور که پیامبر اسلام ﷺ در احد و امام حسین (علیه‌السلام) در کربلا در ظاهر شکست خوردند اما در مجموع، فکر و مکتب و راه آنان بر دشمنان پیروز و ماندگار شد. آری؛ این پیروزی مؤمنان در دنیا و آخرت، سنت و قانون خداست.
 ۳. مقصود از شاهدانی که در رستاخیز به پا می‌خیزند، فرشتگانِ مراقب اعمال انسان‌ها و پیامبران گواه امت‌ها و مؤمنان شاهد اعمال هستند^۱ که همگی در محضر الهی حاضر می‌شوند و در آن صحنه عظیم نیز پیروزی از آن پیامبران و مؤمنان است، همان‌طور که رسوایی و لعنت از آن ستمکاران است.
- تذکر: در مورد یاری و پیروزی در قیامت در سوره قصص/ ۴۱ و شعراء/ ۳-۹۲ نیز اشاره شده است.

۱. این تعبیر آیه شامل شهادت اعضای بدن انسان نمی‌شود؛ چون با تعبیر قیام شاهدان ناسازگار است (تفسیر نمونه، ج

چهارم: عوامل و زمینه‌های پیروزی

در آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به زمینه‌های عوامل پیروزی اشاره شده است از جمله:

۱- لطف و اراده الهی

﴿بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾ (روم/ ۵)؛ «(خدا) هرکس را بخواهد (و شایسته بداند)، یاری می‌رساند؛ و او شکست‌ناپذیر [و مهرورز است].»

﴿إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۶۰)؛ «اگر خدا شما را یاری کند، پس هیچ‌کس بر شما پیروز نخواهد شد؛ و اگر شما را یاری نکند، پس کیست، آن‌که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند.»

﴿وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران/ ۱۲۶)؛ «و پیروزی جز از جانبِ خدای شکست‌ناپذیر فرزانه، نیست.»

نکات تفسیری

۱. امکانات نظامی، علمی و روانی، همه مقدمات پیروزی‌اند و بدون رخصت الهی کاری از آنان ساخته نیست و پیروزی فقط از جانب خدا میسر می‌شود؛ چون همه قدرت‌ها و علت‌ها منتهی به اوست.

۲. قدرت شکست‌ناپذیر الهی همراه با حکمت و فرزاندگی اوست؛ پس ممکن است طبق حکمت و به دلایل خاصی رخصت دهد که مؤمنان در مرحله‌ای موقتاً شکست بخورند و در جای دیگر پیروز شوند، ولی پیروزی نهایی از آن مؤمنان است چون خدای شکست‌ناپذیر، یاریگر آنان است.

تذکر: مشابه این مطلب در سوره انفال/ ۱۰ و ... آمده است.

۲- دعا و درخواست پیروزی از خدای متعال

﴿وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أقدامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۵۰)؛ «و هنگامی که با «جالوت» و لشکریانش روبرو شدند، گفتند: [ای] پروردگار ما! [پیمانانه] شکیبایی را بر ما فروریز، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران پیروز فرمای.»

﴿إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبِّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنَّى مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِينَ﴾ (انفال/ ۹)؛ «(به خاطر آورید که در میدان بدر) هنگامی را که از پروردگارتان یاری می‌خواستید، پس [درخواست] شما را پذیرفت (به) این که، من شما را با هزار (نفر) از فرشتگان پیاپی، یاری می‌کنم!».

تذکر: مشابه این آیه در سوره بقره/ ۲۸۶ و آل عمران/ ۱۴۷ آمده است.

۳- امداد الهی در جنگ به وسیله فرشتگان

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۲۳-۱۲۴)؛ «و بیقین خدا شما را در (جنگ) «بدر» یاری کرد؛ در حالی که شما، خوار بودید. پس [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما سپاسگزاری کنید * آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: «آیا [برای] شما کافی نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار (نفر) از فرشتگان فرود آمده، یاری‌تان کند؟!».

تذکر: مشابه این مطلب در سوره انفال/ ۹ و توبه/ ۲۶ آمده است.

۴- امدادهای الهی به وسیله بزرگ‌نمایی رزمندگان اسلام

﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ بْنِ الْمُضَلِّ فَتَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلِهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (آل عمران/ ۱۳)؛ «بیقین در دو گروهی که (در جنگ بدر) با هم روبرو شدند، نشانه‌ای (و عبرتی) برای شما بود: گروهی، در راه خدا جنگ می‌کرد؛ و [گروهی] دیگر کافر بودند، که با چشم خود، آن (مؤمن) ان را دو برابر آنان می‌دیدند. و خدا، هرکس را (شایسته بداند و) بخواهد، با یاریش، تأیید می‌کند. قطعاً در این (ماجرای) صاحبان بینش عبرتی است.»

نکات تفسیری

۱. حکایت شده که در سال دوم هجری جنگ بدر واقع شد و دو گروه مسلمانان و مشرکان مکه در برابر هم قرار گرفتند. تعداد مسلمانان سیصد و سیزده نفر بود که هفتاد شتر، دو اسب، شش زره و هشت شمشیر داشتند، پرچم مهاجران به دست علی (علیه السلام) و پرچم انصار به دست سعد بن عباده بود و سپاه دشمن بیش از هزار رزمنده و صد اسب داشتند.

مسلمانان در این جنگ نابرابر تنها با ۲۲ شهید پیروز شدند و دشمن با ۷۰ کشته و ۷۰ اسیر تن به شکست داد.^۱

آیه فوق در مورد این جنگ نازل شده و آن را نشانه و درس عبرت معرفی کرده است؛ زیرا یک ارتش کوچک و فاقد سازو برگ جنگی اما با ایمان استوار، بر ارتش نسبتاً بزرگی که تجهیزات جنگی زیادی داشتند، پیروز شد.

۲. کافران، مؤمنان را دو برابر می‌دیدند؛ در سوره انفال نیز اشاره شده که مؤمنان، کافران را اندک می‌دیدند تا از دشمن نهراسند.^۲

آری خدا مجاهدان با ایمان را با وسایل مختلف و امدادهای غیبی مدد می‌رساند. هنگام شروع جنگ بدر، دشمنان چنان وحشت زده شدند که می‌پنداشتند نیروی دیگری به مسلمانان پیوسته است، در حالی که قبل از جنگ، مسلمانان را کمتر از آنچه بودند تصور می‌کردند؛^۳ و همین مطلب زمینه‌ساز پیروزی مسلمانان شد.

۳. خدا در حادثه تاریخی بدر، مسلمانان را از چند جهت تأیید کرد و پیروز گرداند: یکی پیروزی نظامی که ارتشی کوچک بر ارتشی بزرگ پیروز شد؛ دوم، پیروزی منطقی که خدای متعال صریحاً این پیروزی را قبل از آغاز جنگ به مسلمانان خبر داده بود؛^۴ و سوم امدادهای الهی که به صورت تصرف در دیدگان دشمن و محاسبات او به وجود آمد. همه این‌ها نشانه‌های خدا و بهترین نمونه غلبه حق بر باطل و ایمان بر کفر بود.

۱. ر. ک: مجمع البیان؛ تفسیر مراغی و مفاتیح الغیب، ذیل آیهی فوق

۲. ﴿وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ الْقِتْمَتِمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلاً وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيُضَيِّقَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا﴾ (انفال/ ۴۴)

۳. ر. ک: سورهی انفال، آیهی ۴۴

۴. همان

حمایت الهی نتیجه مقاومت در اندیشه امام خمینی علیه السلام

و اگر چنانچه استقامت کنیم مؤید به تأییدات الهی هستیم، و شما چون پشتوانه تان خدای تبارک و تعالی است از هیچ چیز باک ندارید. دیگران اند که پشتوانه شان شیطان است و با دست شیطان حرکت می کنند. شما که با قدرت الهی دارید حرکت می کنید قدرتمندید.^۱

۵- ترساندن دشمنان (رعب و وحشت انداختن در دل آنها)

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَبْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال/ ۶۰)؛ «و هرچه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن) ان، آماده سازید؛ در حالی که بدان دشمن خدا و دشمنان و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، - که [شما] آنان را نمی شناسید [و] خدا آنها را می شناسد - بترسانید. و هرچه در راه خدا مصرف می کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد».

﴿إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُّوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرَّعْبَ فَأَضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ (انفال/ ۱۲)؛ «(به یادآور) هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان وحی کرد: که من با شمایم؛ پس کسانی را که ایمان آورده‌اند، ثابت [قدم] دارید. بزودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیدند وحشت می افکنم؛ و فراز گردن‌ها را بزنید؛ و همه انگشتان (و دست و پای) شان را قطع کنید!».

نکات تفسیری

۱. این آیه به یک واقعه عجیب در صحنه نبرد بدر اشاره می کند؛ ارتش نیرومند قریش در برابر سپاه کوچک مسلمانان، روحیه خود را باختند و از درگیری با آنان وحشت داشتند و گاهی فکر می کردند اینان افراد عادی نیستند؛ البته این رعب‌انگیزی در دل دشمنان، نوعی نصرت الهی بود.

۲. گاهی خدا کارها را از طریق فرشتگان انجام می دهد، ولی آنان هم بدون همراهی و حمایت الهی قدرتی ندارند.

۱. امام خمینی، روح الله، تهذیب نفس و سیروسولوک از دیدگاه امام خمینی (س)، ص ۶۱۵

۶- تقویت روحیه رزمندگان با مژده رسانی و آرامش بخشی

﴿بَلِ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ* وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَ لِيَتَظَمِّنَ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَ مَا التَّصَرُّ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾ (آل عمران/ ۱۲۵-۱۲۶)؛ «آری، اگر شکیبایی (و استقامت) کنید و [خودتان را] حفظ کنید، و [دشمنان] با همین سرعتشان به (سراغ) شما آیند، پروردگارتان شما را با پنج هزار (نفر) از فرشتگان، نشانه گذار، مدد خواهد کرد. * و خدا آن (وعده امداد غیبی) را جز مژده‌ای برای شما و برای آرامش دل‌های شما بدان، قرار نداده است. و پیروزی جز از جانب خدای شکست‌ناپذیر فرزانه، نیست».

﴿لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَ لَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ* ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَ عَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾ (توبه/ ۲۵-۲۶)؛ «قطعاً خدا شما را در مکان‌های زیادی، و در روز حنین یاری کرد؛ آن هنگام که تعداد زیادتان، شما را به شگفت آورد، و [لی] هیچ چیزی (از خطر) را از شما دفع نکرد، و زمین با گستردگی اش بر شما تنگ شد؛ سپس در حالی که پشت (به دشمن) کرده بودید، روی برتافتید * سپس خدا آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان فرو فرستاد؛ و لشکریانی فرود آورد که آنها را نمی دیدید؛ و کسانی را که کفر ورزیدند، عذاب کرد؛ و این کیفر کافران است».

نکات تفسیری

۱. «حُنین» نام سرزمینی در نزدیکی شهر طائف است که در سال هشتم هجری پس از فتح مکه، جنگی بین مسلمانان و باقیمانده مشرکان اطراف مکه در آن منطقه رخ داد. در این جنگ سپاه اسلام به دوازده هزار نفر می‌رسید که ده هزار نفر از مسلمانان شرکت‌کننده در فتح مکه و دو هزار نفر از تازه‌مسلمانان بودند و سپاه دشمن از قبایل سرسختی همچون «هوازن» به سرپرستی «مالک بن عوف» تشکیل شده بود که توطئه کردند تا به مسلمانان حمله کنند. خبر که به پیامبر ﷺ رسید، دستور داد سپاه اسلام به طرف حنین حرکت کنند. سپاه بزرگ اسلام که از کثرت

جمعیت مغرور بودند، صبحگاهان حرکت کردند که با حمله ناگهانی دشمن غافلگیر شدند و پیش قراولان سپاه فرار کردند و نظم لشکر در هم ریخت؛ اما گروهی همچون علی علیه السلام مقاومت کردند و فراریان با فریاد عباس - عموی پیامبر - بازگشتند و سرانجام با یاری خدا سپاه دشمن شکست خورد و صد کشته، تعداد زیادی اسیر و غنائم بسیاری به جای گذاشت، و پس از جنگ نمایندگان قبیله هوازن خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و مسلمان شدند.^۱

۲. واژه «مَواطِن» جمع «مَوطِن» به معنای محلی است که انسان برای اقامت دائمی یا موقت خود انتخاب می‌کند. و به میدان نبرد نیز گفته می‌شود؛ زیرا رزمندگان برای مدتی در آنجا اقامت می‌کنند.

۳. مقصود از میدان‌های بسیار، جنگ‌هایی است که بین مسلمانان و دشمنان اسلام واقع شد. که گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله در آن‌ها حضور داشت و گاهی حضور نداشت که مجموع این جنگ‌ها (غزوه‌ها و سَرایا) به هشتاد مورد می‌رسد.^۲

۴. در جنگ حنین، پس از شکست ابتدایی، گروهی همچون علی علیه السلام و عباس و چند نفر دیگر که تعدادشان را چهار یا نه و یا صد نفر نوشته‌اند، در اطراف پیامبر صلی الله علیه و آله ماندند، و گروه زیادی از افراد تازه‌مسلمان یا افراد سست عنصر فرار کردند.^۳

تذکر: مشابه این آیات در سوره انفال آیات ۱۰-۱۲ آمده است.

۷- صبر و استقامت کردن و سستی نکردن

﴿وَكَايِنٌ مِّنْ نَّبِيِّ قَاتِلٍ مَعَهُ رِيبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۴۶)؛ «و چه فراوان پیامبری، که همراه او، مردان الهی بسیاری پیکار کردند. و در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند و تسلیم نگردیدند، و خدا شکیبایان را دوست دارد».

۱. ر. ک: مجمع البیان و تفاسیر دیگر، ذیل آیه. (به جنگ حنین، «اوطاس» و «هوازن») نیز گفته شده است که اوطاس نام محلی در همان نزدیکی و هوازن نام یکی از قبایلی بود که در جنگ شرکت داشتند

۲. ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۴۶ و تفسیر مراغی، ذیل آیه. (تعداد «هشتاد» از اهل بیت علیهم السلام نیز روایت شده است)

۳. از جمله فرارکنندگان «عمر بن خطاب» و خلفای هم ردیف او بودند. (ر. ک: المنار، ج ۱۰، ص ۲۶۲-۲۶۵ و تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۴۳)

نکات تفسیری

۱. زندگی بسیاری از پیامبران با مبارزه و جنگ همراه بوده و مجاهدان عالم و عارف بسیاری^۱ در کنار آنها پیکار کرده‌اند.
۲. مطالعه و یادآوری تاریخ و زندگی رادمردان و یاران پیامبران، می‌تواند درس مقاومت، شجاعت و پایداری به مردم بدهد؛ از این رو قرآن پس از شکست احد این موارد را یادآوری می‌کند.
۳. رزمندگان عالم، عارف، با ایمان و صابر، نه روحیه خود را می‌بازند و سست می‌گردند، نه توان رزمی خود را از دست می‌دهند و نه تسلیم فشارها می‌شوند.
- آری، سرچشمه همه این صفات، «الهی» بودن است و این آیه الگویی برای سپاهیان الهی ارائه می‌دهد؛ پس باید در تربیت چنین رزمندگانی همت گماشت.
۴. «صبر»، به معنای استقامت است نه به معنای کناره‌گیری و تحمل با خواری و ضعف؛ از این رو آیه فوق، در مقابل ضعف و تسلیم به کاررفته‌است،^۲ خدا صابران را دوست دارد.
۵. در احادیث پیامبر ﷺ به نقش صبر و همت اشاره شده است، از جمله:
عن النبی ﷺ: «الظفر بالجزم والعزم»؛^۳ «از پیامبر ﷺ نقل شده که: پیروزی با اراده جازم و عزم استوار حاصل می‌شود».
- عن الصادق ﷺ: «يُظْفَرُ مَنْ يَحْلُم»؛^۴ «هر کس بردبار باشد پیروزی می‌شود».
- تذکر: مشابه این مطلب در سوره انفال/ ۱۲ و ... آمده است.

۱. واژه‌ی «رَبِّيُونَ» جمع «رَبِّي» است و به کسانی گفته می‌شود که ارتباط و پیوندشان با خدا محکم، و نیز مؤمن، دانشمند، بااستقامت و مخلص باشند (همان، ص ۱۲۱)

۲. همان، ص ۱۲۲

۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۵.

۴. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۹۶.

نقش ایمان، عمل صالح بصیرت و استقامت در پیروزی از دیدگاه امام خامنه‌ای (دامت برکاته) عامل پیروزی این است که يك جماعتی ایمان درستی داشته باشد، ... عمل صالح بر اساس ایمان، ایمان راسخ و ایمان درست، ایمان همراه با بصیرت و تداوم و استقامت، اگر چنانچه بود، پیروزی قطعی است.^۱

یک ملت وقتی به خود متکی و مؤمن شد و ایمان را با عمل صالح و جهاد همراه کرد، در همه‌ی میدان‌ها پیروزی او قطعی است.^۲

۸ - ناامید نشدن از یاری خدا

﴿مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ﴾ (حج/ ۱۵)؛ «هرکس یقین دارد که خدا او (و پیامبرش) را در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد، (و از این نظر عصبانی است)، پس طنابی به سوی بالا بکشد، سپس باید (آن را) قطع کند، و باید نظر کند که آیا نیرنگش چیزی را که (او را) به خشم آورده، حتماً از بین می‌برد؟!».

نکات تفسیری

۱. حکایت شده که گروهی از قبایل «بنی اسد» و «بنی غطفان» با پیامبر اسلام ﷺ پیمان بسته بودند، ولی بعداً گفتند ما می‌ترسیم که سرانجام خدا محمد ﷺ را یاری نکند و رابطه ما با یهودیان هم پیمان قطع شود و به ما مواد غذایی ندهند، آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و آنها را سرزنش کرد.^۳

برخی نیز حکایت کرده‌اند که آیه در مورد مسلمانانی بود که به خاطر شدت خشم بر کفار، بی‌قراری می‌کردند و می‌گفتند: چرا وعده خدا تحقق نمی‌یابد و آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و آنان را به خاطر کم‌صبری ملامت کرد.^۴

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم، ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

۳. مفاتیح الغیب، ج ۲۳، ص ۲۱۱ و نمونه بیانات، ص ۵۴۰

۴. تفسیر ابو الفتوح، ج ۱۳، ص ۳۰۵ و تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۲۱۰

۲. در مورد این آیه چند تفسیر شده است:

یک) نخست آن که مخاطب آیه مسلمانان سست‌ایمان باشند و ضمیر «لن ینصُرَه اللّٰه» به پیامبر ﷺ بازگردد؛ یعنی: هر مسلمان سست‌ایمانی که اطمینان دارد خدا پیامبرش را یاری نمی‌کند، طنابی به آسمان آویزد و از آن بالا رود، سپس آن را قطع کند تا خشمش فرونشیند.

دو) دوم آن که مخاطب آیه مشرکان باشند و ضمیر به خود آنان بازگردد؛ یعنی: هر مشرکی که اطمینان دارد خدا او را یاری نمی‌کند، خود را به دار آویزد تا خشمش فرونشیند.

۳. «سما» به معنای جهت بالا و آسمان می‌آید.^۱ در این جا می‌تواند به معنای جهت بالا، مثل سقف خانه و مانند آن باشد که در این صورت مقصود آن است که هرکس به خاطر عدم یاری الهی خشمناک است، طنابی به سقف آویزان کند و خود را به دار آویزد.

البته ممکن است واژه «سما» به معنای آسمان نیز باشد؛ یعنی هرکس از عدم یاری الهی خشمناک است، هر کاری می‌تواند بکند، به آسمان بالا رود و باریسمانی خود را آویزان کند یا ریسمان را قطع کند تا خشم فرونشیند.^۲

۴. این آیه به حالات روانی افراد کم‌صبر و حوصله اشاره می‌کند که وقتی کارشان به بن‌بست می‌رسد، تصمیم‌های جنون‌آمیز می‌گیرند و برای فرونشاندن خشم خود، تصمیم به انتحار می‌گیرند، در حالی که اگر کمی صبر و استقامت کنند، کارها آسان و مشکلات برطرف می‌شود.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَ الضَّرَّاءُ وَ زُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللّٰهَ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِيبٌ﴾ (بقره/ ۲۱۴)؛ «آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید، و حال آنکه هنوز مثال (حوادث) کسانی که قبل از شما درگذشته‌اند به شما نرسیده است؟ به آنان سختی (زندگی) و زیان (جسمی) رسید؛ و [چنان] متزلزل شدند، تا اینکه فرستاده [خدا] و کسانی که با او ایمان آورده بودند، می‌گفتند: «یاری خدا کی خواهد آمد؟! آگاه باشید، که یاری خدا نزدیک است!».

۱. واژه «سما» معانی متعددی دارد. ر. ک: ذیل آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی بقره

۲. ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۳۵۲ و تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۱

نکات تفسیری

۱. حکایت شده که در جنگ احزاب هنگامی که مسلمانان در محاصره دشمن قرار گرفتند و ترس و نگرانی بر آنها غالب شد، این آیه فرورستاده شد و آنان را به صبر و استقامت دعوت نمود و وعده یاری و نصرت الهی به آنان داد.^۱
۲. در آیه فوق آمده است که در امت‌های پیشین بر اثر شدت مشکلات و ناراحتی‌ها، پیامبران و مؤمنان هم صدا می‌شدند و می‌گفتند: پس یاری خدا کجاست و کی خواهد آمد؟ البته این تعبیر به معنای اعتراض بر پروردگار نبود بلکه نوعی دعا و تقاضا بود، و سختی آزمایش‌های الهی را نشان می‌دهد.
۳. در این آیه وعده داده شده که یاری و پیروزی خدا نزدیک است، هرچند ممکن است به خاطر عملکرد نامناسب برخی افراد، یا براساس مصالحی به تأخیر بیفتد. این تأخیر نباید موجب تردید افراد با ایمان شود؛ که پایان شب سیاه سپید است.

۹- یاری کردن دین خدا، زمینه‌ساز پیروزی

- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد/۷)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (دین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».
- ﴿وَلِيَنصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حج/۴۰)؛ «و قطعاً خدا هرکس را که (دین) او را یاری کند، یاری می‌رساند؛ که مسلماً خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است».

نکات تفسیری

۱. در این آیه این قانون کلی در مورد یاری یاوران الهی بیان شده است که کسانی که در خط توحید قرار می‌گیرند و تلاش و مبارزه می‌کنند، و راه خدا را یاری می‌نمایند، خدا نیز آنان را تنها نمی‌گذارد و به آنها یاری و امداد می‌رساند و بر دشمنانشان پیروز می‌گرداند.

۱. برخی نیز گفته‌اند که آیه مربوط به جنگ احد است. هنگامی که مسلمانان شکست خوردند، عبد الله بن ابی‌به آنان گفت: تا کی خود را به کشتن می‌دهید؟ اگر محمد صلی الله علیه و آله پیامبر بود، خدا یاران او را گرفتار اسارت و قتل نمی‌کرد. و آیه‌ی فوق نازل شد (ر. ک: تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۶۱)

۲. خدا قدرتمند و شکست‌ناپذیر است، پس نیاز به یاری ندارد و مقصود از یاری خدا، یاری دین خدا و پیامبر اوست که در حقیقت یاری حق و نوعی تلاش در راه کمال بشریت است.
۳. اگر کسی خدا را یاری کند، خدا نیز او را یاری می‌رساند؛ یعنی از راه تابش ایمان بر قلب او و تقویت روح تقوا و اراده و ایجاد آرامش در فکر او و با فرستادن فرشتگان او را یاری می‌کند^۱ و جریان حوادث و قلوب مردم را به‌سوی یاریگر خویش متمایل می‌کند و سخنان او را نافذ و گام‌های او را ثابت قدم و استوار می‌گرداند.
۴. ثبات قدم یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی در برابر دشمن است که به توفیق الهی نیاز دارد و این توفیق را خدا به یاریگران خود می‌دهد تا بر دشمن پیروز شوند.^۲

۱۰- حزب اللهی شدن

﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ (مائده/ ۵۶)؛ «و هرکس که ولایت خدا و فرستاده او و کسانی را که ایمان آورده‌اند، بپذیرد، پس (از حزب خداست و) براستی که تنها، حزب خدا پیروزمند است».

نکات تفسیری

۱. مقصود از پیروزی «حزب الله» که در آیه فوق بدان اشاره شده، هرگونه پیروزی مادی و معنوی است؛ یعنی اگر افرادی جزء حزب خدا قرار گیرند، بدون تردید، در تمام زمینه‌ها پیروز می‌شوند.
۲. حزب الله به کسانی گفته می‌شود که دارای ایمان محکم، پارسایی و اعمال شایسته، اتحاد و همبستگی، آگاهی و آمادگی کافی باشند^۳ و تنها ولایت خدا، پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) را پذیرفته باشند. اگر مسلمانان همگی چنین صفاتی داشته باشند، پیروزند و اگر برخی از مسلمانان پیروز نمی‌شوند، به خاطر آن است که شرایط عضویت در حزب الله را پیدا نکرده‌اند و به جای اتحاد و مقابله با دشمن به تضعیف نیروهای یکدیگر می‌پردازند.

۱. ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ﴾ (سوره فصلت، آیه ۳۰)

۲. ﴿رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّثْ أَقْدَامَنَا﴾ (سوره بقره، آیه ۲۵۰)

۳. در آیه ۲۲ سوره مجادله نیز برخی صفات حزب الله خواهد آمد

۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که ما و شیعیان ما حزب الله هستیم، که پیروزند.^۱ روشن است که این گونه احادیث مصادیق حزب الله را مشخص می کند و دلالت دارد که پیروزی نهایی از آن پیروان اهل بیت علیهم السلام است.

۱۱- لشکر الهی شدن (جند الله)

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾ (صافات / ۱۷۱)؛ «و به یقین، سخن (سنت گونه) ما در مورد بندگان فرستاده شده ما از پیش مقرر شده) است * که قطعاً آنها یاری شدگان اند، * و مسلماً، فقط لشکر ما پیروزند».

نکات تفسیری

۱. در این آیات وعده بزرگ پیروزی پیامبران و لشکریان خدا مژده داده شده و مورد تأکید قرار گرفته و آینده امیدبخش و روشنی برای مؤمنان ترسیم شده است؛ در نهایت حق بر باطل پیروز می گردد و پیامبران و لشکر خدا بر دشمنان غالب می شوند.^۲

۲. پیروزی پیامبران و لشکریان خدا، از سنت های الهی است و البته سنت و وعده الهی تخلف ناپذیر است.

۳. وعده پیروزی پیامبران و مؤمنان با شکست های آنان چگونه جمع می شود؟ پاسخ آن است که اولاً، ممکن است مقصود پیروزی نهایی آنان باشد که منافاتی با شکست های مقطعی ندارد و این پیروزی به صورت تدریجی حاصل خواهد شد. ثانیاً، پیروزی انواعی دارد که یک بخش آن پیروزی ظاهری و جسمی است و مهم تر از آن پیروزی مکتبی است که آیین پیامبران بر جهان حاکم شده است. ثالثاً، پیروزی پیامبران و مؤمنان مشروط است و گاهی افرادی که خود را مؤمن می خوانند اهل جهاد و بندگی خدا نیستند تا پیروز شوند.

۱. توحید صدوق، ص ۱۱۶؛ بحار الانوار، ج ۴، ص ۲۵ و ج ۲۴، ص ۲۱۳ و تفسیر صافی، ج ۲، ص ۴۷
۲. در آیات دیگر قرآن مثل این وعده داده شده است؛ ر. ک: سوره غافر، آیه ۵۱؛ سوره روم، آیه ۴۷ و سوره مجادله، آیه ۲۱

۱۲- اسلحه، نیرو و قدرت نظامی

﴿وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ﴾ (حدید/ ۲۵)؛ «و آهن را فرو فرستادیم که در آن نیرویی شدید است».

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (انفال/ ۶۰)؛ «و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن) ان، آماده سازید؛ در حالی که بدان دشمن خدا و دشمنان و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که [شما] آنان را نمی‌شناسید [و] خدا آنها را می‌شناسد- بترسانید. و هر چه در راه خدا مصرف می‌کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد».

نکات تفسیری

۱. واژه «قُوَّة» به معنای قدرت و نیروست، اما این کلمه کوچک و پرمعنا شامل انواع وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصر و تمام نیروها و امکانات مادی و معنوی می‌شود. جالب این است که این واژه یک معنای سیال دارد که در طی زمان کهنه نمی‌شود و در هر عصری مصادیق نو می‌یابد و شامل سلاح‌های جدید می‌شود و این یکی از رمزهای جاودانگی دفاع اسلامی است.

۲. در برخی احادیث آمده است که مقصود از قُوَّة، «تیر یا شمشیر و سپر و یا هرگونه اسلحه و نیز سیاه کردن موهای سفید سربازان است»^۱ (تا سربازان را جوان‌تر نمایش دهد).

البته این احادیث مصداق‌ها و موارد قوت را بیان می‌کنند، وگرنه مفهوم قوت شامل همه قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی می‌شود که می‌تواند در برابر دشمن حالت بازدارنده داشته باشد.

۳. حکایت شده که در جنگ «حُنَین» به پیامبر ﷺ خبر دادند که سلاح تازه و مؤثری در «یمن» اختراع شده است. پیامبر ﷺ فوراً کسانی را به آنجا فرستادند تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند.^۲

۱. تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۶۴-۱۶۵

۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۴

۴. این که در آیه فوق پس از بیان قوت، مسئله «اسب‌های ورزیده و آماده» را بیان کرد، از باب ذکر خاص پس از عام است؛ یعنی یک دستور عام برای همه عصرها و سپس دستوری خاص برای آن عصر بیان نمود؛ چرا که اسب در میدان‌های نبرد آن روزگار نقش تانک و زره‌پوش امروز را داشت.

البته این احتمال نیز هست که مقصود از این واژه محافظت مرزها باشد.^۱

۵. در این آیه اهداف آمادگی نظامی و جهاد اسلامی را دو چیز بیان کرد:

یک) بازدارندگی و به هراس انداختن دشمنان خدا و مردم؛

دو) تلاش در راه خدا (و در مسیر احیای حق و عدالت).

یعنی آمادگی نظامی و جهاد اسلامی برای تصاحب اموال و سرزمین دیگران یا استعمار و

استثمار آنان و با انگیزه‌های شخصی و غارتگری نیست.

۶. دشمنان حق و عدالت و استقلال و آزادی ملت‌ها براساس منطق و اصول انسانی عمل

نمی‌کنند، بلکه در صورتی که ملت‌های مسلمان ضعیف باشند، هرگونه بتوانند، نظرهای خود را

بر آنان تحمیل می‌کنند؛ از این روست که مسلمانان نیاز به یک نیروی نظامی قوی و بازدارنده

دارند که دشمنان را به هراس اندازد. اگر مسلمانان به همین آیه قرآن عمل می‌کردند، امروز

کشورهای اسلامی این گونه مورد تهاجم استکبار جهانی قرار نمی‌گرفت.

تذکر مهم: هر چند که کثرت نفرات در جنگ مهم است اما سرنوشت جنگ را مشخص

نمی‌کند بلکه کیفیت نیروها و امور معنوی است که پیروزی را به بار می‌آورد. از این رو قرآن فرمود:

﴿كَمْ مِنْ قَلِيلَةٍ قَلِيلَةٍ عَلَبْتَ فِتْنَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ (بقره/ ۲۴۹)؛ «چه بسا

گروهی اندک، به رخصت خدا، بر گروهی انبوه پیروز شدند.» و خدا با شکیبایان است.»

نقش آمادگی‌ها در عقب‌گرد دشمنان از دیدگاه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

وَ اَعَدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِمُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ؛ آمادگی شما،

ابراز قدرت شما، دشمن را به عقب‌نشینی وادار می‌کند، دشمن را می‌ترساند؛ این، آن دستوری

۱. واژه «رباط» از «ربط» به معنای بستن و پیوند دادن است و غالباً در مورد بستن حیوانات در یک نقطه برای محافظت

به کار می‌رفته است، سپس به همین مناسبت به معنای محافظت نیز آمده است (همان، ص ۲۲۱)

است که قرآن به ما داده است، باید این آمادگی‌ها را روزبه‌روز افزایش بدهیم این توانایی را، این آمادگی را ان‌شاءالله در میدانهای مختلف -چه میدان علمی، چه میدان سازمانی، چه میدان رزم، چه میدان پیشرفت‌های گوناگون- به کار خواهید بست و نشان خواهید داد.^۱

پنجم: موانع پیروزی

در آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) به زمینه‌های ناکامی و موانع پیروزی اشاره شده است.

۱- تکیه به غیر خدا (شرک‌ورزی)

﴿وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ﴾ (اعراف / ۱۹۷)؛ «و

کسانی را که غیر از او می‌خوانید، نمی‌توانند یاریتان کنند، و نه خودشان را یاری می‌رسانند».

نکات تفسیری

۱. مضمون آیات فوق در آیات ۱۹۲ و ۱۹۳ همین سوره گذشت. شرک بیماری روحی خطرناکی است که در اعماق جان انسان‌ها ریشه می‌دواند، به طوری که هنوز هم در بسیاری از مناطق جهان انواع شرک و بت‌پرستی وجود دارد؛ از این‌رو قرآن کریم مکرراً بر بطلان شرک اصرار می‌ورزد و دلایلی در این زمینه بیان می‌کند.
۲. معبودی سزاوار پرستش است که بتواند شما را یاری و هدایت کند (و آن جز خدا نیست).
۳. معبودهای فاقد قدرت و شعور را نپرستید که شایسته پرستش نیستند.

تذکر: مشابه این آیه در سوره اعراف آیه ۱۹۲ و انبیاء/ ۴۳ و شعراء/ ۹۲-۹۳ و یس/ ۷۴-۷۵

آمده است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر، ۱۳۹۷/۰۶/۱۸

۲- ترس از دشمن

﴿لَا تُقَاتِلُون قَوْمًا نَكُتُوا أَيْمَانَهُمْ وَهُمُوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدُّوْكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَ تَخْشَوْنَهُمْ فَ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (توبه/ ۱۳)؛ «چرا با گروهی که سوگندهایشان را شکستند، و آهنگ اخراج فرستاده [خدا] کردند، پیکار نمی کنید؟! و حال آنکه آنان نخستین بار (پیکار) با شما را آغاز کردند؛ آیا از آنان می هراسید؟! اگر مؤمنید، پس خدا سزاوارتر است که از (مخالفت) او بهراسید».

نکات تفسیری

۱. تعبیرات این آیه نشان می دهد در میان مسلمانان، گروهی وجود داشتند که از جنگ با دشمن و قدرت آن ها می ترسیدند که قرآن به آن ها هشدار می دهد.
۲. ترس از مردم به خاطر قدرت یا ثروت آنهاست ولی بالاترین قدرت و ثروت از آن خداست، بلکه او سرچشمه همه قدرت ها و ثروت هاست. پس با وجود خدا و توکل بر او، ترس از مردم بی مورد است و اگر از کسی بخواهیم بترسیم باید از خدا بترسیم.
۳. مؤمن واقعی از (عذاب) خدا می هراسد نه از مردم.

۳- سستی و عدم مقاومت

﴿وَ إِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ * إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۲۱- ۱۲۲)؛ «و (به یاد آر) هنگامی را که [در جنگ احد] بامدادان، از [میان] خانوادهات بیرون رفتی، که محل هایی برای جنگ مؤمنان آماده کنی؛ و خدا شنوای داناست * [و نیز به یاد آر] هنگامی را که دو دسته از شما آهنگ کردند که سستی ورزند؛ و خدا [سرپرست و] یاور آن دو (دسته) بود؛ و (اگر دسته ای سستی کردند) پس مؤمنان باید، تنها بر خدا توکل کنند».

تذکر ۱: نکات تفسیری این آیه قبلاً گذشت.

تذکر ۲: مشابه این مطلب در مورد تأثیر صبر و مقاومت عدم سستی و ضعف در پیروزی در سوره آل عمران آیه ۱۴۶ آمده است.

نکته: در احادیث اهل بیت علیهم السلام بر استقامت در دین و تغییر رنگ ندادن در امور تأکید شده است.
 - عن علی علیه السلام: «أَفْضَلُ السَّعَادَةِ اسْتِقَامَةُ الدِّينِ»؛^۱ «بالاترین سعادت استقامت در دین است».
 - عن علی علیه السلام: «يُبْغِضُ مِنْ عِبَادِهِ الْمُتَلَوْنَ فَلَا تَزُولُوا عَنِ الْحَقِّ وَوَلَايَةِ أَهْلِ الْحَقِّ»؛^۲ «بدانید که خدای متعال بندگان را که رنگ عوض می کنند دشمن می دارد، پس در مورد حق و ولایت اهل حق متزلزل نشوید».

نقش کوتاهی ها بی صداقتی ها در ناکامی و شکست از منظر امام خامنه‌ای (دامت برکاته)
 خدای متعال مقدر کرده است که پیروز بشود، جبهه‌ی حق است؛ ... خدای متعال این جور مقدر فرموده، [اما] من و شما میتوانیم این نتیجه را عوض کنیم؛ چه جور؟ کوتاهی نکنیم، همراهی نکنیم، در حرکتی که انجام میدهیم صداقت به خرج ندهیم، از خودمان مایه نگذاریم، مجاهدت و تلاش فی سبیل الله نکنیم.^۳

۴- اختلافات درونی

﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾
 (انفال/ ۴۶)؛ «و از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کنید؛ و با همدیگر کشمکش مکنید که سست می شوید، و مهابت شما از بین می رود! و شکیبایی کنید [چرا] که خدا با شکیبایان است».

نکات تفسیری

۱. اختلافات درونی مسلمانان سبب سستی آنان در انجام کارهای مهم و از بین رفتن عظمت و شوکت آنان می شود^۴ و این امر، به ویژه در جنگ‌ها مؤثر است و سپاهیان را به شکست و هزیمت می کشاند.

۱. غررالحکم، ص ۱۸۶ و میزان الحکمه، ج ۸، ص ۲۸۷.

۲. بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۵.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴/۰۱/۱۳۹۸.

۴. «ریح» در اصل به معنای باد و در این جا کنایه از قدرت، هیبت و عظمت است؛ یعنی همان طور که وزش بادهای موافق سبب حرکت کشتی ها به سوی مقصود می شود، و وزش باد به پرچم، نشانه‌ی برپایی آن و رمز قدرت و حکومت است، هرگاه شما به اختلافات بپردازید، قوت و جریان امور که بر وفق مراد شماست از میان خواهد رفت (تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۱۹۶).

البته اختلاف نظر و سلیقه افراد در امور اجتماعی و سیاسی و مذهبی امری طبیعی است ولی چنان چه به صورت جناح‌بندی‌های حادث اجتماعی و سیاسی درآید و همراه با تعصب و لجاجت و رقابت منفی گردد، خطرناک می‌شود.

راهکار جلوگیری از اختلافات داخلی در اندیشه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

هدف آنها [آمریکایی‌ها] ایجاد جنگ داخلی بین مسلمانها است ... اگر میخواهیم در این راه موفق بشویم، باید بصیرت پیدا کنیم. امیرالمؤمنین (علیه الصلوة والسلام) فرمود: **أَلَا وَ لَا يَحْمِلُ هَذَا الْعَلَمُ إِلَّا أَهْلُ الْبَصَرِ وَ الصَّبْرِ**؛ باید بصیرت پیدا کرد، باید در این راه صبور بود. **وَ إِنْ تَصَبَّرُوا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا**؛ اگر با بصیرت حرکت کنیم و صبر کنیم و استقامت به خرج بدهیم [توطئه آمریکا] اثری نمی‌بخشد.^۱

ششم: راهکارهای رفع موانع پیروزی

در آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام بر راهکارهای برون رفت از موانع پیروزی اشاره شده است از جمله:

۱- توحیدمحوری و توکل بر خدا (به جای تکیه به دیگران)

﴿إِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۶۰)؛ «اگر خدا شما را یاری کند، پس هیچ‌کس بر شما پیروز نخواهد شد؛ و اگر شما را یاری نکند، پس کیست، آن‌که بعد از او، شما را یاری کند؟! و مؤمنان، پس باید تنها بر خدا توکل کنند».

﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق/ ۳)؛ «و هرکس بر خدا توکل کند، پس او برایش کافی است».

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (مائده/ ۱۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر (خود) تان یاد کنید؛ آنگاه که گروهی (از دشمنان سوء) قصد داشتند، دست‌هایشان را به سوی شما بگشایند؛ و [خدا] دستشان را از شما کوتاه کرد. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید. و مؤمنان، پس باید، تنها بر خدا توکل کنند».

نکات تفسیری

توکل بر خدا بدین معناست که انسان با استفاده از وسایل عادی تلاش خود را بنماید اما تکیه اصلی اش بر خدا باشد که علت همه علت‌ها و مبدأ همه قدرت‌هاست؛ پس توکل به معنای دست برداشتن از عوامل مادی و سستی در کارها نیست.

۲- ترس از خدا و نترسیدن از مردم

﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ آل عمران/ ۱۷۳)؛ «(همان) کسانی که (برخی از) مردم، به آنان گفتند: «که مردمان برای (حمله به) شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آنان بترسید» و [لی این سخن]، بر ایمانشان افزود، و گفتند: «خدا ما را بس است؛ و [او] خوب کارسازی است».

نکات تفسیری

۱. این آیات در مورد لشگرکشی مجدد مشرکان و سپاه اسلام بعد از جنگ احد است. هنگامی که سپاه اسلام با تجدید سازمان به تعقیب سپاه مشرکان پرداخت، ابو سفیان برای آن که بتواند از چنگ لشگریان اسلام جان سالم به در ببرد، به گروهی از قبیله «عبد القیس»، که قصد رفتن به مدینه و خرید گندم داشتند، گفت: «به پیامبر ﷺ و مسلمانان این خبر را برسان که بت پرستان مکه و ابو سفیان، با سپاه انبوهی، به سرعت به سوی مدینه می‌آیند.» هنگامی که این خبر، به پیامبر و مسلمانان رسید، ایمانشان زیادت‌تر شد و گفتند: «خدا ما را کافی است و او بهترین وکیل و مدافع ماست.» مسلمانان سه روز توقف کردند و انتظار کشیدند،

اما خبری از سپاه ابو سفیان نشد؛ چرا که به مکه گریخته بودند. مسلمانان پس از آن به مدینه بازگشتند و آیه فوق فرورستاده شد و این ماجرا و داستان پیامردی مسلمانان را بازگو نمود.^۱

۲. مسلمانان صدر اسلام در برابر تبلیغات و جنگ روانی دشمن نهراسیدند و ایمان و توکل آنان زیادتر شد. آری، سپاه اسلام و جامعه اسلامی همیشه باید این گونه باشد.

۳. یکی از حرب‌های دشمن در هنگام مقابله با مسلمانان، تبلیغات منفی و جنگ روانی است، که در صدر اسلام به صورت شایعه‌پراکنی و گفت‌وگو و پیغام‌رسانی بود و در عصر حاضر به وسیله ماهواره‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، شبکه‌های اینترنت و روزنامه‌های وابسته. استعمارگران از این وسایل استفاده می‌کنند تا مسلمانان را بترسانند و به اهداف خویش برسند، ولی ایمان و توکل بر خدا مانع جدی در راه آنان است.

﴿الَّذِينَ يَبُلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَحْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ (احزاب/ ۳۹)؛ «(همان) کسانی که پیام‌های خدا را می‌رسانند و از او می‌هراسند و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌هراسند؛ و حسابگری خدا کافی است».

نکات تفسیری

۱. این آیه به پیامبر اسلام ﷺ و همه مبلغان دینی اشاره می‌کند که از غیر خدا ترسند و از غوغاسالاری و جوّسازی مخالفان هراسی به دل راه ندهند و با شجاعت، پیام الهی را به مردم برسانند که این شرط پیروزی در تبلیغات دینی است.

۲. «خشیت» به معنای ترس همراه با تعظیم و احترام است؛ آن حالتی که در هنگام درک عظمت خدا و ترس از دوری او حاصل می‌شود؛^۲ یعنی پیامبران از خدا می‌هراسند که مبادا مسئولیت خویش را به خوبی انجام ندهند و از او دور شوند.

۱. اسباب النزول، ص ۱۳۵؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۷۶؛ نور الثقلین؛ مجمع البیان و المنار. البته برخی به جای کاروان عبد القیس، به نعیم بن مسعود اشاره کرده‌اند (تفسیر صافی، ج ۱، ص ۴۰۰).

برخی از مفسران روایت کرده‌اند که این آیه در مورد جنگ بدر است که ابو سفیان بعد از جنگ به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت وعده‌ی ما سال آینده در محل بدر صغری؛ و سال بعد پیامبر صلی الله علیه و آله با عده‌ای به آنجا رفت، ولی ابو سفیان و سپاهیان از بین راه برگشتند و سعی کردند با تبلیغات اصحاب پیامبر را بترسانند (ر. ک: مجمع البیان، همان و تفسیر صافی، همان، ص ۴۰۱). اما به نظر می‌رسد که شأن نزول اول با سیاق آیات که در ادامه‌ی جنگ احد است سازگارتر باشد؛ هر چند که هر شأن نزولی را بپذیریم، در معنای آیه اثر ندارد

۲. البته گاهی نیز خشیت به معنای خوف و ترس مطلق آمده است (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۳۱-۳۳۲)

۳. ترس نداشتن پیامبر و مبلغان دینی در مورد رساندن پیام الهی است، وگرنه ترس طبیعی انسان‌ها از صحنه‌های وحشت‌آور در زندگی^۱ و یا ترس پیامبران از این که ایمان مردم متزلزل شود، مذموم نیست.

تذکر: در آیه ۱۳ توبه لزوم ترس از خدا و نترسیدن از مردم در جنگ‌ها اشاره شده است. البته ترس از خدا به معنای ترس از مقام (قضاوت و حسابرسی او در قیامت و ... است نه ترس از ذات الهی که محبوب است).

۳- صبر مقاومت در برابر دشمنان

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران/ ۲۰۰)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شکیبا باشید؛ و [در برابر دشمنان] شکیبایی ورزید و نگهبان مرزها باشید، و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید، باشد که شما رستگار شوید».

﴿بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فُورِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ (آل عمران/ ۱۲۵)؛ «آری، اگر شکیبایی (و استقامت) کنید و [خودتان را] حفظ کنید، و [دشمنان] با همین سرعتشان به (سراغ) شما آیند، پروردگارتان شما را با پنج هزار (نفر) از فرشتگان، نشانه‌گذار، مدد خواهد کرد».

تذکر: نکات تفسیری این آیات قبلاً بیان شد.

نقش صبر در تکمیل پیروزی‌ها از دیدگاه امام خامنه‌ای (دامت برکاته)

یکی از موانع تحقق آرزوهای بزرگ انقلاب، بی‌صبری است؛ ... بعضی از فعالیت‌هایی که برادرها و خواهرهای خوب انقلابی یک جاهایی انجام می‌دهند، ناشی از صبور نبودن است؛ صبوری لازم است؛ صبر هم یکی از خصلت‌های انقلابی است. بله، خشم انقلابی داریم اما صبر انقلابی هم داریم. مظهر اتم و اکمل عدالت، امیرالمؤمنین (علیه السلام) است دیگر، از او عادل‌تر که نداریم، اما امیرالمؤمنین هم یک جاهایی صبر کرد؛ تاریخ زندگی امیرالمؤمنین (علیه السلام) را می‌بینید دیگر. یک جا می‌گوید: فَصَبْرَتْ وَ فِي الْعَيْنِ قَدَى وَ فِي الْحَلْقِ شَجَا؛ یک جا هم در مقابل فشار خوارج و مانند اینها در جنگ صفین صبر میکند و به حکمیت تن می‌دهد.

۱. همان‌طور که موسی هنگام دیدن عصایی که ازدها شد ترسید (سوره‌ی طه، آیه‌ی ۶۷)

۴- حفظ وحدت و دوری از تفرقه

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (آل عمران/ ۱۰۳)؛ «و همگی به ریسمان خدا، تمسک جویند، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خودتان، به یاد آرید، آنگاه که دشمنان (یکدیگر) بودید، و [او] میان دل‌های شما، الفت انداخت، پس به (برکت) نعمت او، برادران (همدیگر) شدید. و شما بر کنار حفره‌ای از آتش بودید، و شما را از آن نجات داد؛ این‌گونه، خدا نشانه‌هایش را برای شما روشن بیان می‌کند؛ تا شاید شما راهنمایی شوید.»

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ﴾ (صف/ ۴)؛ «در حقیقت، خدا کسانی را دوست می‌دارد که در راهش صف کشیده، جهاد می‌کنند؛ چنان‌که گویی آنان ساختمان محکم (سربی) هستند.»

نکات تفسیری

۱. در این آیه خدا می‌فرماید که رزمندگان را دوست دارد اما رزمندگانی که:

اولاً، اهل عمل باشند و جهاد آنان فقط در گفتار خلاصه نشود؛

ثانیاً، در راه خدا پیکار کنند، یعنی هر نوع جنگی با هر هدفی محبوب خدا نیست؛

ثالثاً، بدون تفرقه در صف واحدی مبارزه کنند و همچون ساختمان سربی محکم باشند.^۱

۲. محبوبیت رزمندگان نزد خدا به چه معناست؟

امام خمینی رحمه الله در این مورد می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ...» محبوبیت نزد بارگاه احدی را کدام فیلسوف توانا یا عارف علمی

بزرگ دانا می‌تواند درک کند تا از آن سخن بگوید و یا به سخن قلم درآورد؟

آیا این «حُب نافع» است که در نتیجه تقرب به آن، بنده خاکی، پا بر سر ملک و ملکوت

اعلا نهد و حق جلّ و علا با جاذبه غیبی خویش سمع و بصر و قلب او شود...

۱. «مرصوص» به معنای سرب است که لابلای قطعات ساختمان می‌ریزند تا محکم شود. به هر بنای محکم نیز

یا «قرب فریضه» است که در آن شخص و شخصیت محو شود و صعق رخ دهد و خود و خودی از میان برود و کثرت به تمام معنا رخت بر بندد و نه چشمی باشد و نه گوشی و نه باطنی و نه ظاهر...^۱

۳. این آیات دشمنان اسلام را به سیلابی ویرانگر تشبیه کرده که لازم است مجاهدان همچون ساختمانی سربی و سدی پولادین و محکم در برابر آنها بایستند، البته سدی که هیچ شکافی در آن نباشد.

۴. آنچه موجب وحدت صف مجاهدان اسلام می شود وحدت هدف و عقیده است. و این در سایه تربیت صحیح اسلامی و احیای فرهنگ قرآن تحقق می یابد. آری؛ وحدت صفوف مجاهدان اسلام در جهان امروز بیش از هر زمان دیگر لازم است و باید مسلمانان با رعایت این آموزه وحدت بخش قرآنی در برابر استکبار جهانی و دشمنان اسلام بایستند و دست استعمار و استثمار را از سرزمین های اسلامی کوتاه کنند.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این نوشتار روشن شد که قرآن و احادیث ما را به امید داشتن در زندگی سفارش می کند و امید زمینه ساز مقاومت و صبر در مشکلات است که میوه شیرین صبر، پیروزی خواهد بود.

فهرست منابع

۱. اسباب النزول، ابو الحسن على بن احمد الواحدى النيشابورى، المكتبة العصرية، بيروت، ۱۴۲۵ ق.
۲. الاصابة فى تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلانى، تحقيق: عادل احمد عبد الموجود، دار الكتب، العلمية، بيروت، الاولى، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۳. اصول كافي، محمد بن يعقوب كليني، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، ۱۳۶۱ ش.
۴. اعلام الورى بأعلم المهدي، امين الاسلام طبرسي، ابو على فضل بن حسن، (صاحب مجمع البيان)، انتشارات دار الكتب الاسلامية، قم، چاپ سوم، بی تا.
۵. الامالى، شيخ طوسى، محمد بن حسن، انتشارات دار الثقافة، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمرى.
۶. بخش بيانات پایگاه اينترنتى مقام معظم رهبرى حضرت آيت الله العظمى خامنه اى، به آدرس <https://farsi.khamenei.ir>
۷. تفسير ابن كثير،
۸. تفسير التبيان فى تفسير القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن على الطوسى (م ۴۶۰ ق) قم، مكتب الاعلام الاسلامى، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق.
۹. تفسير المنار (تفسير القرآن الحكيم)، محمد رشيد رضا، بيروت، دار المعرفة، الطبعة الثانية.
۱۰. تفسير الميزان فى تفسير القرآن، محمد حسين طباطبائى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، بی تا، چاپ دوم.
۱۱. تفسير روض الجنان و روح الجنان فى تفسير القرآن، ابو الفتوح رازى، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش.

١٢. تفسىر صافى، فىض كاشانى، بىروت، مؤسسه الاعلمى للمطبوعات، چاپ دوم، ١٤٠٢ ق.
١٣. تفسىر فرات كوفى، ابو القاسم فرات بن ابراهىم بن فرات الكوفى (اواخر قرن سوم هجرى) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١٠ ق.
١٤. تفسىر فى ظلال القرآن، سىد قطب، بىروت، دار احىاء التراث العربى، الطبعة الخامسة.
١٥. تفسىر كبرى (مفاتيح الغىب)، فخر الدين رازى، بىروت، دار الكتب الاسلاميه.
١٦. تفسىر كبرى (مفاتيح الغىب)، فخر الدين رازى، بىروت، دار الكتب الاسلاميه.
١٧. تفسىر كشاف عن حقائق غوامض التنزىل، محمود بن عمر الزمخشرى، بىروت، ادب الحوزة، دار المعرفة، دار الكتب، ١٤٠٠ ق.
١٨. تفسىر مجمع البيان فى تفسىر القرآن، ابو على الفضل بن الحسن الطبرسى (امىن الاسلام)، تهران، المكتبة الاسلاميه، ١٣٩٥ ق.
١٩. تفسىر مجمع البيان فى تفسىر القرآن، ابو على الفضل بن الحسن الطبرسى (امىن الاسلام)، تهران، المكتبة الاسلاميه، ١٣٩٥ ق.
٢٠. تفسىر نمونه، ناصر مكارم شىرازى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، چاپ بىست و ششم، ١٣٧٣ ش.
٢١. تفسىر نور الثقلين، عبد العلى بن جمعه العروسى حوىزى، قم، المطبعة العلميه، ١٣٨٣ ش.
٢٢. تفسىر نور الثقلين، عبد العلى بن جمعه العروسى حوىزى، قم، المطبعة العلميه، ١٣٨٣ ش.
٢٣. تنبىه الخواطر و نزهة النواظر المعروف (مجموعه ورم)، ورام بن ابى فراس، انتشارات مكتبة الفقيه، قم. كتاب حاضر نسخه عكسى از انتشارات دار صعب و دار التعارف بىروت به سال ١٣٧٦ قمرى است.
٢٤. التوحىد، شىخ صدوق ابو جعفر، محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه قمى، انتشارات جامعه مدرسىن حوزه علميه قم، چاپ سوم، ١٤١٣ قمرى.

۲۵. تهذیب نفس و سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی (س)، امام خمینی، روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۲۶. الخصال، شیخ صدوق ابو جعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری.
۲۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبد الرحمن ابن ابی بکر السیوطی، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۲۸. دستغیب، سید عبدالحسین، گناهان کبیره، بی جا، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۲ ش.
۲۹. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم، مؤسسه آل البین، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۳۰. سفینه البحار، شیخ عباس قمی، دار الاسوة للطباعة و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق.
۳۱. سیمای معصومین (علیهم السلام) در اندیشه امام خمینی (س)، امام خمینی، سید روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۹۳.
۳۲. شرح جهل حدیث، امام خمینی، سید روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ جهل و نهم، ۱۳۸۸.
۳۳. شرح حدیث جنود عقل و جهل، امام خمینی، سید روح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۳۴. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری.
۳۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبد الله، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری).
۳۶. محمدباقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامه و خاصه، تهران، اسلامی، ۱۳۵۹ ش.
۳۷. محمدباقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامه و خاصه، تهران، اسلامی، ۱۳۵۹ ش.

٣٨. مراغى، احمد مصطفى، تفسير مراغى، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٨ هـ.ق.
٣٩. مصطفى، سيد جواد، ترجمه كافي، تهران، اسلاميه، بى تا.
٤٠. معانى الاخبار، شيخ صدوق ابو جعفر، محمد بن على بن حسين بن موسى بن بابويه قمى، مؤسسه انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه قم، ١٣٦١ قمرى.
٤١. المفردات فى غريب القرآن، ابو القاسم حسين بن محمد راغب اصفهانى، تهران، المكتبة الرضوية، ١٣٣٢ ش.
٤٢. مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم، مؤسسه آل البيت، ١٤١٣ ق.
٤٣. ميزان الحكمة، محمدى رى شهرى، مركز النشر مكتب الاعلام الاسلامى، قم، ١٤٠٤ ق.
٤٤. نهج البلاغه، امام على عليه السلام، تدوين، سيد رضى، انتشارات دار الهجرة، قم (نسخه صبحى صالح).
٤٥. وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، محمد بن الحسن حرّ عاملى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩١ ق.